

بیاری زحمتکشان سیل زده خوزستان بشتابیم

بلای سیل یکبار دیگر هم بینان زحمتکش ما در خوزستان را فرا گرفته است و مدتهاست که راهبران شراب و غیره و نیمی نیمی می کنند. ما صحنه را بر آن سفار این حادثه نگاه همدردی خود را با هموطنان مصیبت دیده برادران و زکلیه نیروهای انقلابی مخصوص رفقای هواداران میخوانیم که تا تمام توان و وسایل بهاری هموطنان سیل زده خوزستانی بنما بند، لازم بن توضیح است که در کونا مدت و در درجه اول به نیروی انسانی، جادر، بولودا و روستا رفوری وجود دارد. در این زمینه علاوه بر جمع آوری کمک از سراسر ایران، رفقای هواداران خوزستان از لحاظ تربیت به مناطق سیل زده بیاری به هموطنان محبت دیده مسئولیت بیشتری دارند.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ به با ضمیمه ۲۵ ریال



اتحاد کارگران قهرمان "مجمع فولاد" پشت امپریالیسم را میپرزاند

مجاهدین و اتحاد عمل آنان بالیبرها در جریان
انتخابات مجلس شورای ملی

گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان
شهرک ولی عصر

آتش افروزان
واقعی گنبد

چه کسانی هستند؟

ویژه نامه قیام

شماره (۳)

در ۸ صفحه ضمیمه این شماره

- ★ مروری بر جنبش دهقانی در یکساله اخیر
- ★ حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق
- ★ خاطرات یک رفیق از قیام در شیراز
- ★ پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق بمناسبت
- د هجین سالگرد نبرد قهرمانانه سیاهکل
- ★ خاطره رفیق شهید داریوش (یوسف) صابرقرامی
- یاد

کتابخانه ایرانی شهرانزف
1986
Iranische Bibliothek in Hannover

موضع مادر باره انتخابات مجلس شورای ملی

۱- موقعیت نیروهای سیاسی - طبقاتی جامعه و شرایط برگزاری انتخابات

انتخابات مجلس شورای ملی در پیش است و همه نیروهای سیاسی با اهداف متفاوت و کونا کون خویشان را برای گام نهادن در این کارزار انتخابی آماده میکنند. تشکیل مجلس شورای ملی آخرین گام هیئت حاکمه در جهت "فاسونی" کردن خویش و استقرار کامل رژیم جمهوری اسلامی است. بدین لحاظ هر یک از نیروها و جناحهای متفاوت درونی آن، آخرین تلاش خود را بکار گرفته اند تا موقعیت و مکان خود را در مجموعه قدرت سیاسی فائونی و رسمی آینده تحکیم نمایند و کرسیهای بیشتری در درون مجلس را به نمایندگان خود اختصاص دهند.

بقیه در صفحه ۲

★ اخبار کارگری	★ اخبار ارتش	۹ و ۸ "
پیروزی کارگران اخراجی پالاینگاه صفحه ۱۲	★ اخبار ملی	۷ و ۶ "
کارگزارندانی آزاد باید گردد	★ هنر مقاومت	۱۵ و ۱۴ "
پیروزیاد مبارزات کارگران گیلارد سیستان	★ دفاع "بازرگان" افشای "بازرگانها" است	۱۸ "
یارد یگر جان کارگرفدای جیب سرمایه دار شد	★ سالگرد قیام باشکوه تمام برگزار شد	۱۹ "
پیروزی کارگران بیکار کرج و حومه	★ توضیح درباره کتاب لیست ۸۰۰ ساواکی	۷ "
کنگره سورا های اسلامی کارخانجات توطئه های علیه	★ بنی صدر برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری	۵ "
تشکیل کارگران	★ وابسته به میدان می آمد	۶ "
در جامة قطع دست یک کارگری برای اوفاجعه است	★ با زهم دروغ با زهم فریب	۱۰ "
مبارزات کارگران "مجمع فولاد" ادامه دارد	★ تورم و تاثیر آن بر زندگی زحمتکشان	۱۰ "

گرامی باد ۲۹ بهمن دومین سالگرد قیام قهرآمیز مردم مبارز و قهرمان تبریز!

شبه از صفحه ۱

موضع ما ...

انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن، مناسب نوای سیاسی میان جناحهای درگیر قدرت را بنحو آشکاری دگرگون ساخت. جناحهای معینی در درون روحانیت، که عمدتاً رهبری حزب جمهوری اسلامی را برعهده دارند، و در درون شورای انقلاب نیز صاحب پایه و بنیاد فراوان بوده اند، بنا حنا حنا شای که در طی این مدت توانسته بودند بر کل روحانیت، با تمام با همگونی و تکلفهای درونیش، هر مونی داشته باشند، بازنده اصلی این انتخابات بودند و شکست فزاینده باری را متحمل شدند. با شکستی که بیروزی بنی مدرن انتخابات و نتایج آن را انتخاباتی در مورد حسی بر آنان وارد کرد، تمام تئلهای رهبر- آن این جناح برای آنکه نشان دهند که نسبت با این شکست بی تفاوت بوده و خود را موظف میدانند که از رئیس جمهور با مطلع منتخب مردم - بنی صدر - پشتیبانی و حمایت میکنند، نتوانست خشم فروخته آنان را از تحمل این شکست و ضربه ای که بر تالیات آزمندان و قدرت طلبان نشان وارد آمده است، پنهان سازد. این جناح اکنون میگوید تا تمام نیرو، شکست خود را در انتخابات ریاست جمهوری، با بیروزی هر چه بیشتری در انتخابات مجلس شورا، حیران نماید.

اما جناحهای رقیب نیز ساکت ننشسته اند. بنی صدر که اکنون ریاست جمهوری را بر عهده رهبری خویش را در این برده در زمینه از دمکرا نیم پنهان کرده است، با اعوان و انصارش در مدد تشکیل یک "کنگره بزرگ وحدت" است، "کنگره وحدت" بنی مدرن تمام طوهای فریبده اش، چیزی نیست جز یک لکانی برای صعود با رهم بیشتر به قله قدرت و بدست آوردن ابزار- های هر چه بیشتری از قدرت سیاسی. بنی مدرن و یا راش سودای آن دارنده بیروزی در انتخابات ریاست جمهوری را با بیروزی در بدست آوردن کرسیهای هر چه بیشتری در پارلمان، تکمیل نمایند. "کنگره وحدت" بنی صدر کنگره وحدت جناح معینی از بورژوازی و سرمایه داران لیبرال بمنظور جناس سرمایه و سیستم نیما راجه، کنگره جذب و جلب دمکراتهای ناپیکریسوی این جناح بمنظور تقویت پایه های اقتدار این جناح در قدرت سیاسی، کنگره

● بر پایه ارزیابی از وضعیت سیاسی موجود، ما در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می کنیم

فراخواندن توده های نا آگاه هر چه وسیعتری، به زیر پرچم فریبنده لیبرال ایسم بورژوازی، و با لاسره سکوی پرتاب این جناح بورژوازی به تله های رفیع - شرف قدرت سیاسی و قرار گرفتن در رأس آن است. این است معنا و مفهوم واقعی "کنگره وحدت" بنی صدر در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی، او نمیتواند این اهداف واقعی را در پس کلمات و حمله با فیهیای فریبکارانه و اغواگرانه اش اندر ضرورت "حفظ انقلاب" و "نجات دمکراسی" پنهان سازد، حتی اگر بتواند مدتی نیز توده های نا آگاه و دمکراتهای ناپیکری را بدنبال خویش روان سازد.

اما جناحهای مختلف هیئت حاکمه، علیرغم رقابت ها و درگیریهای درونی خود، در آستانه انتخابات مجلس، زمانی که برای "مصالح خودشان" بنیان می آید، و این "مصالح" از جانب نیروهای راستین انقلابی بویژه کمونیستها، مورد ملاحظه قرار میگیرد، بروحدت خویش اصرار می ورزند و مشترکاً، اقدامات مناسب و عاجلی را جهت مناسبت با

● شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید وسیله ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی توده ها و رشد مبارزه طبقاتی و پیوند هر چه فشرده تر با توده ها تبدیل ساخت.

● نباید فراموش کرد که عرصه پارلمان عرصه فرعی مبارزه است و عرصه اصلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه هایی است که توده ها خود به ابتکار خویش در هر جا و مکانی که زندگی می کنند و در تولید نقش ایفا می کنند، می گسترانند.

● شرکت در انتخابات مجلس شورا را همچنین باید به عرصه ای بدل ساخت که در طی آن هر چه بیشتر زمینه فشرده کی صفوف نیروهای چپ انقلابی و نزدیکی و اتحاد عمل با نیروهای دموکرات و ضد - امپریالیست فراهم گردد.

این "خطرات" در پیش میگیرند. تجربه انتخابات ریاست جمهوری، به کل هیئت حاکمه نشان داد که پای نهادن نیروهای انقلابی و دمکرات به عرصه مبارزه انتخاباتی، تا چه میزان میتواند برای او خطرناک باشد. بیپرده نبود که بلافاصله به تصحیح "اشتباه" خود در مورد آرزوهای خود در شرکت نیروهای انقلابی در انتخابات پرداخت. این تجربه را هیئت حاکمه در انتخابات مجلس نیز بکار گرفت تا موانع هر چه بیشتری در برابر شرکت این نیروها در انتخابات بوجود آورد. منطقیترین گردن انتخابات، قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن نامزدها، و دو مرحله ای کردن آن و ... مهمترین موانعی بود که هیئت حاکمه چون هفت خوان رستم در برابر نیروهای انقلابی و مخصوص کمونیستها نهاد. لیکن موج وسیع مخالفتها و اعتراضات چهار جناح، توده ها و نیروهای انقلابی و چهار جناح برخی نیروهای لیبرال خارج از جنبه قدرت سیاسی و فاندایدیگاه وسیع توده ای، هیئت حاکمه را وادار به عقب نشینی های محدودی کرد. بطوریکه مجبور شد تا بنی منطقی ای کردن انتخابات را طینی نماید. اما قوانین دیگر را همچنان علیرغم مخالفتها و وسیع مردم، تاکنون کماکان حفظ نموده است. قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن و دو مرحله ای کردن آن یک شاید آشکار است، قانونی است که به تنهایی میتواند زور و نیروهای انقلابی و را دیگال بدرون مجلس جلوگیری نماید، نیروها - شی که در صورت لغو این قانون یقیناً میتوانستند هر چند بطور محدود به درون پارلمان نفوذ نمایند.

بهر صورت نفس این قوانین بخوبی میتواند ما عیت خدمتگرا نیک ما حبان قدرت و وحشت آنها از با به گیری نیروهای انقلابی در محنه مبارزه انتخاباتی را نشان دهد. چنین قوانین ساهی بدون شک چهره هیئت حاکمه را بیش از پیش در مقابل توده های مردم رسوا خواهد نمود. بنی صدر که عنوان ریاست شورای انقلاب را نیز بدک میکند نشان داد که آنجا که موانع و مصالح عالی کمال قدرت سیاسی حاکم در میان است، از تصویب چنین قوانینی ابائی ندارد. و با سکوت زورانه خود در سطح جامعه، نمی -

نوا بد چهره خدمتگرا نیک خود را در زیر قیای مندریس دمکراسی خواهی پنهان سازد.

اکنون در آستانه چنین انتخاباتی و در حالیکه نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی، خود را وسیعاً برای یک کارزار انتخاباتی آماده میکنند، در حالیکه جناح حاکم روحانیت میگرداند شکست پیشین را بنحوی حیران کننده و با پایه های قدرت خویش را در قدرت سیاسی حفظ و تقویت

نماید، بنی مدرن بنا به بندگی جناح معینی از بورژوازی لیبرال، در صد تخمکیم با بهای اقتدار خویش و قیقه کردن حتی المقدور تمام نهاد های اجرائی و تالیهای قدرت سیاسی است، و با لاسره بلبوکیهای ارتجاعی منکر از راست ترین جناحهای بورژوازی و زمین - داران بزرگ و ... به شما پندگی افراد و نیروهای همگون با زرگان، مدنی، جبهه ملی و ... در تلاش نفوذ در پارلمان و بدست آوردن تعداد هر چه بیشتری کرسی پارلمانی است.

نیروهای انقلابی و را دیگال و بویژه کمونیست ها چه موضعی را با بد انتخاب میکنند؟

۴- جنبه اصولی و تاکتیکی مجاز بودن یا نبودن شرکت در پارلمان

پارلمان همچنان که با رها گفته ایم، موسسه ای است بورژوازی. این نهاد سیاسی، از آنجا که تحت سیطره رژیم سرمایه داری قرار دارد و توسط نظام سرمایه تشکیل و کنترل میشود، رسالتی جز بسازی از سرمایه اساسی نظام موجود یعنی نظام سرمایه داری برای خود نمی شناسد. بورژوازی آزادی را در پارلمان آنجا برسمیت میشناسد که به مقدمات طبقاتی او احترام بگذارد و از جارجوسی که او را بی تعیین کرده است، با فراتر نرشد. بورژوازی پارلمان را برای آن میخواستند تا به مردم اجازه دهد که اکثریت نمایندگان آن را از میان عناصری که وابستگی خود را بیستایی به حفظ نظام سرمایه اعلام کرده اند، انتخاب کنند. پارلمان نهادی است از ما شیمن دولتی بورژوازی. اما فریبنده ترین و در عین حال ریاکارانه ترین نهاد آن، پارلمان فریبنده ترین ابزار بورژوازی در اعمال حاکمیت طبقاتی خویش است. پارلمان تا رسم بورژوازی احساس کساد بدمکراسی را در توده ها القاء می نماید، آنها را به مسلخ سرمایه میکشاند و آنها را به بازگشت از مسیر انقلاب فرا می خواند. پارلمان در کلیت خویش فقط قوانینی را بدست میرساند که به حرم سرمایه نجا و زینت میدهد. پارلمان در عین حال عرصه ای است

شبه در صفحه ۱۱

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

کارگر زندانی آزاد باید گردد

زنجان

پیش از این خبر دادیم (بیکار ۴۰) که یکی از فعالین شورای کارگران کارخانه بارس مینو واقع در خرمدره بنام وزیری مدتی است که دربند است.

این کارگر آگاه و مبارز که از پشتیبانی وسیع و فعال کارگران برخوردار است، در دادگاه سخره ای که چند روز قبل برای محاکمه اش در زنجان تشکیل شده بود، به شدت سرمایه داران را آفتاب کرد و در حالیکه حدود ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه به حمایت از او برخاستند و در داخل و خارج دادگاه اجتماع کرده و دادستان را به باد حمله گرفته بودند، قاطعانه از طبقه کارگر در برابر سرمایه داران و مزدوران رنگارنگان دفاع برخواست.

مادستگیری و محاکمه، این کارگر مبارز را توطئه ارتجاع و عوامل مزدور سرمایه داران دانسته و ضمن محکوم کردن آن همراه با کارگران کارخانه بارس مینو، آزادی بدون قید و شرط او را خواستیم.

شوشتر

پیروزی مبارزات کارگران گیلارد سیستان

کارگران فایزیک شرکت گیلارد سیستان (شوشتر) که بالغ بر ۱۵۰ نفرند سرانجام در سرمایه همتیگی و اتحاد خود توانستند مسئولان امورا و ادا کنند که خواسته های عادلانه شان را ببندند، خواسته های کارگران از این قرار بود:

- ۱ - پرداخت اضافه حقوق
- ۲ - پرداخت حق مسکن
- ۳ - پرداخت حق اولاد
- ۴ - پرداخت حق سرویس
- ۵ - دستمزد خدمات درمانی
- ۶ - تشکیل شورای زیر نظر و انتخاب کارگران
- ۷ - دادن سرویس به کارگران روستائی
- ۸ - پرداخت حقوق بیکاری ۴ ماهه دوران انقلاب و ...

روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۹ که کارگران هر قسمت در جلوی محل کار خود اجتماع کرده بودند، کارگران فایزیک طی یک راهپیمایی ۲ کیلومتری که با پشتیبانی کارگران فایزیک نیز روبرو شد، خواسته های فوق را مطرح کردند. در این میان کوششهای مدیر عامل شرکت (بهشتی) و نوا ینده امام (آل طیب) که می خواستند با تحریک احساسات مذهبی کارگران بین آنها تفرقه بیندازند، بجای نرسید. کارگران مبارز شرکت با انضام و با خود چنان عرصه را بر این آقایان فداکار گزیند که چند بار سنا چارز بنامه در صفحه ۱۳

اتحاد کارگران قهرمان "مجمع فولاد" پشت امپریالیستها را میبلرزاند

ستقل از کمیته محلی بیکار شماره ۱۰ - کمیته خوزستان

رسمی باید کرد - شرکت پیمان ملی باید کرد / اموال سرمایه داران رستخ زحمتگان - برای زحمت - گمان ملی باید کرد ... را می دادند. کارگران مبارزان مبارزین سازی در میان استقبال گرم کارگران فاسترویلر - نهرا جنوب به محل شرکت رسیده و قطعاً مه خود را فراتر بردند.

در قطعاً مه کارگران مبارزان مبارزین سازی ضمن تاکید بر بیگیری مبارزات فدا میریالیستی و لزوم ریشه کن کردن سلطه میریالیسم زمینمان مطرح شده بود که میریالیسم را در عمل باید شکست داد. در قطعاً مه کارگران مبارزان مبارزین سازی ضمن حمایت از خواسته های کارگران فاسترویلر - نهرا جنوب اعلام کردند که همراه همستگرا آنها علیه میریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه خواهند کرد تا به خواسته های اصلی شان دست یابند.

کارگران ماسین سازی خواسته های مشترکشان را در موارد زیر عنوان می کردند:

- لغو قراردادهای بین دولت و بیما نگار پیمان لیستی.
- رسمی شدن تمام کارگران پیمان نگاری
- ایجاد شرکتی ملی پروژه های ایران که تمام کارگران پروژه های رازی پوشش خود بگیرد.

★ ★ ★

برقرار با دادگاه دومهستی کارگران صنایع فولاد! مرکز برای میریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلفای ایران!

بار دیگر جان کارگری فدای

جیب سرمایه داران شد

کژارین زیر را یکی از کارگران مبارز جنرال استیل تهیه کرده و ما آنرا عیناً در بیکار رد می کنیم: روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۱۰ یکی از کارگران قسمت پلاستیک کارخانه جنرال استیل به نام غلامعلی جهانیا زبردستگاه دولاب بر رفته و کشته شد. جویان از این قرار بود که اخیراً دو دستگاه جدید بنام فود - لاینر و دولاب تر توسط مهندسان ایتالیائی (که از طرف بنیادیه اطلاع مستضعفین با حقوق کزاف ما میانه ۱۲ الی ۲۰ هزار تومان استفاده کردند) بقیه در صفحه ۴

روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران مبارز فاسترویلر - نهرا جنوب تا بلوهای فاسترویلر - نهرا جنوب را با تین کشیده و تا بلوهای "شرکت ملی پروژه های" را بالا بردند. در دادگاه این مبارزات کارگران شرکت ساختن ما واقع در مجمع صنعتی فولاد اواز روز یکشنبه ۳۰ دیماه، در محل جمع کارگران فاسترویلر - نهرا جنوب حاضر شدند و پشتیبانی و حمایت خود را از آنان اعلام کردند. موج این مبارزه تمام مجمع را در بر گرفت. شعار "لغو قراردادهای امپریالیستی" و "ملی کردن کستر - سیوم فاسترویلر - نهرا جنوب" و "رسمی کردن کارگران پروژه های" که خواست تمام کارگران زحمتگشای مجمع فولاد است در تمام کارگاهها جنب و جوشی افکند.

کارگران مبارزان مبارزین سازی هم همصدا دیگر برادران کارگران در مجمع فولاد خواهان مبارزه قاطعانه علیه میریالیسم و لوکلیر قراردادهای امارتبار شده و بعنوان اعلام همبستگی با کارگران ما و فاسترویلر - نهرا جنوب فرامی گذارند که روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۷ دست به راهپیمایی بزنند.

روزیکشنبه فالانها تبلیغات همه جا نهدای کرده بودند. اعلامیه های بر علیه نظرات و مبارزات فدا میریالیستی کارگران در محوطه کارخانه بسا امضای "کارگران مسلمان ماسین سازی بارس" (اسم جدید نیروی ویژه!) پختن شده بود که ملی شدن شرکتی امپریالیستی و رسمی شدن کارگران پیمان نگاری را کاری در جهت منافع امپریالیستها نامیده بود!

همچنین سردمداران فالانها می گفتند که در قانون اساسی نوشته اند که شرکتی امپریالیستی رسمی می شوند و دولت خودشان این کارها را می کنند و احتیاج به راهپیمایی و تحصن نیست!

حدود ساعت ۹ بود که کارگران مبارز کارخانه، کارگران را به میدان سخنرانی دعوت کردند و قرار بر این بود که راهپیمایی از آنجا شروع شود. حدود ۳۰۰ - ۲۵۰ نفر از کارگران راهپیمایی را تسرور کردند. مسیر راهپیمایی از محل کار کارگران سا - ختانی ما نامی گذشت راهپیمایان در طی مسیر مورد استقبال کارگران ما ناکه مسئول کار بودند قرار گرفتند. کارگران مبارزان مبارزین سازی در طول مسیر شعارها را چون ارتجاع، ارتجاع حامی سرمایه دار - کارگر، کارگر علیه سرمایه دار / کارگر پیمان لیستی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

در جامعه ما قطع دست يك کارگر براي او فاجعه است

شهریار (تهران)

میکند تا تحت عمل جراحی قرار گیرد. پزشکان معتقدند که دست او دیگر نمی تواند حرکات اولیه خود را داشته باشد. واقعیت اینست که از دست دادن هر عضو برای هر انسانی جانگزا و هوشد ناراحت کننده است. اما در جامعه سرمایه داری از دست دادن دست، برای یک کارگر فاجعه است. او نیک می دانند که برای سرمایه دار کارگر چون ابزار است که وقتی ناقص شد، کنارش می گذارد.

این وضعیت تلخ از عوارض جامعه سرمایه داری بخصوص سرمایه داری وابسته است و تا زمانیکه کارگران حکومت خود را برپا نکنند و قدرت را در دست نگیرند، بارها تکرار خواهد شد. در حکومتی که قدرت بدست خود کارگران و زحمتکشان باشد، گذشته از آنکه محیط کار از شرایط ایمنی و بهداشتی کافی برخوردار خواهد بود، اگر هم کارگری دچار حادثه و نقص عمود، دولت انقلابی با تامین زندگی خود و خانواده اش و گذاشتن سرکاری که در حد توان و قدرت اوست، به او یاری خواهد رساند.

با ردیکرکاری دستش را که در جامعه سرمایه داری دنیا سرمایه او است و از دست دادنش بمعنی از دست دادن ابزار تامین معاش و وسیله زندگی است، به هنگام کار و ایجاد سرمایه از دست داد. جندی قبل یکی از کارگران کارخانه بسکویت کرجی بنا علی اکبر فتوحی هنگام کار در کارخانه دستش از ناحیه آرنج زیر چرخهای دستگاه کنده شده و له می گردد. در این هنگام کارگر دیگری که متوجه شده بود، دستگاه را خاموش می کند. کارگر آن ۴۰ دقیقه تلاشی می کند تا دست علی را از لای چرخها در می آورد. (مینوان حدی زکدک و در این فاصله چه زحری کشیده است!) بعد از آوردن دست وی، چون بیمارستانی در نزدیکی کارخانه نبود، او را به بیمارستان شماره ۲ تهران می برند. در این بیمارستان هم بی عمل بودن برق، هیچ اقدامی از طرف مسئولان آن صورت نمی گیرد و مجروح بحدت دوروز در بیمارستان بدون عمل جراحی باقی میماند. سر - ایما میس از خوشبختی فراوان بهمت یکی از مهندسين کارخانه او را به بیمارستان دکتر شریعتی منتقل

پیروزی کارگران بیکار کرج و حومه

کارگران بیکار کرج و حومه بعد از جلسه ای که با مدیرکل وزارت کار کرج، نمایندگان فرمانداری شورای شهر و جبهه دانشمندی داشتند، چون نتایجی نگرفتند بنا بر دست به تخاصم زدند. تخمین کارگران بیکار که با حمایت جدید شورای کارگری و همچنین پشتیبانی گروههای مختلف از جمله دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار (کرج) روبرو شد، سه روز بطول انجامید، سرانجام با کرفتن ۳۰۰ هزار تومان و امومگانی برای خانه کارگر خاتمه یافت. سخنانی که از طرف کارگران در طی سه روز تخمین ایراد میداد، حکایت از آگاهی آنها بطول بیکاری و همچنین راه حل این مشکل داشت. کارگران بدستی معتقد بودند که بدون درم کوبیدن سرمایه داری وابسته و کمیت سیاسی طبقه کارگر نمیتوان مشکلات اساسی زحمتکشان را بطور قطعی حل کرد. کارگران بیکار کرج و حومه پس از این پیروزی کدر را به ایدان دو همبستگی آنها حاصل شد با روحیه ای عالی نیرو را در دادای محمدرنجیت پیروزیها ی بزرگتر همچنان مبارزه خواهد کرد.

مبارزات کارگران "مختل فواید"

ادامه دارد

کارگران مبارزان استرویلر - تهران جنوب، در ادا همه بارز خود، شورای هماهنگی کارگران حرکت ملی پروژه ای (استرویلر - تهران جنوب) را در تاریخ ۵۸/۱۱/۳ تشکیل دادند و در جهت رسیدن به خواسته های اساسی خود، قدم مهم دیگری برداشتند. در دومین اطلاعیه شورای هماهنگی چنین آمده است: "نمایندگان این شورا از دل کارگران برخاستند و بدینا تکرار می خواسته های برحق کارگران میباشند که از ابتدای انقلاب شکوهمند ملت ایران آنرا دنبال میگردند. هدف این شورا ملی کردن سرکه لوفور را در ادا سار با رفا استرویلر - تهران جنوب و رسمی کردن کلیه کارگران پروژه ای شامل در صنایع فولاد بوده که بعلت عدم رسیدگی اولیا - امور با اعتبار خاص صورت گرفتند است، بیکاری کارگران بخون اصلی این مبارزه را تشکیل میدهد که خود نیازمیرم به پشتیبانی تمامی این مبارزان و خدا بگیری نیست دارد."

نقشه از صفحه ۱۸

دفاع ...

سیاست ها ویرنا مدهای فذخلقی شما میزنند، بلکه کل آن سیستمی را که شما به مقام نخست وزیر اثن می رسید، سیستمی که مینا جی ها و امیرا نظام هیا و بهشتی ها و ... را بر مقدرات خلق حاکم می کند و به شما اجازه و جرات اینرا می دهد که اعترافا مدستگین خود را تحت عنوان دفاع از خود وسیعاً منتشر سازید، حکوم می نمایند

کنگره سراسری شوراها ی اسلامی

کارخانجات توطنه ای علیه تشکل کارگران

دومین جلسه کنگره سراسری شوراها ی اسلامی کارخانجات روز جمعه ۵۸/۱۱/۲۶ با حضور حدود هزار نفر از کارگران در مسجد جواد واقع در صالح کریم - خا ن زند - مسازان ، سکیل شد.

موضوع مورد بحث "حدود وظایف شوراها" و مواظب آنها بود. سخنرانان این کنگره که از طرف گردان شدند - کان آن جا بنده انتخاب شده بودند. کوشش می - کردند که اولاً با بستن کنگره شورا یک مسئله مارکسیستی نیست و بقول جودنان اسلام با اینا پس آنرا مطرح کرده است! و دیگر اینکه وظیفه شورا "دخاله" در امور کارخانه نیست، بلکه شورا با تدکوش کند که با نگیه بر اسلام میان کارگران و مدیران کارخانه استی برترار کند! حتی در مواردی که کارگران می خواستند استن تدرت اجرائی، نظارت بر سر تولید، نظارت بر اخراج کارگران، نظارت بر امور جاری و ... را بعنوان وظایف شورا مطرح کنند، ارادانه، محبت آنها بوسیله گردانندگان کنگره و عوا یسان جلوگیری می شود و جهت بحث بد مسائل ارتقیل اعضای شورا با بدنه سرفی باسد و بدغری، بلکه بدشولوی اسلامی داشته باشد سر - می کند. این کنگره در واقع در جهت اجرای نقطه نظرهای حزب جمهوری اسلامی است که از همان بدو تشکیل خود "شوراها ی اسلامی" را برای آشنی دادن سرمایه داران و کارگران تبلیغ می کرد. براساس نظر "حزب جمهوری اسلامی" اعضای شورا باید سرکبار نمایندگانی کارفرما، مدیر کارخانه و کارگران باشند!!

بنده از متحد ۳

ناردیکر ...

در سبب بلاسیک کارخانه جنرال اسیل کارخانه و آروی می خواهد که علاوه بر دستکاه دولتی که خود روی آن کار می کند مواظب دستکاه دولتی که دوکارگر میدی (غیر رسمی) روی آن کار می کنند با دستکاه البته غیرمخالفت غلامعلی مینی بر آنتا نبودند بدولتیسر، مواظبان از دستکاه را در یک زمان به او تحمیل کردند. این جریان گذشت تا اینکه روزها دستکاه بدلی اوحراب بدو وقتی روی دستکاه دست نا آنرا در دست کند بعلت نداشتن محافظ و همچنین انوا نیک بودن زیر (برس) رفته و لده شد.

سرا انجام بعد از ۲۰ سال زحمت و استمرا در کارخانه، فدای پر کردن جیب سرمایه داران را لومفت کردید. کارگرانیکه در اطراف او بودند، حتی آکا شدن بری دستکاه را تطف کیده او و رابیرون آوردند و پس وی را بر سر دست گرفته و در حالیکه همگی کره می کردند و بعض کلویسان را گرفته بود و فریاد می زدند، "این سومین فریادی کارخانه است، ما خواهان اخراج مهندسین و مدیریت از کارخانه هستیم، ما خواهان تشکیل شورای کارخانه و انحلال سندیکا ی قلاسی هستیم" جسد غلامعلی را تا دم فترتیش کارخانه بردند و در آنجا مدیریت و مهندسین کارخانه بنده تنها برای تسلیم از دست خود بیرون نیامدند، بلکه برای بروخا با نیدن خشم و غضب کارگران با توسل بیکی از او بستگانی که بیست میکرومون رفته و گذشته ندن غلامعلی را دست قفا و فتردها سته و از ظها ردا سنت که این دست خدا بود در کارخانه می سوده خالنت کرد، و بدین وسیله سعی در بونا نیدن ما هیت را لومفتا شد و فریبکارا به خود داده شد. بعد از این حادثه در روز پنج شنبه ۵۸/۱۰/۱۱ مراسم ختمی در کارخانه برای یادبود غلامعلی برگزار شد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



بازهم دروغ بازهم فریب! آتش افروزان واقعی کذب چه کسانی هستند؟

باردیگر عوامل و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی با تحریف آشکار حوادث اخیر کذب و وارونه جلوه دادن قضایا ماهیت فریبکارانه خود را نشان دادند. طبق آنچه در روزنامه های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسدا-

اسلامی و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز اعلام نمود، "عناصر چپ ناسی (۱) در کذب حادثه آفریدند و با تیراندازی و برتاب نارنجک بسوی مردم مسلمانی که بقصد اعتراض به راهپیمایی فدائیان خلق گرد آمده بودند چند تن را کشته و نتیجتاً موجب بروز درگیری مسلحانه در کذب گشتند. اینها اظهاراتی است که ساختگیان رژیم برای منحرف ساختن افکار از عاملان واقعی زد و خورد در کذب بیان کرده اند. اما بیستیم جریان واقعی قضایا مختصراً از چه قرار بوده است :

بمناسبت گرامیداشت روز سیاهکل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از یک هفته قبل اعلام راهپیمایی در تاریخ ۱۹ بهمن می نماید. روز قبل از راهپیمایی یعنی ۱۸ بهمن اعلامیه ای از طرف جمعی از ترکهای ساکن کذب (محله قصابخانه) که خود از عوامل آلت دست زمینداران و فئودالهای منطقه می باشند، منتشر می گردد که طی آن اعلام شده بود از برنامه راهپیمایی جلوگیری بعمل خواهند آورد. سابقه درگیری میان مالکان و سرمایه داران بزرگ محلی باشورای فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و نیروهای انقلابی منطقه از قبل نیز وجود داشته است. زمینداران و عوامل ارتجاعی منطقه که بعنوان ترکهای طرفدار شریعتداری شناخته شده اند، از اینکه د هقانان بدست خود زمینها را تصرف کرده و زمینداران را از زمینها بیرون می نمایند بشدت هراسان اند. از همین روی همواره منتظر فرصتی بوده اند تا به بهانه ای کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و دیگر نیروهای انقلابی منطقه را که حامی و پشتیبان د هقانان زحمتکش می باشند مورد تهاجم قرار دهند این فرصت با اعلام راهپیمایی بزرگداشت سیاهکل از سوی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن فراهم میگردد. در روز راهپیمایی حدود ۳۰۰ تن از این عوامل مرتجع در مقابل راهپیمایان اجتماع کرده و اقدام به حمله با سنگ و چوب و... می -

نمایند. عده ای از میان آنها حتی از سلاح کمتری و نارنجک نیز استفاده می کنند که انفجار نارنجک در دست خود مهاجمین منجر به کشته شدن دو تن می گردد. بدنبال این جریان عده زیادی از جوانان ترکمن بعنوان اعتراض به این مسئله در محل کانون متحصن می شوند. عوامل ارتجاع و طرفداران شریعتداری از یکسو و سپاه پاسداران از سوی دیگر سنگر بندی کرده و منطقه ترکمن نشین را به محاصره درمی آورند. با شروع تیراندازی از سوی طرفداران شریعتداری درگیری مسلحانه آغاز می گردد. تیراندازی سپاه پاسداران بطرف خانه ها و مردم که منجر به شهادت چند تن میگردد آنها را بدفاع از خانه های خود وامیدارد و درگیری که در آغاز میان طرفداران شریعتداری و سپاه پاسداران بود، به زد و خورد میان مردم ترکمن و پاسداران بدل می گردد که طی آن بسیاری کشته و مجروح می شوند. در این جریان سپاه پاسداران یکبار دیگر نشان دادند علیرغم اختلافاتشان با طرفداران شریعتداری سرانجام بهمراه آنان و ارتجاعی ترین عوامل منطقه، زمینداران و فئودالها سرمایه داران بزرگ در یک جبهه و در مقابل د هقانان زحمتکش، خلق ستمدیده و نیروهای انقلابی منطقه قرار گرفته اند. آنچه که در رابطه با این جریان در یاد بیوتلوپوزیون و مطبوعات رژیم منعکس شد جز دروغبرداری، جعل حقایق و تحریف آشکار وقایع نبوده است. این مسئله تا زگی ندارد، قبلاً نیز در مورد کردستان، حوادث تبریز، خوزستان و... بسیار شاهد بوده ایم که در درگیری عوامل ارتجاع و خلقهای منطقه، زمینداران بزرگ و د هقانان، سیاست رژیم همواره دفاع و حمایت از فئودالها و ارتجاعیون، رودررویی مستقیم با مردم کشتار آنها و بالاخره زدن اتهامات گوناگون به کمونیستها و نیروهای انقلابی منطقه بوده است. آنها همواره کوشیده اند، با تحریک احساسات مذهبی مردم و ایجاد صف بنسبتی مصنوعی میان کمونیستها و مسلمانان، مرزها را مخدوش کنند و کمونیستها را که حامی واقعی منافع خلقها و د هقانان زحمتکش می باشند، " ضد انقلاب " و غیره قلمداد نمایند. اما حقایق هیچگاه پشت پرده نمانده است. ادا مه مبارزات خلقها علیه عوامل مرتجع خود بهترین سند رسوائی آنانست ■

راهپیمایی و تحصن طرفداران سپاه زرکاری

بدنبال خلق سلاح عمومی سپاه زرکاری، اینها با یکاه ارتجاع در کردستان، مقر آن در میوان هم توسط بینمهرکهای کومه له متلاشی شد. اما عده ای از آنها همراه با شیخ ماح نقسنندی (بسنیخ عثمان نقسنندی) که از سران سپاه زرکاری است در اورامانات که امکان خلق سلاح آنان نبود، با استفاده از آنجا می مردم و با کمک عده ای از ملاهای فدا انقلابی دست به تبلیغات سوء علیه کومه له و دیگر نیروهای مرتعی زدند.

در همین رابطه بنا بر تاریخ ۵۸/۱۱/۱۸ حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم رحمتکس و نا آکا منطقه اورامان که توسط ملاهای فدا انقلابی علیه نیروهای انقلابی از جمله کومه له تحریک شده بودند به پستیهای از سپاه زرکاری و بسوی میوان است به راهپیمایی زدند. هنگام ورود این عده به شهر، مردم به میان آنها رفته و در باره رهبران سپاه زرکاری به افشاگری پرداختند، راهپیمایان در مسجد جامع میوان تحصن کرده و خواستار :

- ۱ - آزادی زندانیان زرکاری
 - ۲ - پس دادن سلاحهای زرکاری
 - ۳ - تشکیل مجدد مقرهای زرکاری
 - ۴ - اقرار به اشتباه بودن خلق سلاح سپاه زرکاری از جانب کومه له
- ندند. در داخل مسجد نماز کومه له در مورد دولت و سپاه زرکاری دست به افشاکاری زد و از متحصنین خواست که نماز کومه له برای مذاکره بفرستند. پس از سخنان او چند نفر دیگر در باره زرکاری افشاکاری کردند، بطوریکه عده زیادی از راهپیمایان با دلی بر کینه از مرتجعینی که آنها را آلت دست قرار داده بودند به روستاهای خود بازگشتند. صبح جمعه ۱۱/۱۹ نمازندگان متحصنین با نمازندگان کومه له و ماوستا شیخ عزالدین حسینی به مذاکره نشستند و طی آن قانع شدند که سپاه زرکاری باید متلاشی میشد. نمازندگان متحصنین از نماز کومه له خواستند که زندانیان زرکاری را آزاد کند، اما با مخالفت کومه له روبرو شدند.

آنها سپس دونما بنده یکی به ما با (د پیش شیخ عزالدین حسینی) و دیگری را به اورامانات پیش دستها قیما نده از سپاه زرکاری فرستادند و در حالیکه تقریباً ۶۰۰ نفر از آنها با قیما نده بود تصمیم گرفتند تا آمدن دونما بنده مذکور به تحصن خود ادامه دهند.

روزی کشته ۵۸/۱۱/۲۱ مردم میوان بعنوان اعتراض به عنا مرتجع وابسته به بیعت که با فریب مردم اورامان آنها را به راهپیمایی و تحصن واداشته بودند، دست به تظاهرات زدند. آنها شعار می دادند :

میلله تی کورد بدانتن - خه لکی نیولان بدانتن - مه سئوالانی زرکاری - نوکهری یالیزیان - یعنی ایقید در صفحه ۷

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

بنیاده از صفحه ۶ راهپیمایی و...

ملت گردیدند - خلق ایران بدانند - مسئولان
رزگاری - نوکریا لیزبان(ویا) :
دهوله به عنس ویا لیزبان - رزگاری یان دامه رزان -
بوخیا نبت به کوردان - یعنی :
(دولت بعثت ویا لیزبان - رزگاری را گذاشتند -
برای خیانت به کردها) و...
پس از این تظاهرات تحسین پایانی یافت

سنندج در آستانه بحران دیگری

اخبار رسیده حاکی است که مردم کامیاران
تهدید کرده اند اگر پاسداران از شهر خارج
نشوند، همگی کامیاران را ترک خواهند کرد.
در حال حاضر پاسداران و جاشهای مفتی زاده
زیر عناوینی از قبیل: "پیشمرگان مسلمان کرد"
ویا "پیشمرگان وحدت اسلامی" به خیانت خود ادامه
می دهند. آنها با حمایت فعال ارتش و پشتیبانی
مستقیم محافل معینی در هیئت حاکمه، کردستان
را به سوی جنگ خونین دیگری سوق می دهند. هم اکنون
شواهدی در دست است که این خائنین می خواهند با
به آشوب کشاندن شهر سنندج زمینه دخالت ارتش
و سپس سرکوب گسترده تر خلق قهرمان آنرا فراهم کنند.
در یکی از روزهایی که شهر سنندج شهرت تحسین
شده بود، یکی از جاشهای مفتی زاده که خود را
نسلیم "گومه له" کرده بود، در حضور مردم در
استان داری طی سخنانی برده از روی توطئه هاکی
که دارد و دسته مفتی زاده در کرمانشاه تدارک
می بینند، برداشت. وی ضمن حرفهای خود توضیح
داد که چگونه مفتی زاده و جاشهای شناخته شده ای
چون "قیال بیگی"، "عبداله جماران (عبیداره)"
و "حاجی مسعود" و... از مدتی پیش در کرمانشاه
مستقر شده و دست به استخدام مزدور و تربیت آنها
زده اند تا طرح حمله به سنندج را بر مرحله عمل
در آورند. این مزدوران که طبق گفته جاش مزبور
تعدادشان به ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر می رسند، بنام
"پیشمرگان وحدت اسلامی" معروف شده اند!

دست این جنایتکاران در حوادث کامیاران نیز
بخوبی مشهود بود. تا هذان عینی آنها را در
کامیاران دیده اند. علاوه بر اینها جاش معروف
"محمد ناهیدی" معروف به "حومه جاوه" نیز با
دارودسته مفتی زاده دیده شده. این شخصی در
جریان یورش سراسری رژیم به کردستان در تعقیب و
دستگیری انقلابیون در میوان بسیار فعال بوده است.
حوادث کامیاران توسط همین دارودسته و یکمک
سپاه پاسداران کرمانشاه طر حریزی و به اجرا درآمد.
هما نظور که گفته شد اکنون سنندج نیز در آستانه
بحران دیگریست. جاشها در شهردیده شده اند. پاسداران
سنندج در حال آماده باش کامل است بتازگی قسمتی
از نیروهای ویژه، همراه پاسداران به پایتگاه
سنندج آورده اند و یک ستون نظامی نیز با تمام
تجهیزات (تانک، زره پوش و...) در فرودگاه مستقر
شده است. بطوریکه اکنون تقریباً میتوان گفت که
شهر سنندج در محاصره قرار گرفته است

بنیاده از صفحه ۱۸ کرامی با...

شدند. علاوه بر این، رفقا بدلیل تخصص هاکی که
داشتند نتوانستند یک دفتر مهندسی در خیابان سبزه
سابق، برای پوشش فعالیتها کی مرکزی سازمان
تهیه نمایند. مسئولیت اداره این دفتر به بعد از
شهادت رفیق حسن (۱۱ شهریور ۵۵) از طرف پلیس
کشف گردید، به عهده این دور رفیق قرار داشت.

رفیق حسن در جریان اعدام انقلابی به مستشار
فتی - نظامی آمریکا در شهر پیورما ۵۵ به علت
آنست که در فرودگاه اتوموبیل دیگری که ستان همنام
سند اتوموبیل راه بندان عمل اعدام آمریکا شایع
بود، تحت تعقیب مزدوران ساواک قرار گرفت و با
رگبار گلوله های جانین ساواک به شهادت رسید.
این شهادت که در محبوه، سرکوب و حسیانه نیروهای
انقلابی واقع شد، عزم انقلابی رفیق محبوه را در
پایداری در مقابل مشکلات و مبارزه سختی تا پذیر
علیه دشمن مدجدان نمود. در این شرایط دشوار،
رفیق محبوه همچنان با روحیه ای خستگی ناپذیر و
سرشار از انرژی و خلوص کمونیستی، سهم بسیار
شایسته ای در ایفای وظایف دشوار و فوق العاده این
دوره به عهده گرفت و قهرمانان به در این راه کوشش نمود.

در روز ۱۸ بهمن ماه ۵۵ رفیق محبوه در حالیکه
به اتفاق رفیق دیگری، از حوالی میسدان دروازه
شمیران عبور میگردند مورد سوءظن گشتیهای کمیته
قرار گرفته و با مزدوران کمیته که تعدادشان بیش از
۵ نفر بود درگیری شونده... رفیق همراه و موفق
می شود به حالت جنگ و گریز در پوشش آتش رفیق
محبوه و زلابلی اتوموبیل ها خود را به دروازه شمیران

رسانده در خیابان فخرآباد با مصدا در یک اتوموبیل
از منطقه دور شود، اما رفیق محبوه در جریان جنگ و
گریز با لاجرم در محاصره دشمن قرار گرفته پس از
مقاومت قهرمانانه در مقابل دشمن، مورد اصابت
گلوله جانین ساواک واقع شده به شهادت میرسد.
(نقل از نشریه منیتی داخلی، اسفند ۵۵)
رفیق محبوه متحدین با چهره ای خونین و با
قلبی سرشار از امید به پیروزی زحمتگشان ایران و
جهان در راه آرمانهای دموکراتیک - فدا میریبا -
لیستی و کمونیستی اش به شهادت رسید. صمیمیت،
مفای انقلابی و تلاشهای خستگی ناپذیر و بسرای
رفقاکی که در روزهای بحرانی سال ۵۵ دوش بدوش
رفیق محبوه، شدیدترین فشارهای پلیسی را تحمل
نموده و یکدم از مبارزه با رنمی ایستادند، فراموش
ناشدنی است.

خون رفیق محبوه و صدها شهید انقلابی دیگر خلق
دینی است برکردن ما و تمام انقلابیون راستین خلق.
ما و همه انقلابیون راستین ایران در راه تحقق
آرمان فدا میریبا لیستی، دموکراتیک و کمونیستی
رفقاکی چون او، همچنان با عشق و فزونی تر به خلق
و کینه ای فزاینده تر به دشمنان خلق در راه ادامه
انقلاب دموکراتیک - فدا میریبا لیستی میهن در راه
استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، و در راه آزادی
طبقه کارگر و همه زحمتگشان میهنمان سرخشان
تلاش نموده و یکدم از مبارزه با زخما هیم ایستاد.

☆☆☆

با در رفیق شهید محبوه متحدین را در سویم
سالگرد شهادتشان گرامی می داریم

بنیاده از صفحه ۱۰

تورم ...

تا نیر قابل توجهی بجای می گذارد.

۳ - اهمیت روز افزون نقش با نکها ...

اهمیت یول کشورهای امیریا لیستی نیز باعث بوجود
آمدن تورم اعتبار (تورم پول بانکی) میشود.
افزایش بی تناسب حجم وام مصرف کننده رهنمی
و... زاینده تورم است که در مورد تورم پول بانکی
واستقراض دولتی تعیین کننده است. لذا این عامل
نیز در توسعه و ندادن تورم موثر میباشد.

۴ - نقش انحصارات بزرگ و...

انحصارات امیریا لیستی همواره میکوشند تا
برای سود هر چه بیشتر، کالاهای خود را به قیمت گرانتر
بفروشند. حتی در شرایط رکود بدلیل سلطه و نفوذ
همین انحصارات در قیمت گذاری و مانع از کاهش
قیمتها و افزودن بر قیمتتها در تداوم تورم نقش
مهمی ایفا میکنند. بالا بردن قیمت کالاهای از سوی
این انحصارات بزرگ باعث کاهش قدرت خرید
کارگران و توده های زحمتکش میشود. از سوی دیگر
برای تامین اعتبارات همین انحصارات که توسط
بانکهای امیریا لیستی بمقتضای وسیع در اختیار
انحصارات قرار داده میشود و بدین منظور پول
کاغذی بدون پشتوانه و اردبازار شده و ارزش پول
را کاهش می دهد.

ادامه دارد

توضیح درباره

کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی

اخیراً کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی از جانب
"اتحادیه کمونیستهای ایران" انتشار یافته است.
متأسفانه در انتشار این کتاب دقت احساسی مسو -
لیت لازم نگاشته و ناشرین آن حتی توجه نکرده -
اند که بسیاری از شهدا و زندانیان سیاسی که از
کوران مبارزه در زندان سر بلند بیرون آمده اند نیز
در کتاب آمده است. با توجه به این قبیل موارد و
اینکه کتابها می کتاب متعلق به ساواکیها است
(البته عمدتاً کادرهای پائین و خیرچینان و نه
عنا صر زبده) این لیست مغشوش و مبهم رسد که از
جانب خود ساواک و در آخرین روزهای حیات رژیم
قبل و برای بدنام کردن مبارزین و ایجاد اغتشاش
فکری در بین مردم تهیه شده باشد. با لطمع ساواک
در این میان مجبور بوده که عده زیادی از کارمندان
و عنا صر و بسته بخود را نیز قربانی نماید.

اما موضعی که سخنگویان رژیم در مقابل این
لیست گرفته اند بسیار قابل است. آنها ضمن محکوم
کردن انتشار این لیست حاضر نشدند که هیچ توضیحی
در باره علت عدم انتشار اسامی ساواکیها و جاسوسان
امیریا لیست و... که یکسال تمام در اختیارشان
بوده به توده ها بدهند. برآستی اگر یکی در کفشان
نیست چرا چنین می کنند!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

تحصن و اعتراض درجه داران

نیروی هوایی

علیه نظام ضد خلقی ارتش

روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۳ عده ای از درجه داران نیروی هوایی بدنیال یک راهپیمایی وسیع از گذشتن از خیابان کارگر (امیرآباد سابق) وارد دانشگاه تهران شده و در مسجد دانشگاه تحصن شدند. بعضی از خواستهای این درجه داران مبارز عبارتند از:

- ۱- ابطال حکم اخراج نمایندگان و پرسنل انقلابی از تاریخ ۵۸/۱۰/۱ بعد (۱۴۵ نفر عناصرو وابسته رژیم سابق مورد نظرنیست)
- ۲- آزادی کلیه نمایندگان دستگیر شده و اعاده خدمت پرسنل انقلابی اخراج شده و تفسیح عناصرو وابسته و مرتجع زیر نظر نمایندگان منتخب پرسنل.

مهمترین و اساسی ترین خواسته های که درجه داران متحصن بر آن تاکید دارند، پذیرش و اجرای طرح "ارتش توحیدی" میباشد. مفاد این طرح کینه عیارست از زنی سلسله مراتب درون ارتش به روال گذشته، جایگزینی شورای نمایندگان پرسنل به جای ارگانهای تصمیم گیری توسط فرماندهان مسز دور و... مورد قبول اکثریت قاطع درجه داران، سربازان، همافران و... میباشد. نمایندگان متحصنین چه از طریق بلندگو و چه در تماس با مراجعین دانشگاه تا کیدمی کنند که خواسته های آنها به هیچ وجه جنبه رفاهی ندارد. فعلا این وگردانندگان درجه داران بطور مرتب علت تحصن، تا ریخه مبارزات خود را فراموش کرده اند. هان خائن را تا کنون و... برای مراجعین و علاقمندان توضیح میدهند.

در طول تحصن، گروههای مختلف از جمله همافران درجه داران نیروی زمینی و... برای اعلام همبستگی به مسجد دانشگاه آمده و پشتیبانی خود را از خواسته های انقلابی متحصنین اعلام می دارند. درجه داران متحصن اگر چه از طیف های وسیعی تشکیل شده اند ولی غالب آنها از روحیه سازشناپذیری نسبت به فرماندهان مزدور و سیستم حاکم بر ارتش برخوردارند. ما مورین انتظارات آنها با شورفراوان برای کسی که به سخنانشان گوش میداد، از خیانتها و اقدامات ضد خلقی فرماندهان مزدور و نتایج اطاعت کورکورانه در زمان شاه (فرستادن نیرو به طغیان، کشتار مردم در خیابانها و...) محبت میکردند. یکی از درجه داران در مورد خاتمه ای میگفت: "بین ارتش و ما جمع کردیم و گفتیم اگر به خواسته های ما رسیدگی نشود، نتیجه اش تشدید نا رضایتی در ارتش و کشیده شدن پرسنل مبارز به خیابانها و راهپیمایی و تظاهرات و... خواهد شد" و خاتمه ای به صراحت در جواب گفته بود: "در آن صورت ما هم تظاهرات هر کنندگان را سرکوب خواهیم کرد".

پرسنل انقلابی ارتش و سالگرد قیام مسلحانه خلقهای قهرمان ایران

کمیته خوزستان سازمان بهمن ماه، اعلامیه ای تحت عنوان فوق منتشر کرده است که در زیر قسمتهای آن را نقل می کنیم:

یکسال از قیام پرشکوه بهمن ماه می گذرد. در حالی که... ارتش جمهوری اسلامی می رود تا چون ارتش شاهنشاهی بازسازی شود. ولی پرسنل انقلابی همچنان مبارزه شان ادامه می دهند.

... هیئت حاکمه که در راه این اهداف ضد خلقی اش با پرسنل انقلابی مواجه بوده است طی یکساله اخیر به توطئه های بیشرمانه ای علیه آنها دست زده است. خون بسیاری از زندگانیان انقلابی ارتش بر زمین ریخته شده است، بسیاری از آنها به زندانها و شکنجه گاههای رژیم فرستاده شده یا از ارتش اخراج گردیده اند. خزعلی مزدور، روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ در جمع پرسنل پادگان شماره ۲ لشکر ۹۲ زرهی اهواز که بخاطر دستگیری نماینده شان سرگرد پرویز شعار متحصن شده بودند و شعار مرگ بر ارتجاع مرگ بر آمریکا را می دادند می گوید: از این پس هر کس در ارتش دست به تحریک بزند مثل کردستان که ۹ نفرشان را اعدام کردیم، اعدام می شوند.

پهروز بهروزنیا افسر رزمنده دیگری است که در کردستان بجرم اینکه دستش را بخون خلق کرد آلوده نکرد، اعدام می شود، سرگرد فضائی در پادگان در قزل به چوبه اعدام بسته میشود و...

پرسنل انقلابی در اینجا و آنجا در گوشه و کنار میهن مان به زندان انداخته می شوند. هم اکنون ستوان دوم مرادی، ستوان یکم علی محمدی استوار یکم روشنند و بسیاری از پرسنل انقلابی لشکر ۹۲ زرهی اهواز بجرم خواست اصلی پرسنل (ایجاد شوراهای در زندان بسرمی برند. رژیم همچنان به بهانه های مختلف و یکم هممان استدلال های آریامهری دست به اخراج پرسنل

انقلابی زده است. لایحه مربوط به تعدیل سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۵۸/۷/۱۲ بهمین خاطر به تصویب رسیده به موجب این لایحه درجه دارانیکه کمتر از ۲۰ سال خدمت کرده اند باز خرید واز ۲۰ سال به بالا بازگشت می شوند. پرسنل انقلابی مختاری و زارع زاده و تعداد دیگری از برادران رزمنده - شان در لشکر ۹۲ زرهی اهواز مشمول این لایحه شده اند. رژیم همچنان برای دور کردن هر چه بیشتر پرسنل مبارز از مردم هرگونه بحث سیاسی و خواندن کتاب را ممنوع کرده و طی بخشنامه ای به اطلاع پرسنل رسانیده است...

برادران سرباز و درجه دار، پرسنل انقلابی نیروهای مسلح!

با افساری روی خواست اصلی تان نگذارید رژیم حاکم ارتش را چون ارتش شاهنشاهی بازسازی کند. از اعدام، زندانی شدن و اخراج برادران - نتان با حرکات اعتراضی چون اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، اعتصاب غذا عدم اجرای فرمان فرمندان تحمیلی جلوگیری کنید. اختیار پادگان و اهداف ضد انقلابی رژیم را بگوش توده های مردم، کارگران و دهقانان و سایر اقشار و طبقات خلق برسانید و آنها را یکمک بطلید.

کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و مردم غیر اهواز!

سالگرد قیام پرشکوه ۲۲ بهمن ۵۷ را به حمایت از پرسنل انقلابی ارتش و خواست بحق شان تبدیل کنیم... حمایت از پرسنل انقلابی، حمایت از دستاوردهای قیام پرشکوه بهمن ماه و حمایت از خون هزاران شهید بخون خفته راه انقلاب است. حمایت از توده هایائی است که برای ایرانی آزاد، آباد و دموکراتیک مبارزه می کنند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
کمیته خوزستان
۵۸/۱۱/۱۹

درجه داران متحصن در مسجد دانشگاه هر چند که با خاسته و در حال راهپیمایی منظم در محوطه مسجد شعارها می مانند: " یک ارتش توحیدی ایجاد باید کرد"، " مواظب طوغتی نایودیا بگرد" و... را تکرار میکنند، نوشته های بعضی از پادگانهای نصب شده بر دیوارهای مسجد عبارتند از:

" برخلاف درج مطالب کذب بعضی روزنامه های وابسته ما هیچگونه خواسته های منفی و رفاهی نداریم" " بدستور سرلشکرنا دمپرز نرال آمریکائی حقوق درجه داران بازگشته ما کن آلونکیهای سازمانی حشمتیه قطع شد." " ما دستگیری وزندانی کردن نمایندگان برحق درجه داران را محکوم می کنیم و خواستار آزادی آنانیم."

★ ★ ★

★★★

هموطنان مبارز! رفقای گرامی

سازمان ماهواره با پشتیبانی و حمایت

همه جانبه شما توانسته است اهداف

انقلابی خود را پیش برد.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که

میتوانید به دست ما برسانید

● ● ●

همه قراردادهای اسارت آورا امپریالیستی باید لغو گردد!

پر خورد نژاد پرستانه چمران در ارتش

پایگاه حر (شاهرخی سابق)

از تعداد ۲۱ نفر از پرسنل اخراجی پایگاه حر حدود ۱۵ نفر کرد می باشند. نام این افراد در کتار افرادی گذاشته اند که قبلا با ساواک همکاری داشته اند. آنها افکار عمومی را نسبت به آنها بدبین کنند و آنها را نیز "فدا طلائی" و ساواکی تلقی نمایند. در صورتیکه افراد وابسته به رژیم سابق همچنان در مقام خود باقی مانده اند و خود زیر پوش اسلام، پرسنل انقلابی ارتش را فدا انقلاب معرفی کرده و فراموشی ارتش دستور تصفیه آنها را صادر می نمایند. ۱۵ نفر فوق الذکر با خطر گردیدن مورد تصفیه قرار گرفته اند. اما آنها در برابر چنین اقدام انقلابی مقاومت کرده و از تسویه حساب امتناع نموده اند. اخبار دیگری تا کید می کند که اکثر پرسنلی که بعنوان بد صلاح تصفیه در نیروهای مسلح اخراج شده اند آنها منان کرد بودن، جیبی بودن می باشد.

چمران استعمال بمب خوشه ای را

علیه خلق کرد مجاز میدانند

پایگاه حر (شاهرخی سابق)

یکی از خلبانان این پایگاه در باهاتها مدرکری با مقام وزارت دفاع (چمران) تصفیه کرده اند. چریان از این فرار بوده است که هنگام سرکوبی مبارزات حق طلبانه خلق کرد، چمران به پایگاه آمده و در مورد بمبیران کردستان با بمبهای خوشه ای B.C.U دستوراتی می دهد. (باید توجه داشت که این بمب دارای اثرات تخریبی و کشنده زیادی است و استعمال آن در جنگها در سطح بین المللی ممنوع است و آمریکا بخاطر استفاده از آن در جنگ ویتنام بارها در افکار عمومی جهان محکوم شده است). این دستور چمران مورد اعتراض خلبان مذکور قرار گرفته به چمران می گوید آیا شما از اثرات ویرانگر و کشنده آن خبردارید یا خیر؟ چمران در جواب می گوید: "تنها راه بازگرداندن امنیت به کردستان استفاده از این بمب می باشد".

تصفیه عناصر مبارز

زیر عنوان "پاکسازی"

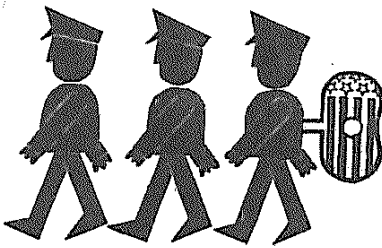
ارتش جمهوری اسلامی، در کتار ایجا دارگانها برای تفتیش عقاید، عناصر مبارز و مترقی دور ارتش را نیز تحت عنوان پاکسازی و یا سالم سازی تصفیه و اخراج می کند. اخیراً ترتیب فلاحی فرمانده نیروی زمینی، دستورالعملی با شماره ۴۰۲ / ۵۸/۱۰/۲۵ مورخ ۵۸/۱۰/۲۵ صادر کرده و ضوابط برکناری پرسنل نیروی زمینی را متذکر شده است. از جمله این ضوابط در بند ۷ و ۸ این دستورالعمل چنین آمده است: بند ۷ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب زامر ما فوق تمرودیا از قبول مسئولیت امتناع ورزیده اند (یعنی هرکس که مخالف اطاعت کورگورانه

تحریک علیه کمونیستها و نیروهای مترقی در ارتش

پایگاه حر (شاهرخی سابق): در ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه عصر روز ۵۸/۱۱/۱۷ هنگام نمایش فیلم موسی در سالن سینمای پایگاه حر، حجت الاسلام علی اکبر رشوانی، نماینده امام، دستوردا دکه فیلم را قبل از آن تراکت متوقف کنند، آنگاه خود چنین اظهار داشت:

"توجه! توجه! من علی اکبر رشوانی نما - بنده امام، با شما صحبت می کنم. خواهان و برادران پایگاه! هم اکنون که ما مشغول برکناری جن بر - تگوه سالگرد انقلاب اسلامی ما هستیم گروههای مختلف در مدد بهم ریختن این جن بوده و از هر فرصتی برای تبدیل این جن به عزا استفاده می کنند. از شما می خواهیم کسانی را که می تمیم (ا) به دموکرات و کمونیست بودن هستند، رفت و آمدهای آنها را هوشیارانه زیر نظر داشته باشید و هر حرکت مشکوک آنها را به اینجانب یا ما موریان انجمن اسلامی کار همان فدا اطلاعات سابق را می کند) و گروه ضربت اطلاع داده تا فوراً در مورد آنها اقدام شود. ضمناً مراقب منزل آنها نیز باشید.

اگر صدای تیراندازی شنیدید بلافاصله هرکسی که سلحه دار به مسجد مراجعه نماید خود تیراندازی نکنند و یا هرگاه از زبلندگوی مسجد اعلام کردیم هر کس سلحه دار دید بدون درنگ به مسجد بیاید.



پایگاه های سرمایه داری وابسته می بینند. البته بعد از جنایاتی که انجام می دهند، از طریق رادیو و تلویزیون و اعلامیه های آنجنانی مردم را به "صبر انقلابی" دعوت کرده و صحبت از افراد "مجهول الهویه" میکنند، در حالیکه غلامی ها، عزیزها، آشیخ علی ها، شاکریها و... را همه همشهریان ما می شناسند... این حضرات حاکم شرع اجازت شرکت در مراسم تشییع جنازه شهید "جنتی" را نمی دهند، برای اینکه از آنگاه شدن زحمتگشان می ترسند، از خیزش خانواده نهاد و خانواده کتا بفروشیهای خسارت دیده می ترسند...

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی از مردم مبارزان میخوانیم که قاطعانه... (بمبارای) دستگیری و محاکمه عاملین حوادث اخیر (حمله به مراسم، حمله به کتا بفروشیها، حمله به تشییع جنازه و...) بطور انقلابی با فشاری نموده و چهره کثیف عاملین ارتجاع را افشاء نمایند.

درود به جنتی شهید، این سند رسوائی ارتجاع! درود به تمام شهدای راه آزادی و استقلال! مرگ بر امیرالیم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

با عدم مشمول تصفیه می شود).
بند ۸ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب متحمن شده و یا گزارش دسته جمعی داده و یا تحریک به تحمّن، کم کاری، نافرمانی و بی انضباطی نموده اند. (با توسل به این جملات کشنده، رشیر، فراموشیها ن مزدور، هرکسی را که ما بل باشند، مینوا شد تصفیه کنند!)

رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکایی شاه بجای محاکمه به افتخار باز نشستگی

در حالیکه پرسنل انقلابی ارتش را که در انقلاب بویزه قیا ۲۲ بهمن نقش فعالی داشتند، با خرید و تصفیه می کنند، فلاحی، رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکائی شاه به افتخار باز نشستگی نائل می آید. به متن سندی زیر توجه کنید:

شماره ۷۲ - ۵۶/۱ - ۷۰۹
۱۳۵۸/۱۱/۶

از پایگاه هشتم شکاری (پرسنلی، افسران) به تیمسار ریاست ستاد نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران

در باره: سرگرد آجودانی مصطفی فلاحی (اطلاعات و ضد اطلاعات سابق)

بازگشت بشماره ۲ - ۵۳ - ۷۰۱ / الف ۱۳۵۸/۹/۱۷

۱ - افسریا دشته بالا از تاریخ ۵۸/۱۰/۱ برابر سر ماده واحده به افتخار باز نشستگی نائل گردیده است لذا مدارک مشروحه زیر به پیوست تقدیم می گردد. ضمناً تعرفه ن، پ، ۱ مشارالیه در اندازه دوم ستادی باشد.

۲ - مراتب جهت استحضار و هرگونه کار ریاسته به عرض می رسد.

فرمانده پایگاه هشتم شکاری سرهنگ خلبان بصیریان

- ۱ - رونوشت ماده دستور باز نشستگی یکبرگ
- ۲ - فتوکپی شناسنامه "
- ۳ - رونوشت ماده دستور استخدام "
- ۴ - عکس ۶×۴ پرسنلی ۶ قطعه
- ۵ - کروکی محل سکونت ۲ برگ

ارتجاع در سالگرد قیام

حادثه آفرید

در جریان بزرگداشت نبرد قهرمانان هکسل در بروجرد، ویدنیال یورش با ساران و عوام مسل ارتجاع به شرکت کنندگان در مراسم، دانش آموزی بنام محمود جنتی موردا ما بت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

در اعلامیه ۵۸/۱۱/۲۰ هواداران سازمان پیکار در بروجرد که در این رابطه منتشر شده میخوانیم: "...مجریان رژیم با صلاح انقلابی به جای حفظ حراسات آزادیهای دموکراتیک و آزادی مشاغل و جلوگیری از عوامل ایجا دکننده هرچ ومرج، خود به سازماندهی جهت لگدمال کردن و سرکوب آزادی های بدست آمده دست می زنند. برای اینکه حاکمیت خود را در مستحکم کسردن

بشیه از صفحه ۲

موضع ما ...

ارمبارزه که توسط بورژوازی کسترا نده می شود. در این عرصه رقابت میان جناح های مختلف بورژوازی آزاد است، عقب نشینی کل بورژوازی در برابر فشار مبارزه طبقاتی خارج ارمبارزه و خواستهای مردم تا حدود معینی که مصالح عالی طبقه بورژوازی اجازه می دهد، آزاد است و منافع بلا پیشروی بورژوازی در آن کاهش فشار مبارزه طبقاتی خارج از ارمبارزه و منافع تحکیم هر چه بیشتر و گسترده تر حاکمیت سرمایه از طریق تصویب قوانین مناسب نیز آزاد است!

آزادی در ارمبارزه تا این حدود برای بورژوازی مطلوب و مقدس است، فراتر از آن، حریم " آزادی " مطلوب بورژوازی شکسته می شود و این دیگر برای او نمیخواهد تا بل تحمل باشد.

غرض از ذکر کلیات فوق، روشن کردن این فرض اثبات شده است که کمونیستها به ارمبارزه و منجمله مجلس شورای ملی کنونی، جز بعنوان یکی از نیا دهای سیاسی بورژوازی نمی گردند. آنها نه معتقدند که میتوان از طریق ارمبارزه قدرت سیاسی را بطنف طبقه کارگر و سوده های زمینکن به کف آورد و نه برای باورند که از طریق ارمبارزه و تصویب قوانین می توانند تا نیرتعمین کننده ای در پیروی وضعیت طبقه کارگر و زحمتگزاران جامعه بوجود آورند. این سخن با رها گفته شده است و بارها گفته ایم.

اما علیرغم اینها، همچنانکه با زهم بارها گفته شده است، کمونیستها شرکت در ارمبارزه بورژوازی را، به یکبار برای همیشه و بعنوان یک اصل نمی نمی کنند. تمام تجربیات بینین جنبش انقلابی کارگری و کمونیستی بین المللی و تمام اصول تئوریک پذیرفته شده از جانب کمونیستها بر چنین مسئله ای دلالت دارد.

کمونیستها به ارمبارزه و بعنوان عرصه ای از مبارزه طبقاتی می نگرند، که در طی آن می باید تمام مطالب موجود و مظاهر مختلف آنرا برای طبقه کارگر و سوده های که به چنین موسساتی دل بسته اند افتخار نماید و به آنها نشان دهد که با ارمبارزه سرایی بیش نیست و باید از آن دل گندوبه انقلاب دل بست! کمونیستها نه در پی بدست آوردن گرسنه های ارمبارزه بلکه از پی کار آگاهان در میان توده های گرسنه و سیه دار مبارزه انتخاباتی شرکت می جویند، از پی نزدیک شدن به توده ها، از طریق یکی از ابزارهای که بورژوازی در اختیار آنرا قرار داده است، در انتخابات پارلمان شرکت می جویند.

اما صرف نظر از این اصل کلی تئوریک، که دیگر نیازی به توضیح بیشتر آن نیست و یک اصل اثبات شده و پذیرفته شده است، مجاز بودن کمونیستها در عمل برای شرکت در ارمبارزه، بسته به شرایط منحص و معینی است که در هر لحظه در آن جامعه حاکمیت دارد. بعبارت دیگر کمونیستها در چنین مقاطعی، میبایست با ارزیابی مشخص سیاسی از جامعه به انتخاب ذاتا کنتیک صحیح نسبت به ارمبارزه میان درت و رزند. اما مسل تعیین کننده این شرایط سطح مبارزه طبقاتی است که در جامعه جریان دارد. زمانیکه جامعه در حالت سکون و آرامش قرار داشته و توده ها ستمگری طبقات مسلط را تحمل می کنند، زمانیکه مبارزه طبقاتی هنوز مراحل اولیه خود را از سر می گذراند و توده های وسیع را در برنگرفته است، زمانیکه اکثریت توده ها بضرورت انقلاب و دگرگونی بنیادین جامعه پیسی نبرده اند، و با زمانیکه توده ها بهر دلیل از نیروهای

سیاسی حاکم نبریده و نسبت به آنها دچار شوخها شد کمونیت ها میبایست از ارمبارزه بمانند به یکی از عرصه های فرعی مبارزه طبقاتی برای پیشبرد اهداف انقلابیتان سودجویند.

با انعکس زمانیکه اعتدای انقلابی سراسر جامعه و اکثریت توده های تحسسم را در بر گرفته باشد، زمانیکه توده ها در تجربه مبارزاتی خود، از رژیم حاکم دل گنده و امید بی پیروی وضع خود در چار - خوب حفظ این سیستم نمی یابند، زمانیکه اکثریت توده های تحسسم، مبارزه طبقاتی را بطور وسیع و همه جانبه در عرصه های اصلی مبارزه به جریان

یک جنب غیر معقول از مراحل مختلف مبارزه طبقاتی نمود. آنها هنوز به راه طیفی بورژوازی دل بسته اند و این دل بستگی ریشه عمیق در شرایط عینی و ذهنی موجود در جامعه دارند. آنها باید در تجربه تاریخی خود به بطالت راه طیفی بورژوازی و منجمله شیوه های پارلمانتاریستی مبارزه دست یابند. این تجربه تاریخی مصنوعا ایجاد نمی شود (لنین) بلکه در نتیجه تکامل منطقی مبارزه طبقاتی حاصل می شود.

ذهنیت محض خواهد بود اگر بگوئیم در شرایط کنونی، توده ها از بورژوازی دل بریده اند و از موسسات بورژوازی از قبیل همین مجلس شورای ملی

● شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و بنا به شرایط موجود، مستقل خواهد بود. لیکن این استقلال در شرکت به معنای آن نخواهد بود که ما نسبت به دیگر نیروها و نامزد های انتخاباتی آنها بی تفاوت بمانیم

● ما معتقدیم که نیروهای چپ انقلابی، اکنون که بهر دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است، حداقل میبایست برای تقویت این نیروها در چهار چوب صفوف نبره های دموکرات و ضد امپریالیست از یکسو و در برابر جبهه نیروهای ارتجاع و امپریالیسم و هیئت حاکمه از سوی دیگر، از گاندید های یکدیگر حمایت نمایند

چشم بر گرفته اند، آنها هم زمانی که هیئت حاکمه توده های میلیونی را به حمایت از خود به عرصه خیا بانی می کشاند، و بطور میلیونی بیای صندوقهای رای، ... در آخرین انتخابات (انتخابات ریاست جمهوری) بیش از ۱۴ میلیون نفر بیای صندوقهای رای رفتند! اینها واقعیات انگارنا پذیری هستند، تحریک انتخابات مجلس در چنین شرایطی جبهات محض و چپ روی کودگانهاست.

لنین می گوید:

" اگر بسیم که به تنها " میلیونها بلکه صرفا یک اقلیت است تا بل نوبی هم از کارگران معنی بدنیال کتیکان کار تویک می روند و از کارگران روستا بدنیال ملاکین و کولاکها می روند، آنوقت از اینجا بدون هیچگونه تکی چنین نتیجه می شود که با ارمبارزه رژیم در آلمان هنوز از لحاظ سیاسی کهنه شده است و شرکت در انتخابات پارلمان با ارمبارزه ازینست تریبون پارلمان برای حزب پرولتاریای انقلابی ما بمنظور تربیت قشرهای عقب مانده طبقه خود و بیداری و تنویر افکار توده روستایی تکامل نیافته، توسعه خورده و نادان حتمی است."

لنین از یک " اقلیت " نا آگاه و بدنیال که رو بورژوازی سخن می گوید، که وجود آن دلیلی کافی برای شرکت در ارمبارزه پارلمان بورژوازی است، در حالیکه ما نه با یک اقلیت محدود بلکه با اکثریت توده نا آگاه روبرو هستیم که علیرغم ناراضی از وضع موجود به رژیم و پارلمان و شما راه طیفی و شیوه های بورژوازی دل بسته اند، آیا کسی هست که چنین واقعیتی را انکار نماید؟

برپایه ارزیابی از وضعیت سیاسی موجود است که باید در انتخابات شرکت جست و ما خود نیز در این انتخابات شرکت میکنیم.

ما به توده ها خواهیم گفت: بسیار خوب! اکنون که شما به پارلمان دل بسته اید، اکنون که شما فکر می کنید که می توانید با گسیل داشتن نمایندگان به پارلمان آن را بیک ستاد مردمی و منطقی بسازد

می اندازند، و بالاخره زمانیکه رشد مبارزه طبقاتی نوید یک تحول انقلابی قریب الوقوع را می دهد، آری در چنین شرایطی شرکت در ارمبارزه بورژوازی به عقب کشاندن توده ها از انقلاب، جلوگیری از بسط واقعی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کشاندن توده ها به راه ارمبارزه رژیم و جلوگیری از بسط انقلابی آنها در جهت نفی تمام نظامات موجود در عرصه مبارزه است.

این است ملاک و میزان اصلی شرکت با عدم شرکت کمونیستها در ارمبارزه های بورژوازی در هر لحظه ای از حیات سیاسی جامعه.

۳- تاکتیک ما مبنی بر شرکت در انتخابات و سیاست مبارزاتی ما در این عرصه مبارزه طبقاتی

اکنون و در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی برپایه همین ملاک و معیار، معتقدیم که با بسط در این انتخابات شرکت جست و مبارزه در این عرصه نیز به پیش برد.

شکی نیست که مبارزه طبقاتی در جامعه ما روبه اعتدالت و هر روز نیز توده های بیشتری از کارگران و سایر طبقات و اقشار خلقی را در مبارزه حاد طبقاتی درگیری نماید.

شکی نیست که بحران اقتصادی - اجتماعی موجود بحران سیاسی را در "بالا" و بحران انقلابی را در "پائین" روز بروز بیشتر گسترش می دهد. اما این کافی نیست. آنچه که مهم است و ما را در انتخاب ذاتا کنتیک صحیح در این مورد یاری میرساند، سطح مبارزه طبقاتی در جامعه و درجه اعتدای انقلابی در میان توده ها است. این سطح از مبارزه و این درجه از اعتدال در شرایط کنونی ایجاب میکند که چنین شرکتی را ما ز سرمد، هنوز توده ها به غیر پیشروان خود، در سطح وسیعی نسبت به قدرت سیاسی حاکم دچار شوخمانند. هنوز خواستها و مطالبات انقلابی را از این رژیم طلب می کنند و بر این باورند که قدرتمندان کنونی بتوانند به این خواستها و مطالبات پاسخ گویند، این واقعیت را حتی ساده لوحترین افراد نیز نمی توانند نفی کنند. هنوز تجربه تاریخی توده ها، در نفی قدرت سیاسی حاکم، بارور نشده است. این تجربه نه با اراده ما، بلکه در جریان تجربه تاریخی خود توده ها باور می شود. توده ها را نمیتوان وادار به

خواست‌ها و تمایلات خودبديل کنید، اکنون که شما می‌خواهید بهبودی واقعی وضع خود را از طریق تصویب قوانین دربارلمان تحقق بخشید... ما به‌مراه شما در این انتخابات شرکت نمی‌کنیم و به عرصه مبارزه با رلمان، در صورت امکان کام می‌دهیم. تا در تجربه خودتان به‌شما نشان دهیم که تصور شما از بارلمان یک تصور باطل و کاذب است و با زدن تجربه خودتان نشان دهیم که راه حل واقعی بهبودی وضع زندگیتان نه‌با رلمان بلکه انقلاب است. ما از شما فاصله نمی‌گیریم و در این مبارزه همراه شما خواهیم بود. و تردیدی نداریم که در جریان همین مبارزه به‌باید ورهای ما ایمان خواهید آورد.

شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید به‌وسیله‌ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی توده‌ها، رشد مبارزه طبقاتی و پیوند هر چه قوی‌تر با توده‌ها تبدیل ساخت، اما هیچگاه نباید از یاد برد که این عرصه مبارزه تنها یک عرصه فرعی است و محنه اصلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌ها می‌گردد. ما می‌خواهیم که توده‌ها خودبه‌خود اینک از خویش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند در تولید نقش ایفا می‌کنند، می‌کسرا کنند و مبارزه را به‌جریان می‌اندازند. شرکت در انتخابات مجلس را باید به‌عنوان عرصه‌ای برای افشای نظامات موجود، محکوم‌ساختن ارتجاع و امیریا لیسم و تمام نیروهای که به‌حق در حفظ و بقای سیستم موجود نقش داشته‌اند و در برابر شدت تکامل انقلاب قرار گرفته‌اند، افشای خصلت ضد انقلابی بورژوا لیبرالها در هر شکل و رنگی که دارند، افشای سیاست‌ها و برنام‌ها ی خرده‌بورژوازی مرفه‌سنجی تبدیل ساخت.

شرکت در انتخابات مجلس شورا را همچنین باید به‌عنوان ای‌تدل ساخت که در طی آن هر چه بیشتر زمینه فتردی صفوف نیروهای چپ انقلابی و نزدیک‌سازی و اتحاد عمل با نیروهای دموکرات و فدا میریا لیست فراهم گردد.

شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و بنا بر شرایط موجود مستقل خواهد بود، لیکن ای‌س استقلال در شرکت به‌معنای آن نخواهد بود که ما نسبت به دیگر نیروها و نه‌مرد‌های انتخاباتی آنها بی‌تفاوت بمانیم.

ما معتقدیم که نیروهای چپ انقلابی، اکنون که به‌بهر دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است (۱)، حداقل می‌بایست برای تقویت این نیروها در جا رجوب صفوف نیروهای دموکرات و فدا میریا لیست از یک سو و در برابر جبهه نیروهای ارتجاع و امیریا لیسم و هیئت حاکمه از سوی دیگر، از یک سو تغییرات در طرز انتخابات است. نیروهای چپ، صرف‌نظرا از اختلافات کمابیش عمیق میان خود، پیش از حمایت از نیروهای دموکرات و فدا میریا لیست، در برابر یکدیگر متحد و وظیفه‌دارند و می‌بایست بنا بر حمایت از یک نئید‌های خود به‌باید روی این صفوف در عرصه‌ای مبارزه معین یاری رسانند. طفره رفتن از این اصل ساده‌و اولیه به‌معنای زیر پا گذاشتن تعهدات کمونیستی و مخدوش کردن مرزها در عرصه

(۱) - در حال حاضر کوشش ما بر این است که در چهار رجوب ضوابط مشخص با نیروهای کمونیست - تا آنجا که امکان دارد - ائتلاف کنیم.

مبارزه و با لاجره پراکندن صفوف نیروهای چپ انقلابی است. نمونه‌این موضعگیری ما در سراسر اردیبهشت انتخابات مجلس خبرگان ما هدیبودیم. در جریان این انتخابات رفقای فدائی از حمایت از کاندیداهای دیگر نیروهای م. ل. س. ربا زنده و منتفا بلا از کاندیداهای نیروهای دموکرات و سیمه دموکرات پشتیبانی نمودند. اینک‌ها این رفقا چه برخوردی با

● بجز نیروهای چپ، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیریا لیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نکنیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان مجاهدین خاکی است.

تجربه گذشته‌شده‌اند، موضعگیری آنان در جریان همین انتخابات حاضر، قضیه را روشن خواهد نمود. ما سیم خود این را وظیفه خود می‌دانیم در رابطه با نیروهای دیگر در درجه اول از کاندیداهای نیروهای چپ انقلابی حمایت نمائیم و طبقاً مواضع هر یک از این نیروها در قبال کاندیداهای نیروهای دیگر در جریان انتخابات، تا شیری در این حمایت ما باقی نمی‌گذارد. ما این حمایت را در رابطه با مصالح عمومی جنبش انقلابی و جنبش کمونیستی ضروری و لازمی می‌دانیم. طبیعتاً این حمایت به‌معنای آن نیست که نمایندگان این نیروها دقیقاً مواضع سازمان ما را منعکس می‌سازند. ما با آگاهی به اختلافات موجود و با توجه به خصلت عمومی انقلابی برنام‌ها و سیاست آنها و قرار داشتن آنها در درون جنبش کمونیستی، معتقدیم که می‌توان با حفظ موضع انتقادی به‌جنبین حمایتی دست زد. صرف وجود جنبین اختلافاتی، در صورتیکه یک نیرو را مجموعاً در درون جنبش کمونیستی ارزیابی نمائیم، نمی‌تواند توجیبهی برای عدم حمایت از کاندیداهای این نیرو ایجا کند. ما با حفظ موضع انتقادی خود نسبت به مواضع این نیرو و نیز مواضعی که کاندیداهای این نیرو در جریان انتخابات اتخاذ کرده‌اند، جنبین حمایتی را اصولی و ضروری می‌دانیم.

بجز نیروهای چپ، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به‌منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیریا لیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی، و با توجه به سیاست و برنام‌ها ی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نمائیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان مجاهدین خلق است. این سازمان، از ابتدای قیام تا کنون سیاست‌های انحرافی متعددی را در برابر هیئت حاکمه از یک سو و نیروهای چپ انقلابی از سوی دیگر اتخاذ کرده است. این سازمان در طی این مدت نتوانست مکان واقعی خود را در میان صفوف مختلف نیروها، در کنار نیروهای راستین انقلابی چپ دریا بد. سیاست این سازمان در موارد مهمی لیبرالی و دارای نوسانات و تزلزلات بسیار بوده است. این سازمان هنوز نتوانسته است با مرز بندی قاطع با نیروهای لیبرال و جناح‌های مرفه خرده‌بورژوازی، در کنار انقلابیون کمونیست قرار گیرد. و این سیاست بدون شک تا شیسرات پرا هییتی در آرایش نیروها، به‌زیان جبهه نیروهای انقلابی و فدا میریا لیستی و به‌سود نیروهای بورژوازی و لیبرال باقی می‌گذارد. لیکن علی‌رغم این سیاست‌ها و نیرا شکالاتی که در برنام‌ها ی سیاسی این نیرو وجود دارد، ما معتقدیم که این سازمان یک نیروی دموکرات و فدا میریا لیست بوده و وظیفه خود می‌دانیم که به‌منظور تقویت صفوف این نیروها از کاندیداهای این سازمان بطور مشخصی حمایت

نمائیم. این حمایت از جانب ما بی‌قید و شرط نیست بلکه ما با آگاهی به اختلافات عمیق میان سیاست و برنام‌ها خود با سیاست و برنام‌ها این سازمان، ضمنین حمایت از کاندیداهای این نیرو و طبقه خود می‌دانیم که مواضع وی را چه در کلیت خویش و چه در عرصه انتخابات و با مواضعی که کاندیداهای این سازمان اتخاذ می‌کنند، مورد انتقاد در اردیبهشت‌های

● بجز نیروهای چپ، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیریا لیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نکنیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان مجاهدین خاکی است.

میان خود آنها را روشن نمائیم. سازمان مجاهدین همچنان که از سوا هدیر می‌آید در طی این انتخابات نیز همچون گذشته، با محافظه‌کاری و با اتخاذ یک سیاست لیبرالی از نزدیکی به نیروهای چپ انقلابی دوری جست و با زهد رکنار نیروهای لیبرال قرار گرفته است. جنبین سیاستی بدیده‌ما سیاستی انحرافی و مخالف موازین دموکراتیک و فدا میریا لیستی است. لیکن جنبین سیاستی، ما را از حمایت کردن از کاندیداهای این نیرو با زنی دارد. ما در عزم عمل نشان می‌دهیم و نشان خواهیم داد که اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی، تشکیل جبهه نیروهای دموکرات و فدا میریا لیست و تقویت صفوف این نیروها در برابر ارتجاع و امیریا لیسم را، تنها در حد شعار و گفتار محدود نمی‌کنیم بلکه در کردار نیز بدان متعهدیم و معتقدیم. و نیز نشان خواهیم داد که مصالح و منافع والای جنبش انقلابی را تابع منافع تنگ گروهی و محاسبات تنگ نظرانه خرده‌بورژوازی - آنچنان که مرسوم است - قرار نخواهیم داد.

ما امیدواریم که نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست‌ها بتوانند، محنه انتخابات و در صورت امکان با رلمان را به‌محنه‌ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی توده‌ها تبدیل کنند. و بتوانند تمام تر فندها و حیل‌های بورژوازی در فریفتن توده‌ها و دلگرم کردن آنها به‌راه‌هلهله‌ای خود برای حل بحران اقتصادی - اجتمعی و سیاسی موجود، مبدل سازند. فقط در جنبین صورتی است که می‌توان امیدوار بود که آنها توانسته‌اند از جنبین آزاری در جهت تحقق اهداف انقلابی خود سود جویند. ■

پیروزی کارگران

★ ★ ★
اخراجی‌پالایشگاه
 عده‌ای از کارگران اجراجی صنعت نفت در آبادان که در زمان رژیم سرسیرده پهلوی بدلیل مختلف از کار اجراج شده بودند سرانجام نتوانستند بعد از ما هم مبارزه پیگیرانه روز دوشنبه ۲۹ دیماه بسرکار خود بیا گردند.
 این عده در جریان تلاش برای احقاق حقوق از دست رفته خود در تهران و آبادان با کارشکنی و سنگ اندازی مقامات مسئول شرکت نفت از جمله نژی‌خاکن، معین فروگر با سیون مزدور و... روبرو شدند. اما علی‌رغم تمام این اقدامات ضدکارگری این کارگران نتوانستند در سایه پیگیری و عزم راسخ خود به سرکار بیا گردند.
 هم‌اکنون عده‌ای دیگر از کارگران که آنها نیز بدلیل مختلف در گذشته اجراج شده‌اند در آبادان تهران و امضا ن باری با زنگشت بکار تلاش میکنند ■

گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان شهرک ولی عصر

شهرک ولی عصر در جنوب غرب تهران در جاده ساوه واقع است. این شهرک دارای ۱۲۰ هزار نفر جمعیت می باشد که اکثریت آنرا کارگران کارخانه های مختلف، کارگران بیگار، فروشندهگان خرده-با... تشکیل میدهند. اراضی این شهرک زمینهای مزروعی بوده که توسط زمیندارانی چون برادران غیاثی، برادران جوانمرد، حقانی، گرجی و... پس از تفکیک متری ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومان به مردم زحمتکش ویی خانمان فروخته شده است.

چندین ماه است که اهالی زحمتکشان شهرک ولی عصر برای گرفتن حق خود از این سرما به داران بزرگ و زمینخواران دست به مبارزه زده اند. اهالی زحمتکش شهرک ولی عصر تمام راههای قانونی را آزمایند کرده و پس از آنکه به نتیجه ای نرسیدند، عصر روز چهارشنبه ۱۱/۱۰ برادران غیاثی و جوانمرد را در شهرک بدر و گران گرفتند. خودنیز دست به محاصره زدند. پس از آنکه برادران غیاثی و جوانمرد به کروگان گریخته شدند، از گنجینه مرکز و شورای انقلاب پلانی ریادی برای آزادی آنها تدبیر شده ترسید. شب جمعه پس از یک شبانه روز سخت و مذاکره بین اهالی و کمیته مرکز قرار بر این شد که غیاثی و جوانمرد هر کدام ۱۰ میلیون تومان بپردازند و آزاد شوند. روز شنبه موقعی که نمایندگان اهالی برای دریافت چک ها به بانک مراجعه میکنند، با سواران کمیته مرکز نمایندگان مردم را محاصره کرده و یکی از آنها را دستگیر مینمایند. (فرد دستگیر شده رئیس کمیته شهرک ولی عصر بود که در مبارزه با زمینداران با مردم همکاری های میکرده است). پس از این واقعه مردم زحمتکشان شهرک ولی عصر بیخشم آمدند و حدود ۴۰ نفر از اهالی در جلوه کمیته مرکز برای آزادی نماینده خود به دست نداشتند و با شعارهایی چون "کریمی، حامی مستعفی آزادی است"، "سرما به دارم زود دستگیر یا بگذرد"، "مستعفی می رزم، سرما به دار می لوزد"، "حامی سرمایه دار انبیا بید کردد، مرک بر سازنگار"، "اسلام پیروز است، سرما به دارنا بود است" و... خواستار آزادی او شدند.

پس از چند ساعت تحصن، کمیته مرکز مجبور به آزادی نماینده مردم شهرک ولی عصر شد. صبح روز یکشنبه نمایندگان مردم برای بیگیری کار به کمیته مرکز می روند که دوباره کریمی رئیس کمیته شهرک و نماینده مردم دستگیری نمود و این بار او را به زندان اوین می برند.

عصر یکشنبه حدود ۱۵۰ نفر از مردم شهرک، به کمیته مرکز و دادستانی انقلاب مراجعه کرده و بیان دادند که خواستار آزادی کریمی میشوند.

روز دوشنبه مردم در خیابان های شهرک به راه می افتند و با شعارهایی چون "حامی سرما به دارنا با بید کردد" کمیته و خشم طبقاتی خود را نسبت به سرمایهداران و حامیان آنها نشان میدهند. مردم از خانه ها بیرون می آیند و به صف تظاهرات کنندگان می پیوندند.

شمار "مستعفی پیروز است، زمیندارنا بود است" در فضای شهری بیخند. پس از چند ساعت حدود ۵۰۰ نفر تظاهرات کنند و روسری کمیته شهرک جمع شده و چند نفر جوانان انقلابی برای مردم سخنرانی میکنند و سرانجام تصمیم می گیرند به جلوه مجلس سنا رفته و برای آزادی کریمی افتای حامیان سرما به داران در دستکهای دولتی و گرفتن حق خود به دست نداشتند. مردم اینبار جلوه مجلس سنا جمع شده با شعارهایی چون "کاخ نشین نا بود است"، "کوه نشین پیروز است"، "مستعفی می رزم، سرما به دار می لوزد"، "جنگیدیم خون دادیم، کریمی جراتنا است"، "کینه و نفرت طبقاتی خود را نشان میدهند، زنا ن زحمتکش شهرک ولی عصر با بهای مردان در این مبارزه عادلانه شرکت کرده و با فریادهای خود دشمنان طبقاتی را افشای کردند. در طی تحصن با راه از طرف کمیته مرکز و شهرتانی سعی شد مردم را با دوز و کلک متفرق کنند. ولی مردم که یک با رفیق نیرنگ حامیان سرما به داران را خورده بودند حاضر نشدند متفرق شوند و خواستار مذاکره با سید احمد خمینی بودند (عصر روز شنبه در مجلس سنا مراسم سوگند ریاست جمهوری بود و اکثر چهره های رژیم در مجلس بودند). سرانجام پس از چند ساعت تحصن، نمایندگان مردم موفق به مذاکره با احمد خمینی شدند که وی توان رسیدگی به کارهای مردم را داده و به این ترتیب تحصن مردم زحمتکشان شهرک ولی عصر پایان گرفت.



خبرهای بعدی حاکیست که بنیاد مبارزات زحمتکشان شهرک ولی عصر، دادستانی انقلاب سنا - کریه به آزادی کریمی تن در می دهد. پس از آزادی وی مردم برای شنیدن سخنانش در یکی از اماجده شهر جمع می شوند. در این اجتماع کریمی درباره زندان و دادگاه اوین و... دست به افشاکاری می زند که قسمت های آن را سردار در سرملاحظه می کند:



"مرا در زندان بجرم همراهی با مردم شکنجه دادند، شیخا بیش یک سر لشکر سنا و اکی می خوابیدم که برایش انواع غذاها، کمیوت و... آورده بودند. جوان ۱۸-۱۷ ساله ای را بجرم اعلامیه کمونیستی از شیر بزه تهران آورده بودند." "فردی را بجرم اینکه سمن بیش یک قاچاقچی بوده نخست به ۲۰ سال و سپس به ۱۰ سال زندان محکوم نموده، اما فرد دیگری را بجرم حمل ۱۷۰ کیلو تریاک به ۲ ماه زندان محکوم کرده بودند." "حق بناه" و "عندلیب" در دادگاه اوین از مستکبرین حمایت می کنند.

کریمی در ادامه سخنانش گفت: "مردم بدانند که اوین بیدادگاه شده و زیر نفوذ سرما به داران قرار دارد، خودتان حسابش را کنید، مردم شهرک ولی عصر نا وجود چندین بار مراجعه به مسئولین، کسی گوش بحرفشان نمی دهد، ولی غیاثی و جوانمرد با یک تلفن از دولت یاری می طلبند و دولت نیز خواستار آزادی آنها می شود."

عده ای از مردم شهرک ولی عصر پس از شنیدن افشاکاری های کریمی به گریه افتاده بودند، گریه آنها بخاطر خیانتی بود که سرما به داران و دولت حامی آنها بخون هزاران شهید و صدها هزار زخمی روا داشته اند.

زحمتکشان شهرک ولی عصر در مبارزات چند ماهه خود به بسیاری از واقعیتها پی برده اند، آنها در عمل دریا افتاده اند که دولت جمهوری اسلامی در خدمت سرمایهداران است و نمی خواهد دهنمی تواند به خواست زحمتکشان پاسخ گوید.

زحمتکشان در عمل و تجربه به عوام فریبی ها و توطئه های هیئت حاکمه پی برده و دوستان و دشمنان واقعی خود را می شناسند. مبارزه مردم زحمتکشان شهرک ولی عصر به همراه سایر زحمتکشان ایران سنا نابودی نفوذ و سلطه امپریالیسم و حامیان داخلی آنان و تار و پاره شدن استعمار و بهره کشی نابود است استعمارگران ادا خواهد داد است

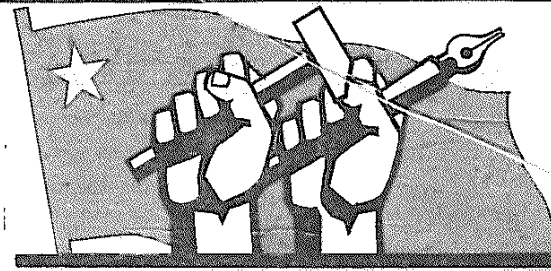


بقیه از صفحه ۲
پیروز باد...

تربس کارگران فرار را برقرار ترجیح دادند. "پیگار" ضمیمه محلی کمیته خوزستان (شماره ۱۰) که این خبر را با تفصیل درج کرده است، در پایان به کارگران مبارز شرکت هند را می دهد که این پیروزی در حال حاضر تنها در مرحله حرف باقی مانده و چنانچه کارگران متحداً در آنجا خواه استهای خود را فشاری کنند، خواهند توانست حق خود را از حلقوم سرمایهداران و مدافعانشان بیرون کنند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

هنرمقاومت هنرپرولتاری



پیراهن خونین شاعر، پرچم شعله‌ور هنر انقلابی

۲۹ بهمن روزی است که هنر انقلابی، هنر مقاومت سرافراز ترا همیشه قدیمی افشار زد ، شتابنا کتر از همیشه بسوی انقلاب رژه می رود و پیراهن سرخی را که از خون شاعرز منده شعله‌ور است چونان بیبرقی برافتخا برودش می کند ، بیبرقی که سران مهربور شومعق به خلق وز حمتکشان نقش بسته است .

۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسرخ، شاعر، انقلابی، منتقد و انسان مقاوم و دلاوری است که باید به بنا به، نماینده هنرمقاومت به اوارج نهاد، از او آموخت ، دستاوردهای او را به ارباب دین طریقی برضعفها و محدودیت های هنر انقلابی فائق آمد .

شهادت قهرمانان گلکسرخ ، انعکاس گوناگونی درون جامعه است ، او که بیدار دگا هر زیم را به دگا خلق علیه فخلقی بدل کرده بود ، از یک موقعیت استثنائی سودجت تا سعیده بازی رژیممفاک شاد را نقی برآب کند و پرچم دفاع از انقلاب را برافرازد و به فضای جلدان بپردازد . بعضی از کچه لیسان هم بریده گلکسرخ و رفیق همزمن دانیان ، از آن بی ، با تحقیق و غیرت توده ها رو برو شدند و نام گلکسرخ و دانیان بر زبان توده ها شکفت ، اما نباید از یاد برد که گلکسرخ برای توده ها بیش از آنکه شاعر باشد ، یک انقلابی بود .

آنان هر چه بیشتر که از تکنجه ها ، از قهرمانی ها ، از حماسه ها و مقامتهای شاعر می گفتند ، بیشتر در بی بغرا موشی سیردن راهی بودند که او در هنرمی رفت . آنان گلکسرخ قهرمان راستایش می کردند تا بر گلکسرخ شاعر بریده افکنند ، در حالیکه هنر ، فراوان می با بست از گلکسرخ بیاموزد :

می با بست از او بیاموزد که چگونه می توان پرچم دفاع از انقلاب را برقله های هنر افراشت ، می با بست از او بیاموزد که چگونه میتوان "بیچ و مهره های از جرخ انقلاب" شد .

هنر بورژوازی کوشیده همه حوادث را به سکوت بر کزرا کند ، بوز خندگینه تو زانها و بیش از هر چیز می توانست بیباک تر گهراس عمیقی با شد که از بعدا در آمدن نا قوس های فاشا نه هنرمقاومت در خود احساس می نمود ، و از این وقیحا نه تر بر خوردی است که رویزیو نیستی های حزب توده تحت برنش نشریه "آرمان" نسبت به رفیق گلکسرخ کرده اند . آنان جبارت نداشتند که در برآو قیبتی تا بدین درجه برهنه و روشن ادعا های خود را رسماً اعلام کنند . تمام اشعار گلکسرخ ، تمام آثار گلکسرخ بیباک تر گروخی انقلابی و ستا بیشتر مبارزه ای است که هر چند بدلیل خطت چریکی خود نمی توانست به ملزومات جنبش توده ها پاسخ گوید .

● ۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسرخ ، شاعر ، انقلابی ، منتقد و انسان مقاوم و دلاوری است که باید به بنا به، نماینده هنرمقاومت به اوارج نهاد ، از او آموخت و دستاوردهای او را به ارباب دین طریقی برضعفها و محدودیت های هنر انقلابی فائق آمد .

محا کمه و اعباد گلکسرخ در میان توده وسیعی از روشنفکران تا شیردیگر داشت . طی مدت زمانی کوتاه آثار او با اقبال چشمگیر رو برو گشت ، آنان بسوی آثار با زمانه ، رفیق خسرو گلکسرخ هجوم آوردند و با دستهای خالی باز نگشتند ، آنان مدای ماندگار او را در اشعارش با زیافتند ، آنان روح شلسه ور و عمیان زده و بی طاقت و خشم آکین خود را در سرودهایش با زیافتند ، به این ترتیب ، هنر انقلابی که در پاسخ به جزو رتیه ای مبارزه ای مشخص پدید آمده بود ، حیات اولیه خودش را عمدتاً در لایلهای سطوری که حقا نیت خود را با تمام زندگی اثبات می نمود ، با زیافت .

از سوی دیگر ، هنرمقاومت که روغیرا انقلابی مشون از اندیوید و آلیسم روشنفکران و حجت زده که از فرط با ندیجی چیره ، خویش در برآو بر رژیم مومیر - غشیان تیغ بدست سانسور ، مسخ و گنگ بود ، زیوستر از آن می نمود که آنکا را به مقا بله با میراث ایسن شاعر عرخته در خون بپردازد ، پس می کوشید در برابر خلق ، اندامی اعتبار رو بزدل خود را با پیراهن خونین او تقدسی دیگر بخشد ، هنرمندان ساقط ، فخر - فرونا نه در برابر زار مکاره هنر ، نام گلکسرخ را جا ز می زدند ، اما در دنیا کمتر از هر کس از او می آموختند .

لیکن از هسته ای بیباک انقلابی برخوردار بود و این همان جنبه آنکا می و معتقدات آنکارنا پذیرایی است که ۱۸۰ درجه با سوم خا شتا نه و چا کرا نه رویزیو نیستی فاضله دار ، این لاشخوران حاضر به بیبرقی هر جنبش انقلابی ، نشوانستند از لقمه ای اینچنین لذیذ و جرب چشم پوشند و از این رونه بطور رسمی بلکه از طریق انتشار رجز و متقلبا نه ای تحت نام "حماسه خسرو گلکسرخ" کوشیدند و او را بیلعند ، و بدین طریق پیش از آنکه خشم انقلابیون را برانگیزند ، خود را به هیبت دلبران بی مقدار به نمایش درآوردند . این اولین بار نبود که دشمنان طبقه کارگر با ستگر گرفتن در پس نام قهرمانان توده ها میکوشیدند خود را تقدیس کنند ، لیکن در بر خورد به همین شیوه فریبکارانه "در مورد آموزش ما رگس اکنون همان رخ میدهد که در دنیا رخ با رها در مورد آموزشهای متفکرین انقلابی و بیخواریان طبقات متکسک بهنگام مبارزه آنان در راه آزادی رخ داده است . طبقات متفکر ، انقلابیون بزرگ را در زمیان حیالان همواره در معرض بیگرد قرا میدادند و آموزش آنها را با خمی بس سغانه ، کینه ای

بس دیو و اهری از اکا ذیب و اعتراضات کمالا گسنا خانه استقبال می نمودند . پس از برگ آتبا کوشی هائی بعمل می آید نایت - های بی ریایی از آنان بسا زند و آنها را به اصطلاح تقدیس کنند ، شهرت معینی برای نام آنها ، بمنظور "سلی" طبقات متکسک و خمیسی آنان غائل شوند و در عین حال این آموزش انقلابی را از زمین نهی سازند . در مورد جنبش "عمل آوردن" ما رگسیم اکنون بسور زواری و ایورتونیت های حسین کارگری با یکدیگر همدانسانند . جنبه انقلابی این آموزش و روح انقلابی آنرا آموزش می کنند و محو و تحریف می نمایند . . . سوخی نیست همه بسویال شو - بست های امروز ما رگسینند ! " . . . (تا کیدازماست) (از ص ۵۱۸ مجموعه مقالات) می بینیم این مرده خواران حرفه ای چگونه از جزا و بهای از خسرو گلکسرخ بیت ساختند تا هسته انقلابی دستاوردهای او را از مضمون بی کنند . در کتاب "حماسه گلکسرخ" از قول یک "رفیق توده ای شاد می خوانیم :

"وقتی با او آشنا شدم هموزوای های چریکی او زنده و شعله رو بودند و با این سودا هسای پهلوانی ناسر زهای شهادت و اینا رو خود بیست سیرت . در آنروزها حاذبه نام چریک کوچک و خیال با ن را بر کرده بود . چریک در فضا و تحلیلات جوانها شهرمان حیات و بیروزی بود . اما توده های سلسوسی به این بیباک تر تنگ بدوش و طاغی ، با تردید و با وری میگریستند ."

(ص ۷ حماسه خسرو گلکسرخ)

ما رگسیم لنینیم هیچگاه به مشی چریکی به منابه مشی پرولتری نگریسته است ، اما از نظر ما بر خورد به مشی چریکی و در اینجا بر خورد به معتقدات گلکسرخ از دوزا و به می توان نمود صورت گیرد . ما معتقدیم که تقاضای توده ای - انقلابی با مشی چریکی ، درست در نقطه مقابل تضادی است که رویزیونیتشاید مدرن با آن داشته اند . ما معتقدیم که هسته قهرآ میز و انقلابی مشی چریکی همان مضمونی است که رویزیو نیستی های حزب توده ، این منادیان و معامله گران سازش طبقاتی بیش از هر چیز از آن و همه داشته اند . هر کسی که حتی یکبار رفر خسرو گلکسرخ را بخواند آنکا را در می باید که هنرا و ، مشون از این قهر انقلابی (هر چند قهر روشنفکران منفرد از مبارزات انقلابی توده ها) است . اگر رو به بیروتوری بروای گلکسرخ از او به رویزیونیتش نقی شود ، حاصل چیزی نمی توانست با سدجرا رجس همان هنری که امروز صفحات "مردم" را زینت می دهد و در آن بنحو حیلشرا نه و شرم آوری روزه های دلبران نامداری ! که به آستانه نسوی فدا انقلاب می روند شنیده میشود .

کارنا به حزب توده در فضیلت با مبارزات انقلابی صفحات بسا هرا وانی دار دوستان ، از این زاویه در پس کف زدهای مزورانه اشرا ی گلکسرخ ، در اصل ، دشمنی خود را به جنبه انقلابی هنرا و نیان داشته اند و بدین طریق در پس نقاب ستایش های عوام فریبانه خود نسبت به اهداف رژیم مزدور گذشته که از آثار با زمانه گلکسرخ هراسان بود کم خدمت بسته اند .

بنظر میرسد امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز مندیم آن هسته درخشان آموزشهای رفیق گلکسرخ را در رشته هنر زنده کنیم و دستاوردهای او را در این زمینه بسط دهیم و بسود هنر انقلابی امروز از آن بهره گیریم ■

سرودی برای گلسرخی

وقتی که لاشخواران حریفی کلوله
سینه اش را
لانته ابدی خویش می کردند
وقتی که از دل :
" آتشی " !

زستان بیکرانه مرگ
اورا درکنن سرما و سکوت می بیجانند
وبادهای آرمند ابدیت
اورا در می ربود
وقتی که با اولین موج آنتاب
آخرین قطره نایبناک خونی از قلبش
فرو می چکید
که در شام طول شب
چونان ستاره ای
بیامیهای روشن صبح را
در سوسوی سرودهایش
سروده بود

وقتی که پنهانی سینه اش
جیزی نبود
جز زمینی با آرزو سرخترین نقاب های سرکشی
که آوازه های بلند و گرم خود را
در میدان اعدام
فواره می زدند
وقتی که مرگ

سرد
می آمد
بیلی نگر و حاد
در چنجره اش زیبانه می کشید
تا زندگی را برآید
با آتش سینه اش
در و گران آینده را
سرگرم درو
در مزارع آینده برآید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی هاشان
کارگران آینده را
سرگرم کنار

در کارخانه های آینده برآید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی هاشان
و خلقی آزاد را
در آینده ای آزاد

سرگرم با ختمان سرزمین مشترک آینده برآید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی هاشان

★ ★ ★

آه به چه خیره گشته بود او
در آن دور دست
به چه خیره گشته بود او ؟

★ ★ ★

گردباد وزید
پراکنده را روت را
برده ها نه تنگنا

کلوله ما عقه زد
و خون سرخ
خون سرخ پرپرند
وبا باد پرکشید

پرکشید



وصیتنامه گلسرخی

"س یک ندائی خلق ایران هممونتا سنا مه من
خرعی به مردم چیزی دیگر نیست . من خوسم را
به نوده های گرسنه و بی پهرینه ایران تقدیم می -
کم و شما آقایان فانیست ها که فرزندان خلق
ایران را بدون هیچ گونه مدرکی بقتل گاه می -
فرستید ، ایمان داشته باشید که خلق محسروم
ایران انتقام خون فرزندان خود را خواهد گرفت .
خالیمان داشته باشید زهر قطره خون ما مدها
ندائی برمی خیزد و روزی قلب همه شما را خواهد
شکافت . شما ایمان داشته باشید که حکومت غیر -
فانوسی ایران که در ۲۸ سپاه مرده داخل ایران
نحمیل شده در حال احتضار است و دیرپا رود با
انقلاب نهر آ میز نوده های ستم کشیده ایران درو
و وارگون خواهد شد ."

"تا عروسی سنده خلق ایران
خسرو گلسرخی"

و رفت

آری ، آری این چنین گستاخسرو
در راه های آینده
و در دل آینده
تولدی نویافت

خسرو

★ ★ ★

تا منش
بر تارک گل های سرخ
در سینه دم هر بهار

می درخند

تا منش

با رودخون خلق هائی جا ریست
که سرود می خوانند برای آزادی
تا منش گلسرخی ست
شکفته بر بیستای پلی
که محله زحمتکشان را

به انقلاب

می پیوندد

آه تا منش

تا منش متبرک باد
با دهان خلق

بهمن ۵۶

(بمنقل از "در راستای انقلاب")

گلسرخی و دانشیان دو چهره درخشان هنر مقاومت

سحرکا ۲۹ بهمن ۵۲ ، رفیق خسرو گلسرخی شاعر
انقلابی و همرزما و رفیق کرامت دانشیان ، فیلمساز
بدست دزخیمان رژیم آمریکائی شاه در خون خویش در -
غلطیدند ، وفاداری آنان به آرمان زحمتکشان و کینه شان
نسبت به دشمنان خلق برای هنرمندانی که در راه
هنرمقاومت ، هنرپروری گام برمی تارند ، درسی
فرا موش نشدنی است ، یادشان را کرامت میداریم :



کرامت الله دانشیان :

ما کاری نمی کنیم جز بیدار کردن ختم خلق

قسمتی از دفاعیات دانشیان در بیدار دگا ه دوم :

"در بیدار دگا ه اول بنا به شرایط فاشیستی حاکم
بر آن ، دفاع مرانای ما منسیدید هم چنین دفاع
دوستم گلسرخی را . اما من دفاعم ، جز دفاع از
حقوق توده های فقیر و تحت ستم و حمله به ضد
انقلاب و دشمنان قسم خورده مردم ، چیز دیگری
نیست ."

اگر وحشی از نیروی انقلابی و مبارزات
مردم نندارد و در واقع به مرگ طبقه حاکم بر
ایران مومن نیستید ، تاریخ ، این واقعیت
را نشانتان داده و خواهد داد . ایمان ما به
پیروزی جنبش نوین ایران و سراسر جوامع
طبقه های جهان ، عظیم ترین قدرت است و این
را بگویم که ما رکیس همگانه مورد خونا پند
طبقه داکم و وابستگان آنها نیست " ■

گرامی باد یاد

★ پانزدهم لومومبا ★

رهبر ملی خلقهای تحت ستم آفریقا

که در مبارزه علیه امپریالیسم

و نژادپرستی بدست جلادان

امپریالیسم شهادت رسید!

مجاهدین و اتحاد عمل آنان با لیبرالها در جریان انتخابات مجلس شورای ملی

ویا :

"جها دولتی اساسی ما در جاجوب اصول فاسون اساسی و مواد علامیه جها سی حقوق بشرو جارج از هرگونه خنوت و بی نظمی محدود می شود."

"اس امرا دوگروها اعتقادی به برهم زدن نظم و فاسون جاجعه دارند و توسل بسبب اینگونه اعمال را که توسط مقامات دولتی و حزبی عنوان میشود راه موثر و مفید و اصول

جمله خود سا زمان مجاهدین (نوده های آکا هاجامه فردنا شناخته ای نیست ، او یکی از کسانی است که از حدود سال ۵۴ بیعدبا نا مه نگاریهای متعدد بسبب

انتخابات "مجلس شورای ملی" یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است . انقلابیون و نیروهای دمکرات و فدا مبریا لیست میتوا ننديا موضعگیری صحیح خودو در این انتخابات ، صفوف خود را از تشتت و پراکنندگی کتونی نجات دهند و قدمی در جهت همبستگی و اتحاد بردارند . ما با پیروی از چنین مشی ای در برنا مه انتخاباتی خود اعلام کرده ایم که از هرگونه همکاری و ائتلاف و برنا مه مشترک در انتخابات مجلس شورای ملی - برپا به برنا مه جدا قل خود- با نیروهای انقلابی استقبال میکنیم . گرچه بدلائیل مختلف (که در زیر به یک مورد آن اشاره خواهیم کرد) خواست ما عملی نگردیده است ، اما برای تقویت هر چه بیشتر صفوف نیروهای انقلابی و فدا مبریا لیست در مقابل ارتجاع و بورژوازی لیبرال و همدستان آنها ، برای نشان دادن این واقعیت که کمونیستها مدافع واقعنی نیروهای دمکرات هستند ، ما بطور مشخص هم از کاندیداهای نیروهای جب و هم از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق پشتیبانی خواهیم کرد . بالطبع با چنین مؤمنی ما نمی توانیم در مقابل برخورد های سکتاریستی و لیبرالی نیروهای مختلف و انقلابی دمکراتی تفاهوت بمانیم ، در اینجا کوشش میکنیم به اولین قدمی که مجاهدین خلق در رابطه با انتخابات مجلس شورای ملی برداشته اند ، بپردازیم و ببینیم این سازمان با مسئله انتخابات و لزوم وحدت عمل با نیروهای واقعا انقلابی و دمکرات چگونه برخورد کرده است .

- مجاهدین خلق میکوشند مرز بین نیروهای انقلابی و دمکرات را با نیروها و شخصیتهای لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند .
- چرا مجاهدین از درک ماهیت لیبرالها و خطرات آنان برای انقلاب غافل می مانند ؟ و چرا از اتحاد عمل با نیروهای انقلابی جب خود داری می کنند ؟

به خواستهای خود نمیدانند . (منظور همان افراد گروههای لیبرال نظیر خودشان میباشد) . همچنین ایشان بای بندی واضح و عمیق خود را به نظام مشروطه سلطنتی با عناونی نظیر : "وجود مشروطه واقعی (که دستگاههایی هم جزئی از آنست) برای حفظ استقلال کشور ایران" ضروری میدانند و "در رژیم های مشروطه سلطنتی ، ما مظهر وحدت ملی است" نشان می دهد . فکرمی کنیم که دیگر هیچ نیازی به توضیح نیست که آقای حاج سیدجواد یسک مشروطه خواه و یک سلطنت طلب و یک فریست است .

"نظام"های سیاسی بصورت کلی و بدون ذکر قید مشروطه در آن خود بخود یک مفهوم ذاتی و لاینفک و جاجمل کلیه آرمانها و خواستهای اصیل اجتماعی و اقتصادی ملت ایران نیست و یا او در گله گذاری و اشتقاق دبه خود کما مگیهای

"علیحضرت هما یونی" و "معینیان" (رئیس دفتر مخصوص شاه) و... خواستار "حکومت قانونی" است و رژیم حاضر بوده است - منتها همدرا با عنوان برای ثبت در تاریخ - او از موضع یک لیبرال پرشور به دیکناتوری شاه اعتراض میکرد و به دفاع از قانون اساسی و اعلامیههایی حقوق بشر میشت و همچون لیبرالهای دیگر - البته تندتر - خواهان این بود که "شاه سلطنت کننده حکومت" علاوه بر این میتواند به دوستی و نزدیکی او (و بخصوص اسلام کاطمیه بار نزدیک وی) با دکتر امینی ، این قره نوکر آمریکایی اشاره کرد .

به بررسی یکی از نامه های او می پردازیم

حاج سیدجواد دی دریا نوز سال ۵۶ نامه ای تحت عنوان "برای اطلاع ملت ایران" منتشر ساخته که حاوی نکات بسیاری در معرفی خود است . این نامه در آستانه سفر کارتر به ایران انتشار یافته است (کارتر در دهم دیماه ۵۶ وارد تهران شد) در آستانه سفر کارتر لیبرالها از یک طرف و نیروهای انقلابی و توده های انقلابی خلق از طرف دیگر به تکیا بیوفتاده بودند . لیبرالها کوشش میکردند تا تبلیغ "مراعات نظم" و جلوگیری از "نظارات فدا آمریکا" سازش کاری و تسلیم طلبی خود را به نمایش بگذارند ، آقای بازرگان به میریدان خود توصیه میکرد در هنگام ورود کارتر بر پرچم های سفیدی بنویسند "کارتر حقوق بشرت کو؟" و به استقبال او بروند! و نیروهای انقلابی و توده های آکا ه خلق در پی نشان دادن خصم انقلابی خود به امیرالایسم و شاه مزدور بودند خصمی که پس از شروع جنبش خارج محدود هردم افزون تر میگشت و خیرا از آغاز یک انقلاب می داد . خصمی که در آبان ماه همین سال با فریادهای مرک برشا هومرک برآمریکای هزاران دانشجوی انقلابی و مبارز و حمله به موسسات امیرالایستی - با تکیا و... - وسعت و عمق توده ای خود را نشان داده بود . آری کارتر در چنین اوضاع و احوالی وارد ایران میشود و لیبرالها در چنین شرایطی به گدائی حقوق بشر از کارتر میروند و توده ها را به آرامش دعوت می شما بند ، توده ها - هائی که تنها ۹ روز بعد از آن نظارات خصما کین تم را به نمایش گذاشتند و اولین شهیدای خود را پس از جریان خارج محدود - به آستانه انقلاب دمکراتیک و فدا مبریا لیستی خلق تقدیم داشتند! در چنین شرایطی حاج سیدجواد دی نامه می نویسد ، این نامه دارای نکات زیرین است :

شاه دودولت می گوید :
"در این صورت چگونه میتوان در برابر مخالفین ایدئولوژیک رژیم و کما تیکه اصولا نوا سق و سازش بین نظام سلطنتی را با سوارین دمکراتیک غیر ممکن میدانند و تاریخ هفتاد سال پس از انقلاب مشروطه را سیر عنوان سدا دعای خود را که میدهند از نظام مشروطه سلطنتی آنجا که در قانئون اساسی ما مطرح است دفاع کرد . این دفاع روربور سکتاریسم و نوار سیر می شود و کارتر را این گونه سلطان کار دفاع از مشروطه سلطنتی و لزوم دوام و استمرار آنرا برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور بتدریج دشوار تر میکند ."

بدین ترتیب حاج سیدجواد دی از نا هور رژیم می - خواهد که به "فاسون اساسی" عمل کنند و وفا دار به "نظام مشروطه سلطنتی" باشند و بس! او پیش آمد مصیبت بزرگی را پیش بینی میکند و آن اینکه دیگر دفاع از نظام مشروطه سلطنتی در مقابل مخالفین ایدئولوژیک (بخوان کمونیستها و انقلابیون و از جمله مجاهدین خلق!) که سازشی بین نظام سلطنتی با سوارین دمکراتیک نمی بینند (و از نظر آقای حاج - سیدجواد دی و لابد جارجا نحراف بزرگی هستند!) روز غیر ممکن میشود! و واقعا چه پیش بینی بجائست! چرا که تنها یکسال بعد از این نامه او بر از نا راحتی - هائی از این فیصل ، توده ها نظام سلطنتی را غیرمقابل لیبرالها به زباله دان تاریخ فرستادند!

سازمان مجاهدین خلق ایران در ۱۳ بهمن ماه طی اطلاعیه ای لزوم تشکیل "شورای معرفی کاندید - های انقلابی و ترقیخواه" را با اطلاع عموم میرساند و از کلیه نیروهای که از برنا مه ۱۲ ماده ای اعلام شده توسط مسعود رجوی حمایت می کنند برای شرکت در این شورا دعوت به عمل می آورد و سپس در ۲۰ بهمن ماه با انتشار اطلاعیه ای دیگر اسامی "هیئت اجرائی شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه" را اعلام میکند .

با انتشار این اطلاعیه همچنانکه انتظار میرفت معلوم گردید که مجاهدین خلق میکوشند تا مرز بین نیروهای انقلابی و دمکرات را با نیروها و شخصیتهای لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند و دمکراتی نظیر حجت الاسلام گنجی ای را در کنار لیبرالها قرار دهند . این نوع مخدوش کردن مرزها بخصوص در شرایط کتونی که توده ها در تجربه مبارزاتی خود با هدایت نیروهای انقلابی ، لیبرالهای خائن نظیر بازرگان و میناجی و مراغده ای و نیز به... را یکی پس از دیگری رسوا میسازند معنیهای دیگری جز آب به آسب لیبرالها ریختن ندارد برای اینکه راه هرگونه توجیه کاری و سفسطه بازی را بسته با سیم به معرفی یکی از چهره های لیبرال کس مجاهدین با آنها ائتلاف کرده اند نمی برداریم :

حاج سیدجواد کیست ؟
حاج سیدجواد دی که اکنون با کسانی نظیر اسلام کاطمیه گروه کوچک لیبرال - روستفکری "جنبش" را اداره میکنند برای نیروهای انقلابی و دمکرات (از

و مخالفت خود را با هرگونه شعار و کاربرد قهر انقلابی اینطور عنوان میسازد.

"عمال استعداد اکنون دست اندرکار آرایش صحنه‌هایی هستند که ملت ایران را با ایجاد حوادث مصوعی آفریده دست خود (یعنی شعارهای ضد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و عوامل آنها و...) در برابر آمریکا قرار دهد".

این همان حرفی است که لیبرالها و همچنین حزب نوده (در مورد نظرات شما کین مردم مبارز نم و قیام تیرا میز تیریز نیز زدند، و کاربرد قهر و شعارهای انقلابی را کار با واکنش میدند! و بدین ترتیب کینه طبقاتی خود را نسبت به هرگونه ابتکار عمل نوده‌ها، به هرگونه راهل انقلابی که با عسست میشود هدایت میارزده مردم از دست آنها خارج گردد نشان دادند و در اینجا و غمنا که برای لیبرالی چون حاج سیدجوادی شعارهای ضد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و در برابر آمریکا قرار گرفتند یک "حوادث مصوعی" است و غیرا ز این نیز نمیتواند باشد! (نقل قولها از صفحات ۱۲۵ و ۸۴ و ۸۲ و ۱۷ و ۱۶ و... کتاب "نامه‌ها"ی حاج سیدجوادی آورده شده است.)

تیمسار مدنی و حاج سید جوادی

برای اینکه آشنائی بیشتری با مواضع کنونی حاج سیدجوادی و یارانش داشته باشیم یک مسورد اناره می کنیم، موردی که در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد، یعنی موضع آنها در برابر تیمسار مدنی، حاج سیدجوادی در شماره ۷۵ جنبش (۱۴ بهمن ماه) مقاله‌ای را در این باب در مورد مدنی می نویسد:

"... نحوه مبارزه، حزب جمهوری اسلامی و روزنامه آن با دکتربندی وسی مدرسه‌های معلوم‌ننده چگونه برخلاف همه موازین اخلاقی و خواست مردمی اسلامی و برپایه، واهی ترسین آنها با تواسن آنها... سخیال خود با لحن مال کردن آنها مردم را ارتکب در اسباب مسخره سازند..."

ملاحظه می کنید که اختلاف بر سر نوع عمل حزب جمهوری اسلامی است که بدلیل افکار عقب مانده و انحسار طلبانه خود عکس العمل لیبرالها را نسبت بخود برانگیخته است و نه چیز دیگر. از نظر حاج سید جوادی اینها تواتر در مدنی، "واهی ترسین" "انتیپات و افتراها" است. آقای حاج سید جوادی کاملاً آگاه است که از ما هم قبایل این نیروهای انقلابی بوده اند که مدنی و مدنی‌ها را در پیشگاه خلق انسا کرده اند، اما او بدلیل ماهیت طبقاتی اش این حقایق را "لجن مال" کردن مدنی نام می گذارد! و حقایق را در پشت اختلاف با حزب جمهوری اسلامی می پوشاند. و با قیام حق بجانب از موضع مدنی حمایت و پشتیبانی می کند...

اسلام کاظمیه بی پروا ترا را این از تیمسار مدنی دفاع و حمایت می کند، او می گوید:

"مدنی یک بطایعی ملی و سلمانی مسعود و ایستاده در برابر نظام استبدادی شاه و دکتور انصاری که ایماش به فساد دودر خطرناک - ترس لحظه‌ها که هدف ضد انقلاب آذربایجان و کارکنان درک راست یعنی رگ حیاتی انصاری در هم ریخته اسفاب بود، وزارت دفاع را را

کرد و به خورسان رست و با تلفات سبباً اندکی آنجا را آرام کرد... اگرچه آن "انگلیزی" آخرین لحظه ویدون مرتب دفاع از او در تعداد آرایش نا تیر کرد... (جنبش ۲۴ بهمن ۵۸، مقاله تحلیلی شما بزرده از انتخابات ریاست جمهوری - اسلام کاظمیه) آری اسلام کاظمیه از سلطنت طلبی تیمسار مدنی

جوادی و یارانش در واقع در خدمت لیبرالیسم و بورژوا - فاسیت ها و کسب حیثیت و آبرو برای آنان قرار می گیرند.

و اکنون این سؤال پیش می آید که چرا سازمان مجاهدین همکاری و اتحاد عمل با نیروهای لیبرال را به همکاری با نیروهای انقلابی ترجیح می دهد؟ آیا این سازمان می تواند با "ترقی خواه"

● مجاهدین ادعا میکنند که نیروهای نظیر حاج سید انهدا زسورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

در گذشته و از سرکوب خلق عرب و کارگران در خورسان بدست وی، تعریف و تمجید می کند. این شناختی است که آقای حاج سیدجوادی و اسلام کاظمیه از مدنی اراشه می دهند، اما نیروهای انقلابی نیز از ما هم قبایل اینها را به مردم ایران معرفی نموده اند، از موضع لیبرالی او در زمان شاه گرفتند تا دوسان با واکنش که به ما دست او در اسناداری خورستان در آمدند، از سرکوب خلق عرب با فشار و مافی که برای کارگران ایجاد میکنند، از "تریف" تا بیدن بختیا رتا حمایت از امیرالایسم آمریکا، همه و همه جدیدین ما است که در پیشگاه خلق انسا

کر دیده است، تا توده‌ها نسبت به خطری که جریا نهایی مختلف بورژواشی از چهره‌های بیچاره آرا موانسان - دوست! آنها گرفته تا چهره‌های فاسیت نظیر

همین تیمسار مدنی منافع آنها و انقلاب را تهدید میکند، آگاهی یا بند، اخبار تیر "دا نتجویان بیروخط امام" در رابطه با کمک به حزب جمهوری اسلامی در انتخاب ریاست جمهوری یا فضای اسنادی در باره روی برداخته اند. و نتایج که ما اطلاع داریم مجاهدین خلق تنها پس از این افشاکاری ها در جریان یادبود مراسم دشمن از شهیدای خود (مجاهدین شهیدان حمدرمانی و عباس عمائی) بدان فضای مدنی پرداخته و امروز در هر صورت دارای موضع گیری مشخص در مقابل این تیمسار تا هنناهی بعنوان نماینده، یک جریان بورژوا - فاسیت می باشند. اما امروز با توجه به اینکه پس از ورنگشندن احزاب لیبرال نظیر "جهت ملی"

و "نیفت، آزادی" و "جمهوری خلق سلمان" بورژوازی لیبرال بدنیال یک قطب برای کرده آوردن نیروهای خود می کرد و در وجود مدنی بسیاری از آمال و آرزو -

ها پیش را جستجو می کند، با توجه به اینکه تجسار و مقاطع کاران و دیگر سرما به داران متوسط و بزرگ در وجود و "ظلم" و "امنیبت" (ارتجاعی) را مانده

می بیند و به همین دلیل هم بدی در انتخابات موفق میشود، با حدود دویست میلیون و سیصد هزار رأی در

ردیف دوم قرار گیرد، و بلافاصله پس از بیان انتخابات با اعلام کند که در کنار ایجاد یک حزب است و بعد هم نیروهای انقلابی برده از جلسات بنیانی

بازرگان، مدنی و صباغیان برمی دارند، آری بسا

نوجده بتما می این دلایل خطری که از جانب مدنی ها

انقلاب ما را تهدید می کند کم نیست و همین لحاظ

نیروهای نظیر "جنبش" حاج سیدجوادی که آگاهانه

و علناً از تیمسار مدنی پشتیبانی میکنند نمیتوانند

دوست مردم ایران باشند. پشتیبانی آنها از این

تیمسار رنده از روی جهالت و حتی دنیا لهروی بلکه

دقیقاً در رابطه با موقعیت بسیار نزدیک طبقاتی شان

است. و مجاهدین طبق با وارد شدن در همگساری و

اختلاف اشتقاقی با نیروهای نظیر حاج سید

تا میدان اسکونه لیبرالها کربان خود را را سازد؟ این "ترقی خواهی" از نظر طبقاتی چه معنایی دارد و رهبران سازمان مجاهدین ما هیت کسانی را که در زمان شاه سلطنت طلب بوده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی هستند چه می دانند؟ "ترقی خواه" یا "لیبرال"؟!

لیبرالها و حمایت آنها

از برنامه ۱۲ ماده‌ای مجاهدین

مجاهدین ادعا می کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجوادی و یارانش به شرط حمایت از برنامه ۱۲

ماده‌ای آنها در "نورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با

اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی

را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

مجاهدین ادعا می کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجوادی و یارانش به شرط حمایت از برنامه ۱۲

ماده‌ای آنها در "نورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با

اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی

را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

مجاهدین ادعا می کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجوادی و یارانش به شرط حمایت از برنامه ۱۲

ماده‌ای آنها در "نورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با

اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی

را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

مجاهدین ادعا می کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجوادی و یارانش به شرط حمایت از برنامه ۱۲

ماده‌ای آنها در "نورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با

اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی

را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

مجاهدین ادعا می کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجوادی و یارانش به شرط حمایت از برنامه ۱۲

ماده‌ای آنها در "نورای معرفی کا نیدها... عضویت پیدا کرده اند، اما آیا کسانی که بدوستی دیرینه با

اینها دارند و با آنها همکاری کرده اند و امروز سرگوشای تیمسار مدنی

را تحسین می کنند می توانند مدافع منافع رحمتگشان باشند؟

دفاع "بازرگان" افشای "بازرگانها" است

مهدی بازرگان جندی بیش در مقام باسکونسی به سبیل حملات و اعتراضات وسیع مردم به ایمن و دیگر لیبرالها (میخایی و ...) ، آنجنان دفاعی از سران نهضت آزادی بعمل آورد که بهتر از این نمی توانست دست خود او این جنابان را رو کند . در بیان تات آقای بازرگان شرح مفصلی از ارتباطات خصوصی و مستقیم و غیر مستقیم ایمن و دیگر سران نهضت آزادی با مقامات آمریکا (از کودتای ۲۸ مرداد تا بحال) ، سنا دارش ، ساواک و سفارتخانه ها و ... آمده است و دلایلی که از نظرات ایمن نه تنها ایمن "ارتباطات" را طبیعی و موجود جلوه می دهد ، بلکه آن را اقداماتی "انقلابی" و "خیرخواهانه" نیز میسازد - آورد ، ذکر شده است . اینها رآقای بازرگان با صراحتی

جمهور ، سفرا و اعضای کنگره و ... بوده است !! و کثرت تا بداند که نهضت آزادی به سردمداری بازرگان و بیژدی و امیرانتظام و ... زودتر می جنبید و بیشتر مقامات "دلسور" آمریکا و آمریکا بازرگان تا هر دو در جریان بی - عدالتیهای توکرتان قرار می داد ، حتماً کار به اینجا نمی کشید و تا بدقیق آقای بازرگان بجای بازرگان سیل نمی بارید ، سیلی که به همراه خود هر کسی و خانگی چون ایمن را سرانجام با خود به همراه میبرد . جریان تشکیل کابینه ای با شرکت یکی "از آقایان روحانیون شورای انقلاب" (منظور جناب بهشتی است) ، بازرگان و سفیر کبیر آمریکا برای انتقال از متروحه سلطنتی به جمهوری اسلامی ، ارتباطات خصوصی و مستقیم و غیر مستقیم بازرگان با

آقای بازرگان ! خلقهای آگاه و مستعد به مانند آنها دست رده به تمام سیاستها و برنامه های ضد خلقی شما میزند ، بلکه کل آن سیستمی که شما راه نخست وزیری میسازد و از میناجی ها و بهشتی ها و ... حمایت می نماید محکوم می کنند .

بیش از گذشته از سنا و بستیا و ارتباطات خائنه خود و دیگر سران نهضت آزادی با مقامات آمریکائی سخن می گوید و که آجنان با وفاتحارانین تسبیل اقدامات دفاعی می نماید که در دهه نا آگاهترین مردم نیز این سوال را پیش می آورد که این چگونه سیستم حکومتی است که حاشیایی چون بازرگان و بیژدی ، امیرانتظام و میساجی در رأس آن قرار میگیرند و زمانیکه کسوس رسوائی آنها کوشش فلک می رسد از راه اینان عاده حیثیت نیز بمثل می آید . چگونه است همینها که تا بدیروز خدمتگزاران مدیق انقلاب معرفی می شدند و در مهمترین مقامات و بستیا های مملکتی قرار داشتند هنوز هم جرات می نمایند اعتراضات سنگین خود را تحت پوشش اقدامات دیپلماتیک آنچمد در را دیسو و تلویزیون و مطبوعات به آزادی منعکس سازند . بدینست با همگی که به متن نامه دفاعی آقای بازرگان که خود یک سند افشاکاری است بی نادریم با بینیم بورژوا لیبرالهای خائن چگونه با هیست برنامه ها و مضمون فعالیتهای خود را در پوشش خدمت به انقلاب ، خدمت به مردم و بازرگان دیپلماتی می - خواهند لایوتانی سازند .

آقای بازرگان ارتباطات و بستیا های خود و دیگر سران نهضت آزادی با امیرالیم آمریکا را با یک منطق بی نظیر خدمت به ملت و کشور و نمودی سازد . منطق ایمن اینست که چون یکی از برنامه ها - های نهضت آزادی رساندن ندای خفته ملت ایران به دنیا بوده است ، از این رودرمدیر آمده اند که با مقامات آمریکائی از جمله سفیر آمریکا ، اعضای کنگره ، روسای احزاب و گاندیداهای ریاست جمهوری تماس بگیرند تا به ایمن نایب (!) نمایند که آنها خائن و حکومتش غیر قانونی است !! بدین ترتیب معلومی شود که سالیهای دراز سلطه مستقیم امیرالیم آمریکا بر ایران و نتایج و نتایج توکرتی - های آن توسط عوامل دست نشانده اش نتیجه نا آگاهی و عدم اطلاع مقامات آمریکائی اعم از شخص ریاست

سنا دارش ، ساواک و سفارتخانه ها و ... که ایمن آنرا با انتخاب رتخا بعنوان اقدامات انقلابی خود ذکر می نماید بی نیاز از هرگونه توضیح و تخریحی است و بخوبی نشان میدهد که او در سنا بازرگان و بهشتی را با نظارت ناموس آمریکا برای فرسودن شدن انقلاب و جلوگیری از قیام مسلحانه توده ها نشان می دهد . بازرگان و وفاتحاران را به آنجا میسازند که آنها را از قانون اساسی رژیم بنا به که حافظ سلطنت و نظام شاهنشاهی و مجوزی برای غارتگری آنان و دست نشانگان داخلی شان است حمایت می کند و بیترتیب عنوان می نماید که "فجایع و مظالم و مفاسد که در دوران پهلوی روی میداد ، شما با دواتر انحراف و تحریف و تحریف قانون اساسی بود ، نه آنکه نقیض قانون اساسی باشد" ، بعبارت دیگر "گناه" ما در عدم اجرای صحیح قانون اساسی بوده است و کثرت در اصل قانون اساسی حرفی نیست . البته آقای بازرگان تا همین جندی پیش در اصل نظام شاهنشاهی نیز حرفی نداشت و لابد آنزمان هم دیپلماتی و شرایط مشخصی حکم برجا میدادند که با قبول اصل سلطنت به مردم دنیا نایب کنند سلطنت شاه غیر قانونی است!

آقای بازرگان در دفاعیه خود بعد از ذکر فعالیتها و سیاست بازرگانی نهضت آزادی در مذاکره و نتایج با مقامات آمریکا و ... بر سریده اند که اگر "سما این ارتباطات جاسوسی است ما حبا اختیار میدادیم" نوده های آگاه و انقلابی ایران در برابر این سوال تنها یک پاسخ دارند : برنامه ها و فعالیتها تنها مستقیماً در جهت فروتن شدن آتش انقلاب و خیانست به حلقهای ایران بوده است . منطق بوج و مسخره نما و مثال شما دیگر کیش از این نمی تواند خلفیسا ی آگاه و مستعدیده ما را که عمیقاً خواهان قطع سلطه امیرالیم ، نابودی ارجاع و ادامه انقلاب دمو - کراتیک هستند ، بفریید . آنها نه تنها دست رده تمام بخشه در متحد ۴

گرامی باد خاطره رفیق شهید محبوبه متحدین

"من اگر برخاک اتم و سراسرتنم را اسکوفه های جراحی بپوشاند ، اگر خون از زخمهایم فواره زند و سلاح از دستم فرو افتد ، و اگر جسد مرا بپرندگان سرکنسته بیابانها تکه تکه با منقار ببرند ، این است راه بیکارم ، پس ای رفیق راهم را تویسه پایان ببر" . (یک سرود فلسطینی)

رفیق محبوبه متحدین در سال ۱۳۲۸ در خانواده ای متوسط در تهران متولد شد و پس از پایان دوره متوسطه وارد دانشکده هنرهای تزئینی گردید . در تابستان ۵۲ سلطت برخی فعالیتها ی سیاسی - فرهنگی (منجمله در حسینیه راساد) ، مورد سوءظن ساواک قرار گرفت و دستگیر شد . در زندان با هنرهای تمام از عهدده با زوجی برآمد و به چهار ماه حبس محکوم گردید .

پس از آزادی از زندان ، محبوبه به همراه همسر و همزمن رفیق حسن آلابوش در رابطه ای نیمه فعال با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت و از این طریق به فعالیت سیاسی خود ادامه داد . انصباط ، جدیت و تیره هوشی رفیق از همان اوان ارتباطش با سازمان را در خلال مسئولیتها ی که به او محول می شد کاملاً تجسم می خورد .

رفیق محبوبه بسیار فعال و با نشاط ، صمیمی و پر انرژی بود ، او با ذهنی باز ، با برخورد های خلاق و روحیه ای تسلیم ناپذیر ، مسائل و مشکلات استقبال مینمود و به بهترین وجه ممکن و با تمام نیرو ، در جهت حل آنها میکوشید ، او از جمله رفقای بود که تسبیل از اینکه در متن بخش منسب از سازمان مجاهدین خلق به فعالیت بپردازد نتوانسته بود در موضع مارکسیستی لنینیستی قرار گیرد .

در جریان خانه گردیهای با نیز زمستان ۵۳ ، که اکیبهای ساواک و کمیته با برنامه ریزی وسیع و به قصد نابود کردن هسته های انقلابی مناطق شهر را شبانه محاصره و خانه ها را با زرسی میکرد ، رفیق محبوبه با فعالیتها ی خستگی ناپذیر شبانه روزی و کوشش های مستمر خویش برای ایجاد امکانات و پوششهایی که ادامه کار رفقای سازمان را در آن شرایط بحرانی امکان پذیر می نمود ، خلوص و مبادقت انقلابی خود را در راه انجام هر وظیفه ای ، بزرگ یا کوچک ، سخت یا ساده که سازمان برعهده او می گذاشت بخوبی نشان می داد و از آن زمان در متن فعالیتها ی تشکیلاتی قرار گرفت .

رفیق در تابستان ۱۳۵۴ همراه رفیق حسن آلابوش به زندگی مخفی پیوست و تمام وقت در اختیار سازمان قرار گرفت . در این دوره ، هر دو رفیق در یک گروه انشازاتی سازمان بطور فعال مشغول کار بخشه در صفحه ۷

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

سالگرد قیام باشکوه تمام برگزار شد

بلاکارها را با برده می کشند، ا غلامیه ها را کینده نورا نه
 ریزیزی می کنند و خلاصه با هر چه که انقلابی است سر -
 جک دارند، اما ما می این حرکات ناسف بار می -
 سوا بند شرکت کنندگان در مسینیک را مساجل کند.
 چرا که این محنده نیرایعکاسی از جنگ میان انقلاب
 و ضدانقلاب است. خدا انقلاب از آکا می نوده ها ،
 بهره می جوید ، اما جداک . صدای بای انقلاب می -
 آید ، و این را که کرده اند استنجویان و دانش آموزان
 هواداران ما زمان به زیبایی و شور و شام فریاد می کشند .
 از میدان انزلی از خلق دلاور گرد می خوانند و
 ما را به شنیدن صدای بای انقلاب دعوت می کنند .
 و جامعه ما اکنون عرصه مبارزه ، طبقاتی سیدیدی
 است . خدا انقلاب می گوید ، نوده ها را از ریزسوی بار -
 دارد ، و نوده ها می خواهی نده به پیش روید ، و نفس نیرو -
 های آکا در این میان نه بسیار احساس است . آسان
 می باید ما زره را در نما می عرصه ها هدایت کنند . در
 عرصه مبارزه کارگران و زحمتکشان در عرصه مبارزات
 خلقهای ستمدیده و حتی در بارلمان بورژوازی ،
 در مراسم ، رفیق از اعضای سازمان در این باره
 صحبت می کند و موضع سازمان را در زمینه مبارزه
 یا رلمان ، انتخابات مجلس نورا ، بیان می کند
 که در همین شماره ، روزنامه جداگانه آورده شده
 است . کارگری نیز از خانه کارگر ، از مبارزات کار -
 گران و زحمتکشان سخن می گوید ، او و برونی واقعب
 مبارزه طبقات را بیان می کند ، آنکی از همه
 بیکر تراست که هیچ چیز ندارد تا در مبارزه از دست
 بدهد ، بجز زنجیرهایش . رفیق کارگریا نفرت از

سالگرد قیام است ۲۲۰ بهمن ماه . کرامی روزی
 که خلق سلاح برگرفت ، طوما رسلطنت نیکین را درهم -
 بیجید و سازگار ان خدا انقلاب را مبهوت برجا گذاشت .
 ۲۲ بهمن ، آن روز سرخ شکوه مندی که خلق مسلح عرب
 را ناسا ندرگرفت و نشان داد که حقاً : وای بسند روز
 دشمنان ، روزی که خلق مسلح شود .

و اینک بیس از یکسال که هر روز در سپه می -
 آموخت ، خاطره های قیام درمتمنی ارتدا و انقلاب
 مرومی شود . جنگ میان انقلاب و ضدانقلاب ادامه
 دارد . در سپه ای قیام پیش روی ما است . و روز قیام را
 کرامی می داریم .

روز قیام ۲۲۰ بهمن ، روز غرور آفرینی برای
 خلق است . جشن توده ها است . مراسم که سازمان ما
 در این روز برپا نمود نیز کوه های از جن خلق است .
 نظره ای کوچک که تما می هیجانها ، آرماتیا و آرو -
 های خلق دلاور ما را در خود متیلور می کند . مراسم
 با سرود آغاز شده و سازمان بیکار در راه آزادی
 طبقه کارگری از سرود خوانده می شود . بیای می گه
 در سپه ای قیام را با خود دار د :

" اینک نمی توان بدون مسلح شدن حسی
 بیروزی های مرحله ای بدست آورد و اینک می توان
 در کارخانه و مزرعه و ادارا اعمال حاکمیت نمود ، هر -
 چند در اوقات بصورت محدود و نظیفه ای از جمله
 این تجار با است . و اینک تشنها و تشنها طبقه کارگری -
 توانند انقلاب را تا به انتها ادا بدهد ، امروز دیگر
 برای زحمتکشان ما یک استنتاج شوریک نیست ،
 بلکه حقیقتی است که در یکسال گذشته آن را با پوست
 و گوشت خود لمس کرده اند .

پیا م در ادا مه خود از تدا و انقلاب می گوید :
 " توده ها خواستار دگرگونی های اساسی هستند .
 آنها خواستار بنا بودی نظام سرمایه داری و استبداد ،
 قطع کامل سلطه امپریالیستی ، رفاه و مسکن ،
 بهداشت برای همه ، ۴۰ ساعت کار در هفته برای کار -
 گران ، زمین برای دهقانان ، حق خودمختاری برای
 خلقها و ... می باشند ، بنا بر این طبیعی است که
 بورژوا فرمیست ها را به کناری برتاب کنند . هم -
 چنین آنها با تجربه گیری از گذشته و به اعتبار آکا می
 خود را ضعیف تر از "نظم" و "امنیت" ارتجاعی
 بدهند . و به همین دلیل دست رد بر سینه جنگ افروزان
 و بورژوا فرمیستهای نظیر باندچران و ویزدی و
 دارو دسته مدنی می زنند .

اما آکا کی عینی توده ها به تشنها می برای بد
 شمر رسیدن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی
 خلق کافی نیست و اگر هر آینه هر چه و مریج و بلانکلیفی
 بیش از پیش بطول کشد ، بورژوازی مرتجع به مقاصد
 شوم خود خواهد رسید تا بر این لازم است که نیروهای
 انقلابی و بخصوص نیروهای آکا به رولتاریا پیش از
 بیش در راه همبستگی و وحدت مقوف خود تلاقش نمایند .
 یکی از رفقای سازمان ضمن سخنرانی کوتاه می
 عملگردهیست حاکمه و بویژه در سپه ای قیام را مورد
 بررسی قرار داد .

ساز قیام عاشقی از آذربایجان ، آواز می -
 خواند . صدای گرم و دلنشینی از خلقها می گوید و بر
 قلبهای جمعیت می نشیند .

بیرون از سالن او با نشان مرتجع سخت در تلاقش
 تا مراسم را بگونه ای بر هم زنند ، فحاشی می کنند ،

روبروی تشنها می نوده ای و کارکنی هایمان در
 مبارزات کارگران سخن می گوید و تنگ و نفرت طبقه
 کارگر را نشان را این حاشین می کند .

بکنفرانکودنشینان رحمتکشان دروازه غار با
 صدای رسا می خواند و همجنین زحمتکشی ار
 اسلام شهر . هر یک از این بیامها جمعیت راه نیرو
 می آورد و لروم را بناط هر چه گسترده تر با زحمتکشان
 میبین مان را یاد آور می شود .

رفیق عاسیق آذربایجانی با دیگر از خلقها
 می سراید . خلقها که با یجنین در عرصه بیکار
 طبقاتی از جانب حامیان سیستمواستد ، سرکوب
 می شوند . و آوارها با نشان سرچون ستمدوکانهای که
 برآنان می رود عساکاست .

در سالگرد قیام نیز کوه بهمن ، و هنوز فقط یک
 سال از قیام گذشته ، رفیق از زندانیان سیاسی در
 بندسخ می گوید : " او از رزمندگان مبارزی که به
 اینها مدافع از نوده های زحمتکشان ، سربازان شده -
 اند . " این شهیدان را در آزادی و استقلال ایران ، در

بیدادکاهی محفی بدون حضور هیئت مسخه ، بدون
 برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع ، بدون رویت
 پرونده ، بین ارتکب بدامطلاح دادگاه و در جسد
 موردنا بکنجد ، در محل دادگاه به مرکز محکوم و نیر -
 باران تند ، در بسیاری از موارد ، بعد از شرکت کنت -
 کان در دادگاهها تشنها سربازان انجا میدوشتن

بوده اند : یکی حاکم نرع و دیگری منیم " ! و این
 در زمانی است که : " ما شاء الله تعالی ها آزاد است
 می کردند و حتی این امکان را می یافتند که در روز -
 نامه ها از مواضع ضد انقلابی خود دفاع کنند . "

آری ، یکسال پس از قیام است ، جنگ طبقاتی و
 مبارزه بر علیه امپریالیسم ادامه دارد ، بگوئیم سا
 با توده ها در آمیزیم ، از قیام درس بگیریم ، که فردا
 آستین طوفانهای سهمگین است ■



پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه
 امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

اطلاعیه

گروه‌های ترکب‌کننده در "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" پایان کار این "کنفرانس" را اعلام می‌دارند.

این تصمیم از گذشت قریب یکسال از حیات آن و علیرغم بارهای همکاری‌ها و فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف، آرنجاکه "کنفرانس" در اصلی‌ترین هدف خود یعنی با یکدیگر متحد شدن جنبش کمونیستی، ناموفق بود، گرفته شده است. بدون تردید تجارب فعالیت "کنفرانس" در ادامه گونش گروه‌های جنبش کمونیستی برای ایجاد حزب طبقه کارگر موثر خواهد افتاد.

در حال حاضر همه گروه‌های ترکب‌کننده منتقد به جمع‌بندی این تجربیات هستند و هر گروه و یا جمعی از گروه‌ها در ادامه این جمع‌بندی‌ها و طرح وحدت جنبش کمونیستی خواهند گوسید.

نظم فعالیت کنفرانس بیخ وجه معنی قطع ارتباط و همکاری گروه‌ها و عدم گوس در جهت وحدت جنبش کمونیستی و حزب است.

بهره‌های ترکب‌کننده در کنفرانس، همچنان حل مسئله وحدت را به وظیفه، مبرم و محوری جنبش کمونیستی تلقی کرده و با بهره‌گیری از دستاوردهای آن تلاش‌های خود را بر سر تحقق امر وحدت ادامه خواهند داد.

گروه‌های ترکب‌کننده در کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۱۱/۹

دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



بیدار جنبش انقلابی خلق
قهرمان ایران بیاید!

در سالگرد قیام پرشکوه بهمن، انقلاب در میهن ما همچنان ادامه دارد.

طبقات مختلف با خواسته‌های مختلف در عرصه کشور ما در حرکتند. توده‌ها خواهان نابودی کامل نظام وابسته به امپریالیسم هستند و سازشکاران و فترت‌طلبان خواهان حفظ و تکثیر سیستم.

نمایندگان ما آینه حرکت انقلاب است. در آینه انقلاب بیسیم تا با پرزیم آموختن ما تا به پیش ببریم انقلاب را.

محرم نمایشگاه، خیابان آذر، پلاک ۱۵، تهران
مارس: از شنبه ۱۳ بهمن ماه ۵۸ تا شنبه ۲۱ بهمن ماه ۵۸

تخریم انقلابی انتخابات فرمایشی، مبارزه طبقاتی خلق ارمنی

★ ★ ★

تحکیم مواضع قدرت خود زحمتکشان ارمنی را استعمار کند، بخصوص اینکه اکثر کارکنان جدیدها از دانشکده‌ها هستند و عناصر مزدوری مثل وارنگس‌ها، بنیان و آلبرت برناردی در میان آنها دیده می‌شوند (۱)

زحمتکشان و عناصر آگاه و مترقی ارمنی به لحاظ اینکه انتخابات از طرف دانشکده‌ها و شورای خلیفه‌گری را کاملاً در جهت تحکیم سرمایه داری وابسته و مضر برای منافع واقعی خلق ارمنی شخصی دادند آنرا تحریم تلافی کردند. تحریم تلافی و آگاهانه این انتخابات فرمایشی نشان می‌دهد که زحمتکشان ارمنی درمی‌یابند که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست.

(۱) -- لازم به تذکر است که دو فرغی از اعطای مجلس "ملی" ارمنه در لیسان هستند. مجلس مزبور که شامل فالانژ و جنبش‌های لبنان و عوام مل آمریکا منسسل موس در کالستیان، وارنگس‌ها، ملیان و ... می‌باشد با سند عا مل نقشه‌های ضد سوری و ضد خلقی امپریالیسم خونخوار آمریکا در منطقه، خاور میانه است.

★

★

روز ۵۸/۱۰/۲۸ انتخابات مجلس نمایندگان ارمنیه از طرف حزب دانشکده و شورای خلیفه‌گری ارمنیه انجام شد که این انتخابات با بی اعتباری و نفرت مردم زحمتکشان ارمنی روبرو شد. بطوریکه بنا به اعتراف روزنامه "آلیک" ارگان حزب دانشکده در تهران از حدود ۷ هزار مردم ارمنی واجد شرایط برای انتخابات، فقط ۵۶۲۸ نفر یعنی ۸٪ مردم در این انتخابات شرکت کردند.

حزب دانشکده در زمان رژیم منقورنا آزادیانه و با اجازه ساواک فعالیت میکرد، حزب سرمایه‌داران است که در رژیم ضد خلقی ناهوجه‌گامیت ارتجاعی فعلی را تأیید کرده است. این حزب بنا به ماهیت بورژوازی خود و نیز ترویج روحیه فرهنگ افراطی ناسیونالیستی، بصورت مجری سیاستهای امپریالیسم آمریکا در ایران است.

"شورای خلیفه‌گری" دست در دست "حزب دانشکده" انتخابات فرمایشی چند روز قبل مجلس به اصطلاح نمایندگان خلق ارمنی را سرهم‌بندی کرده و آنرا به توده‌های ارمنی تحمیل نمودند تا با زهم بسا

بضیه از صفحه ۱۷
مجا همدین ...

خرده‌بورژوازی سنی با خصائص بعضاً مشهودا - لی بود. (و هست - پیکار)

(مجا همد، شماره ۲۲ - ۱۶ بهمن ماه)

مجا همدین در برخورد با این دو نیروی طبقاتی (یعنی بورژوازی لیبرال و خرده‌بورژوازی مرفه سنی) دومی را هدف اصلی مبارزه سیاسی خود قلمداد می‌کنند. چرا که بقول خودشان اینان هستند که "ستاد هسارامی" گیرند، کتابها را میسوزانند، مراسم را برهم میزنند، و برای حذف کاندیداهای مطلوب بیشترین فشار را وارد می‌آورند و جاق و چاقوی می‌کشند و ... " (مجا هشتم شماره ۲۳ - ۲۳ بهمن ماه) این نوع ارزیابی عاری از حقیقت علمی و واقعیات مبارزه طبقاتی در جامعه است. اگر قبول داریم که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم آمریکاست و اگر قبول داریم که لیبرالها بدلیل ماهیت طبقاتی خود به بی‌یگانه امپریالیسم بدل گشته‌اند و با تلاش تمام در پی "تحکیم و وابستگی" های مستحده" می‌باشند، بنا بر این عمده‌کردن جریانهای وابسته به خرده‌بورژوازی سنی " (البته فعلاً کاری نداریم که احزابی نظیر حزب جمهوری اسلامی را میتوان وابسته به خرده‌بورژوازی مرفه دانست یا نه)، در مقابل لیبرالها، یعنی تدبیر چشم انداز سیاسی جامعه است. ما اساساً به این دلیل علیه خرده‌بورژوازی مرفه سنی مبارزه می‌کنیم و مواضع او را افشامی. ما رژیم که به آلت دست لیبرالها بدل گشته و دنیا نه روی سیاستهای ارتجاعی او شده است و توده‌ها را حول برنا بهای لیبرالها بسیج می‌کند، در عین حال

★ ★ ★

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مروری بر جنبش دهقانی در یکساله اخیر

دهقانان در جریان مبارزات انقلابی اخیر (با قیام از قیام بهمن ماه) با وجود اینکه از سهم سرمایه های انحصاری امیرالیستی و وابسته، عقب ماندگی نحوه تولید و راهم با نسیبگی تولیدکننده و بقایای نظامات گذشته رنج می بردند و تحت ستم و فشار شدید بودند نقش فعال و برجسته ای نداشتند. مبارزات دهقانان از محدود و منقطع کثرت و اطراف شهرهای بزرگ نظیر تبریز، همدان، مشهد و سایر مناطق همجوار گردستان و شمال و... فرا تر رفت. شرکت دهقانان در انقلاب بسیار در برابر دیگر اقشار رطلی انجام گرفت. دهقانان به شهرها می آمدند و در مبارزات بوده های شهری شرکت می کردند. این شرکت بسیار آکنده انجام میگرفت. علاوه بر این دهقانان دارای ساری که منحصرا مافع خاص طبقاتی آنها را بیان کند، نبودند.

اما جریان مبارزات انقلابی در شهرها و قیام نکوهنده بهمن ماه ننگانهای بیدارکننده ای بسر دهقانان که در اوج فقر و بیکاری و عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی بودند وارد آورد.

زندگی دهقانان یعنی از پیش با ادا به بحران اقتصادی تحت فشار قرار گرفت؛ افزایش شدید قیمتها کمبود بسیاری از نیازمندیهای اولیه و زندگی، بیکاری شدید و غیره. این مسئله و نتایج سیاسی قیام از جمله از بین رفتن فشار و خفقان و سرکوبگری رژیم پیشین و رستاخیزی سیاسی دهقانان، ناشی از رستاخیزی بیدارکننده انقلاب، دهقانان را پیش از رسیدن در عرصه سیاسی جامعه فعال نمود. دهقانان برای کسب حقوق خود مبارزات خود را تحت اشکال مختلف از تظاهرات و تظاهرات و... گرفته تا مبارزه انقلابی اراضی زمینداران بزرگ و دفاع مسلحانه از آن به پیش بردند.

سطح خواسته های دهقانان پس از قیام بهمن ماه بسی بالاتر رفت. شمار مبارزه اراضی که قبلا کمتر در میان دهقانان مطرح بود، پس از قیام مکل گرفت و همه جا در میان آنها رواج کرد. مسئله بازگشت فئودالها تسدید فشارهای طبقاتی از سوی آنان، آشکار شدن سیاستهای هیئت حاکمه جدید در خدمت به منافع دهقانان، رشد جنبش دهقانی را تسریع کردند. این مسئله بویژه در کردستان بسیار چشمگیر بود. فشار فئودالهای مروج و تشکیل اتحادیه های عتایی ارتجاعی بطور خود بخودی دهقانان را بسوی تشکیل شوراها و اتحادیه های دهقانی سوق داد و بالاخره حمله سراسری ارتجاع حاکم به کردستان و یورش فاشیستی آن به اتحادیه های دهقانی، بیش از هر وقت دیگر تشکل، آگاهی ملی-طبقاتی، وحدت و همبستگی دهقانان کرد را افزون تر ساخت. دفاع مسلحانه دهقانان کرد از دستاوردهای انقلابی تحت هدایت نیروهای مترقی و عقب راندن ارتجاع، تبلور جنبش اتحاد آگاهی نیرومند بود.

جنبش دهقانی از این لحاظ که مسئله زمین و خواسته های دیکورسرا سراسر ایران شکل ثابت و یکپارچه خسی ندارد، در مناطق مختلف اشکال متفاوتی دارد هرچند که زمینداران بزرگ توانسته اند نفوذ و

تسلط خود را حفظ کنند، هرچند که خصوصیات ملی و منطقه ای و سن مبارزاتی وجود داشته و... در آنجا مبارزه طبقاتی حادث است. چنین است وضع جنبش دهقانی در کردستان، فارس، مازنداران و آذربایجان. اما در مجموع و در متن مبارزات انقلابی و تشدیدتفادهای طبقاتی جنبش دهقانی سیر و به اعتدال راجعی کرده و به پیش می رود.

بدین لحاظ ضرورت بردن آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک میان دهقانان و تشکل دهی آنان از وظایف مهم و خطیر نیروهای انقلابی م. ل. در این مقطع از جنبش است. در غیر این صورت دهقانان که متحدین نزدیک طبقه کارگر هستند بدینا لهروری از خرده بورژوازی و بورژوازی افتاده، پیروزی انقلاب را با خطرات و موانع مهمی روبرو خواهند ساخت. این خطری است که در تاریخ هفتاد ساله مبارزات دمکراتیک و فدا میریالیستی خلقی ایران بارها تاه آن بوده ایم.

اکنون که سالروز قیام چهارم ماه بهمن فرا می رسد، مروری بر جنبش دهقانی می تواند تجارب درخشان و دستاوردهای آن را به ما نشان دهد، شکلی نیست که بررسی این جنبش در این مختصر نمی گنجد و به بررسی عمیقتری نیازمند است. ابتدا مختصرا آنچه را که در عرض یکسال گذشته در جنبش دهقانی اتفاق افتاده است مروری می کنیم (۱۰).

اسفند ۵۷

لرستان

دهقانان انقلابی دور روستا که زمینداران به وسیله شرکت سهامی زراعی شیروان تصاحب شده بود، زمینهای تصرف شده خود را پس گرفتند.

گنبد کاووس

بیش از ۱۵ هزار نفر از روستائیان گنبد کاووس همراه با کارگران، فرهنگیان و سایر مردم زحمتکش در اجتماع خواسته های خود را بشرح زیر اعلام کردند:

- ۱- ایجاد اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک.
- ۲- بازپس گرفتن زمینهای غصب شده.
- ۳- جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی خارجی جهت حمایت از کشاورزان بومی.
- ۴- تشکیل شوراهای روستائی و میادان.
- ۵- حمایت از میادان و قالی بافان زحمتکش منطقه و مبارزه زمینداران و اموال عمال رژیم سابق در کسب.

تکاب

اهالی ۱۲ روستای تکیان تیه از تمام دهقانان دعوت کردند تا بمنظور رسیدگی به وضع کشاورزی و بیکاری اجتماعی تشکیل دهند. خواسته های دهقانان چنین است:

- ۱- خواهانیم که ارباب، به اندازه یک کشاورز متوسط زمین در اختیار داشته باشند بقیه زمین-

(۱) - ماخذ کلیه اخباری که آمده است همه ما به های "بیکار" و "کار" می باشد.

- ۲- ما خواهان کار و ایجاد کارخانه در منطقه کردستان برای خوش نشینان و کشاورزان بیکار هستیم.
- ۳- ما خواهان خودمختاری کردستان در چارچوب ایران با رهبری شیخ عزالدین حسینی هستیم.
- ۴- ما خواهان ایجاد مدرسه، بهداشتی، برق، راه، حمام و لوله کشی در دهات هستیم.

۵- ما خواهانیم که بنگاه ماشینهای کشاورزی ایجاد شود.

۶- کود و ابزار اصلاح شده با قیمت بسیار پایین در اختیار کشاورزان قرار داده شود.

۷- نمایندگان واقعی روستائیان در مجلس شرکت نمایند، تا از حقوق روستائیان دفاع کنند.

شهرکرد

دهقانان شهرکرد طی قطعنامه ای خواسته های خود را بشرح زیر اعلام کردند.

۱- تقسیم زمینهای انحصاری بین کشاورزان بی زمین.

۲- تشکیل شوراهای دهقانی.

۳- ساختن راه های در مناطق کشاورزی برای حمل محصولات کشاورزی.

۴- ایجاد شرکتیهای تعاونی تولید و مصرف واقعی.

۵- وام های مخصوص کشاورزان و دامپروران.

۶- در اختیار گذاشتن متخصصین کشاورزی با وسایل مکانیزه کشاورزی و کود و ابزار اصلاح شده.

۷- ایجاد مراکز مجاز میزبانی ثابت و سایر کشاورزان روستاهای زاغ مرز و اسلام آباد در اطراف شهر با اقدام انقلابی زمینهای ناشیور غلامرضا را بین خود تقسیم کردند، اما افرادی بنا م کمیته امام به محل آمده و دهقانان را از زمینها بیرون کردند.

رودبار - تکاب و رحمت آباد

دهقانان در دیستان روستا اجتماع کردند و تشکیل شورا داده و خواسته های خود را در ده مسأله اعلام داشتند.

لاهیجان - خشتال

در کردستانی خواسته های زیر را اعلام کردند:

- ۱- سپردن کار روستا به روستائیان از طریق شوراها و دهقانی.
- ۲- لغو کلیه بدهکارهای کشاورزان به بانکها.
- ۳- لغو بقیه قیامده فروض با خرید زمین.
- ۴- بازگرداندن زمینهای غصب شده کشاورزان بین افراد کم زمین و بی زمین.
- ۵- تضمین خرید محصولات کشاورزی و جبران ضررهای ناشی از آن، با پائین بردن قیمتها.
- ۶- حمایت از صنعت ابریشم.
- ۷- ریشه کن کردن کرم ساقه خوار برنج و تقویت هر چه بیشتر برنجکاران از طریق حمایت برنج داری و جلوگیری از ورود برنج خارجی.

قومین - باغیانان

کشاورزان طی نامه ای به دولت بازرگان خواسته های خود را در ۱۳ مورد زیر اعلام کردند:

- ۱- پرداخت وام بدون بهره.
- ۲- لغو کلیه بدهکارهای کشاورزان به شرکت تعاونی.
- ۳- دادن کود شیمیایی به کشاورزان و فرسادهای کروه های سیار جهت مبارزه با کرم ساقه خوار

هرچه بتوان تریاد مبارزات دهقانان علیه زمین داران وابسته و بزرگ

دیروز نامه شماره ۱۴۱



- ۱ - سرخ و سایر آفات زراعی .
- ۲ - واگذاری زمینهای بایر به افراد مستمند .
- ۵ - لغو یا قبضه قروض با خرید زمین ارزانگان و باینگها .
- ۶ - لغو پرداخت آب بها و جریمه جنگلیاتی واحداث جاهت مشروب ساختن مزارع بالای کانال .
- کهریز
طی کردههای روز جمعه ۲۵ اسفند فتنه های مادر کرده که خواستهای آنها سرخ زیباست :
۱ - انجام اصلاحات ارضی به خود مگر اتیک .
۲ - بازگشتن زمینهای غصب شده .
۳ - دادن وامهای طویل المدت .
۴ - واگذاری شرکت تعاونی و تولید بیدروستان .
۵ - واگذاری زمینهای اداره کشاورزی کده به نام اوقاف غصب شده بیدروستان .
۶ - ایجاد مدرسه آنگاه و مدرسه راهمناشی و حمام .
۷ - تاسیس و ایجاد دوله کسی آب و تاسیس بوی روسا و اسفالت کردن جاده ها

فروردین ۵۸

تزوین

۴۱۷ تن از دهقانان و باغداران کده در استخدام سازمان عمران تزوین می باشند برای رسیدگی به حقوق و مقرری ۷۵۰۰ ریالی خود جلوی ساختمان عمران جمع شده و رئیس اداره عمران وعده داد که از تاریخ ۵۸/۱/۱۵ حقوقشان پرداخت شود .

آمل - نظام آباد

در فتنه های خواستهای خود را اعلام کردند :
۱ - تاسیس آب و برق برای قریه .
۲ - ایجاد جاده اسفالت .
۳ - تاسیس کودسیمیانی .
۴ - دادن وامهای طویل المدت و بدون بهره و لغو بدهی های آب بها باینگها .
۵ - تضمین خرید محصولات و تشکیل شرکت تعاونی و انجمن بحث نظر خود اهالی .

خرم آباد

دره سالی ، گرسیرخان یک ، گرسیرخان دو ، چهارسراب ، کی میراندو سه ده دیگر .
در فتنه های خواستهای خود را در ده ها داد اعلام کردند .

آمل - خدام آباد

اخیرا سوظنه های از طرف عده های سرمایه دار رهبری و مالکین سابق در دست اجراست . دهقانان بعد از انقلاب زمینهای را که در اختیار آنها بود ، تصرف کرده اند شیراز - رباط
دو زودرم فروردین بدسال یک تصمیم گیری زمینهای را که حاجی قربان با زودرم غصب کرده بود ، مصدوره و کشت کردند .
■ بروجرد

روز شنبه ۱۸ فروردین مادیک راهیمناشی با شرکت کارگران بیکار رودهقانان برگزار میگردد . شعارها عبارت بود از "زمین برای دهقان آزاد باید کرد" ، "رسدگی کارگرونا من باید کرد" ، "دست سرمایه دار و گونا باید کرد" .

سهرم - منطقه مهر داشت

دهقانان این منطقه بند و مصمم به تصرف زمین های غصب شده دست زدند

بیزد - سانیچ و توابع

در مسجد جامع جمع شده و خواستهای خود را مطرح کردند .

بایبل - تشل

جمع کنیری از دامداران ، کشاورزان ، کارگران محلان و دانشجویان رورچیا ر فروردین در مسجد جامع کرده آمدند و سورا تشکیل دادند و تصمیم گرفتند مراسمی را که در زمان رژیم سابق بجزوا زدست اهالی در آورده اند بجمع خود مصدوره کنند .

آذربایجان - دشت مغان

خواستن فوجا بیکلر به رعایای سابق خود در دشت مغان حمله کرده و بیش از ۲۰ خانه روستایی را آتش می زنند و بچه را جیاول میکنند . اهالی مجبور به ترک محل زندگی خود میشوند .

تبریز - خسرو

در تاریخ ۳ فروردین اقدام به دستگیری و محاکمه علی قربان زمینخواه ر کرده و پس از انبساط اینکده وی هیچگونه حق مالکینی به زمین ها ندارد ، زمینهای خود را میل کشند و زمین خود تقسیم میکنند . توسط ماموران کمیته تبریز نیران داری هوایی شده و قربان را با عده ای از اهالی به کمیته مرکبتر تبریز می برند .

آستارا

عظیم آناجاسی بصر آناجاسی از خانیهای تدبیری آستارا با جمع آوری شده های از افراد خود مسلحانند روستا شان حمله کرده و زمینهای را که تقسیم آراشی تدبیر شده روز می کیرد .

دهقانان طلبی نامه های بدولت خواستهای خود را مطرح میکنند .

ترکمن صحرا

دهقانان تشکیل شورای دهقانی می دهند و زمینهای غصب شده توسط زمینخواهان را بازر می - ساندند . زمینداران دست به تخمین میزنند و اعتراض میکنند . دولت از زمینداران حمایت میکند . بایبل - تشل ، سرکوی

دهقانان طلبی نامه های بدولت خواستهای خود را مطرح میکنند .

کرمان - حسین آباد

طلبی نامه های خواستهای خود را مطرح میکنند .

صومعه سراب - بسیر گوراب ، زرمیخ

دهقانان طلبی نامه های بدولت خواستهای خود را مطرح میکنند .

بندر ترکمن

دهقانان مبارز در اجما می کسه در روز اول اردیبهشت برگزار کردند از میان خود بنیروا سوزان انجمن شورای انقلابی انتخاب کرده و خواستهای خود را مطرح نمودند .

رامسر - لیانکن

خواستهای خود را طلبی نامه های اعلام کردند .

کره آباد - آرگند سطلی از توابع صحنه

دهقانان طلبی نامه های سکات خود را ابرمتضی احیاشی به دادگاه تسلیم کردند . ابادی مرتضی احیاشی در کمیته اسلامی محله سن از اهالی روسا را دستگیر کردند .

کامیاران - الک

کشاورزان و جوس تشان مصمم به تشکیل شورای دهقانی گردیدند و با همکاری یکدیگر کلیه زمینها و مزارع غصب شده را که حدود ۹۰۰۰ خروار بجز زمین ربر

● سطح خواستهای دهقانان پس از قیام بهمن ماه بسی بالاتر رفت . شعار مصدوره اراضی کسه قبلا کمتر در میان دهقانان مطرح بود ، پس از قیام شکل گرفت و همه جادرمیان آنها رسوخ کرد .

● حمله سراسری ارتجاع به کردستان سبب ایجاد ناموزونی شدید در مسیر مبارزه طبقاتی گردید . در حالیکه در کردستان جنبش دهقانی به مرحله عالی دفاع و مقاومت مسلحانه در برابر یورش ارتجاع برای حفظ دستاوردهای انقلابی رسیده بود ، در اکثر نقاط کشور جنبش دهقانی بطور موقتی افت کرد

● دهقانان ، متحد خود را پرولتاریای ایران میدانند و راه حل مسئله ارضی را در گرو نابودی حاکمیت کنونی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق بردهبری طبقه کارگر خواهند دانست .

کشت و مصدوره ای جاد و جندس عکنا ر باغ میوه است نتاجت کردند .

آمل

بدهای اروپا و روسا شان به سبب آمل آمدند . در مقابل دادگستری دست به راهیمناشی زدند و در حالیکه شعار می دادند بطرف شهرداری رفتند و در آنجا مشخص شدند . روسا شان برای رسیدگی سینه خواستهای آن و مجازات آنها مرتجع کده تحریک مالکان و عواید رژیم سابق بدمال و جان کشند م نتاج و زمین کشید ، مشخص ننند .

ایلام

کشاورزان خراسان این شهرستان عده ماه است کده برای احقاق حقوق خود با اربابان این منطقه

گرسار - سلطان

در کردههای ۵۸/۱/۱۵ زمینهای حسن علیرا ده کده از مردوران مالکان بود توسط دهقانان تصرف شد . کتاب - علی آباد افشار
روستا شان طلبی در ۱۴ فروردین سببند . کان شورای دهقانی خود را تشکیل می دهند .
● نقد - جنگ تحمیلی ارتجاع در سببده و فصل عام روسا شان کرد

اردیبهشت ۵۸

ارومیه

دهقانان آواردها راهیمناشی و جنم در باطنان شهرداری ارومیه وضع خود را اعلام کرده و خواستار سرگردا بدن زمینها ، بازگشت به روستای خود و اخراج

خلق فریاد میزند: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

دوره نامه شماره ۱۲۱

زنان این روستا دارا ره مغایرات دست به
تحصن میزنند. حدود ۹۰ نفر از روستائیان زحمتکش
حصارک در زندان کمیته قزوین در اسارت بسر میبرند
علت آزادی مردان کشاورزان است.
چندی قبل آنها "حاج صمد" مالک این ده زد و
خوردند و عده ای گشته وزخمی شدند.

بابل

نظاره های دهقانان روستاهای بابل

کردستان - کوکوتو

کردستان - کوکوتو

در این محل بین پیغمبرکها و دهقانان از یکسو
و اربابان از سوی دیگر زد و خورد مسلحانه درگیری -
شود که منجر به شهادت چند تن از پیغمبران میشود.

کردستان

آغا زحمله رجاع به کردستان و متا و مسلت
مسلحانه اتحادیه های دهقانی مبرقی کردستان.

مهر ۵۸

مازندران - قائم شهر

چندین درگیری بین دهقانان با فئودالها ،
ژاندارها و اربابان روی می دهد. علت درگیری
عدم تمکین دهقانان نسبت به فئودالها و سر باز زدن
از پرداخت نصف محصول آنان است.

مازندران - پطروش

فئودال این منطقه حسین یزدانی است. نام -
برده توسط ایادی خود خرمن های دهقانان را به
آتش می کشد. دهقانان جلوگیری متحصن می-
شوند.

مازندران - کیاکلا

مازندران - کیاکلا

دهقانان به راه هیمائی برداخته و جلودادگستری
متحصن میشوند و قطعنامه ای صادر می کنند.

مازندران - رینه سر

چندی پیش قیادی زمیندار این روستا بکمک جما -
بدستانش به کشاورزان حمله میکند، اما با مقاومت
سخت مردم روبرو نشده و زخمی میشود. پس از این جریان
با اربابان دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

تبر ۵۸

سندج - الک

روستائیان ۷۰۰ خروار بذر مالک را بین خود
تقسیم کردند.

مهاباد

درگیری دهقانان با مالکین سابق

کردستان - قره بند

"محمد حسین خان جاف" سردهسته سرار و فئودال -
های منطقه سقر - مریوان در نامه ای دهقانان را
تهدید کرده است. او در این ده روستائیان را به
رکبا رسته است.

کردستان - کوچک سرو

رئیسهای ارباب ("اسماعیل آغا عباسی")
توسط دهقانان تصرف شده است.

ارومیه

غارتندگان روستاهای ارومیه که توسط اربابان
انجام گرفته در شهرها و روستاها برانگیزه و درجا درها
رندگی میکند. اینها از گرسنگی در حال مرگ هستند
و خواستار خرگ تا بیعت می باشند.

مریوان

روشنه ۵۸/۴/۲۳ بنا بدعوت اتحادیه دهقانان
مریوان و اورمان اتحادیه کارگران، اتحادیه زنان
نظاره های با شرکت حدود ۳ هزار نفر علیه توهیناتی
که بخلق کرده بود در اعتراض به اسرار دیسو -
تلویزیون برپا می شود. نظاره های بوسیله با اربابان
کمیته اسلامی بخون کشیده میشود که در ضمن این در -
گیری دفاع مقابل سه نفر از تظاره کارکنندگان و ۹
نفر از افراد کمیته گشته می شوند و از طرفین ۵۰ نفر
زخمی میشوند.

مراد ۵۸

کهگیلویه و بویراحمد

از فئودالهای سابق اعاده حیثیت میشود آنها
به زراد ما گرفته و طلب بخشش می کنند و پذیرفته می -
شوند.

قزوین - حصارک، خروان

در کتیمبارزه اند. در روز هفتما ر دیبهت جلسهای
تشکیل داده و همرا با طرح خواسته های صغی حسود
نامه ای تیز به نخست وزیر نوشتند.

بابل - برسه نمان

دهقانان خواهان تصرف ۱۲ هکتار زمینی که
توسط سید حسین اومیاغ نصیب شده بود هستند. دهقانان
شورای ۱۲ نفره تشکیل می دهند اما اقدامات شورا
بجائی نمی رسد و مسئول کمیته با تهدید دهقانان
میخواهد که از زمین دست بردارند. مردم بیعوان اعتراض -
اض دست به تحصن زده و خواسته های خود را اعلام میکنند.

اصیل آباد، حصارزیرک، قصبه قسطانگ

جلسه ای با شرکت نمایندگان این روستاها در ۵
اردیبهست تشکیل شده و تصمیم به تشکیل ستدیگای
کشاورزان، شورای دهقانی گرفته و خواسته های خود
را مطرح می کنند.

آذربایجان - دیزج حسن بیگ

بیش از صد نفر از دهقانان در ۲/۱۷ جلوه کمیته
اسلامی عجبسیرت تحصن کردند. علت تحصن نجا و رعنا صر
مرتجع و مزدوران است و خشم روستائیان زمانی اوج
می گیرد که در تاریخ ۱۶ اردیبهست افراد مسلح
با سکا و کیمیند اسلامی عجبسیرت مسلحانه به روستا حمله
می کنند و چند تن از رئیس سفیدان این دهکده را
زندانی می کنند.

کردستان - گورگه ای

اتحادیه دهقانان مریوان و اورامانات نامه -
ای به شورای انقلاب اسلامی مریوان نوشتند و از
مراحمتهای فیاده موقت در آبدی "گورگه ای"
تکایت می کنند.

رودسر

دهقانان نوابج رودسر با سدهای داده و اعلام
شوده اند که به تشکیل شورا های دهقانی برداختند.

خراد ۵۸

آمل - نظام آباد

روستائیان این ده برای اعتراض به دستگیری
و بازداشت دو نفر از زحمتکشان دوشنبه ۲۶/۲/۵۸ در منزل
کمیته اجتماع کردند.

سندج -

دولت بندی، جناران، نازآباد، قوج

تشکیل شورای دهقانی

تبریز - دره قربانی

تشکیل شورای دهقانی

اهر -

مجیدآباد، خونیک، ادعان

دهقانان زمین های نصیب شده خود را که در دست
خاصی به اسم سلطانی بوده، پس گرفتند.

کردستان - غرب - اربت گوران

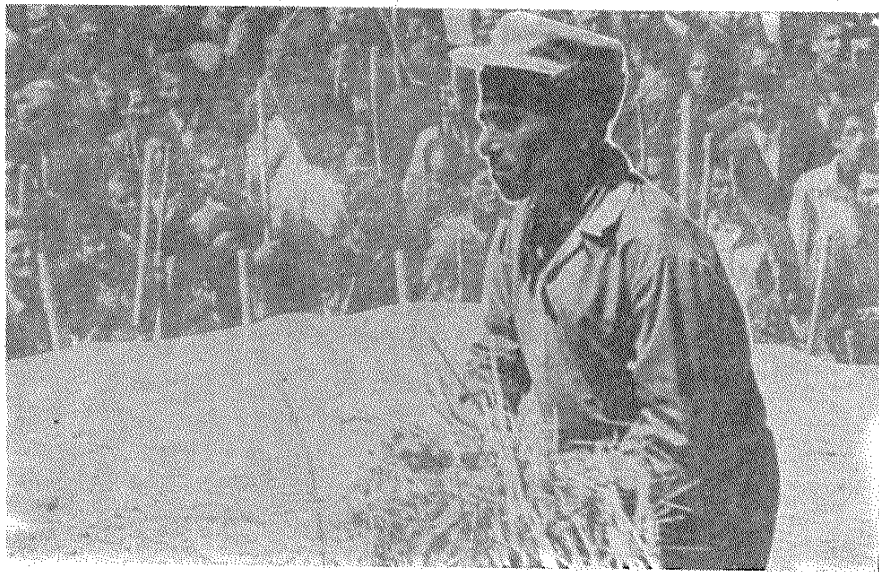
روز جمعه ۲۵ خرداد دهمیدیک چندینی زمیندار
بزرگ بر روی دهقانان اسلحه می کند.

سندج - الک

دهقانان در نامه خود خواستار محکوم والی خان
سندجی و پس گرفتن زمین شدند.

گلپایگان - رباط

مردم که از مراجعات مختلف به مقامات مسئول
نامه ای نوشته بودند خود را با اقدام به جمع آوری و تقسیم
محمول کردند.



قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری
طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

دوره‌ها و نظام (۳)

حفظ دستاورد های انقلابی رسیده بود، در اکثر نقاط کشور جنبش دهقانی بطور موقتی افاق کرد. همانطور که در بالا دیده میشود در ماه شهریور که اوج حمله ارتجاع به کردستان بود جنبش انقلابی دهقانی در این ماه وجودش را دوباره گم است.

۳ - پس از یک دوره موقتی دوباره جنبش دهقانی در اوج عالی تر شکل گرفت و در ماه های آخربه رشد کیفی قابل ملاحظه ای رسیده است. همان - طور که در اخبار دیده میشود مرکز نقل مبارزه دهقانی که در فارس شمال و کردستان می باشد به شکل عالی - تری رسیده است. احوال با ثبات مبارزه طبقاتی هم اینک جای خود را به مبارزه انقلابی زمینداری زمینداران بزرگ، درگیر شدن قهرآزمیزا زمینداران و کمیت های حامی آنان و تشکیل سورا های دهقانی داده است. شورویجان انقلابی روستا های این مناطق را فرا گرفته است. مسئله مبارزه زمین - های زمینداران بزرگ، سرما به داران و نژادخوا -

ران شهری، کشت و صنعت ها و شرکت های سپاه م - زراعی، امروز بصورت یک شعار عملی در جنبش دهقانی این مناطق درآمده است. وظیفه انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای مترقی است که این شعار عملی را میان دهقانان بپراکنند و مبارزات آنها را هدایت کنند. در شرایط مشخص وضعیت طبقاتی و صف بندی طبقاتی در جامعه ایران اکتا، کمونیست ها در روستا بر روی کارگران کشاورزی و دهقانان بسی - زمین است. اینها آن نیروهای هستند که سبقت موقعیت اقتصادی شان، فروش نیروی کار و ...

آماجگی جذب افکار روسیال دموکراتیک و آگاهی طبقاتی را دارند. نزدیکترین متحدین پروولتاریای میهن ما در روستا دهقانان فقیر و کم زمین در درجه اول و پس از آن دهقانان میانه حال می باشند. دهقانان فقیر و بیچاره ستم و استثمار را که از جامعه سرما به داری می برند منافع مشترک بسیاری با طبقه کارگر دارند. برخورد با دهقانان مرفه و دوگانه است. در مرحله کنونی اینها جزو نیروهای خلیف هستند. و با بیستی اموال و زمین های آنان مداره انقلابی گردد. با بیستی آنها را بسوی خود کشاند و از رانده شدن آنها بیست نیروهای ارتجاعی جلوگیری کرد. بویژه در مناطقی که مسئله ملی مطرح است، دهقانان مرفه در موضع انقلابی هستند. تجربه جنگ انقلابی در کردستان نشان داده است که در آنجا -

دهقانان مرفه بلحاظ اینکه تحت ستم فئودالها و انتقام آنها قرار دارند به دهقانان فقیرترها ییبل - شان می دهند و در جنگ منافع مشترک میکنند. در عین حال پیگیری دهقانان فقیر را ندارند و از خود بسیار ترس دارند. نشان می دهند. اینست که در وضعیت کنونی با بیستی ترس از آنها را مورد انتقاد و در حالیکه بسوی فئودالها گرایش نشان می دهند، مورد افشاکری قرار داد.

۴ - مسائل درخواستی مطرح شده توسط دهقانان در عرض این مدت که در قلمن ماها، میتینگ ها، راهپیمائی ها و غیره بارها و بارها بیان شده می - تواند به هیئت اساسی حل دموکراتیک مسئله راغی را نشان دهد:

۱ - همانطور که از سرور این مبارزات بر می - آید در ماه های اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸ بطور کلی ابتدای تشکیل حکومت موقت و استقرار جمهوری اسلامی حرکت های طبقاتی دهقانی در حال شکل گیری است. هنوز شکل عمده مبارزه دهقانی (غیرا زترکمن صحرا که در مرحله پیشرفت حاکمیت شورا های واقعی است و نیز کردستان) نامنویسی، راهپیمائی، صدور قطعنامه، مطرح کردن خواستها و غیره می - باشد. در این مرحله دهقانان در نهم نسبت به هیئت حاکمه بسوی برنده و هنوز دشمن خود را نشناخته اند.

با همه اینها مبارزه زمین در برخی نقاط بچشم می - خورد. شورا های دهقانی در حال وجود آمدن است. بویژه در کردستان هنوز مبارزه طبقاتی حاد و عمومی نشده است. (۲)

۲ - حمله سراسری ارتجاع به کردستان سبب ایجاد نا موزونی شدید در سیر مبارزه طبقاتی گردید. در حالیکه در کردستان جنبش دهقانی به مرحله عالی دفاع و مقاومت مسلحانه در برابر نیروی ارتجاع برای

(۲) - درگیری نظامی در سنج که در آن اکیس - روستا های اطراف سنج شرکت داشتند و پس از آن وقایع بنده اولین برخوردهای بودند که به شناخت خلق کرد از هیئت حاکمه کمک کردند.

۳ - درگیری نظامی در سنج که در آن اکیس - روستا های اطراف سنج شرکت داشتند و پس از آن وقایع بنده اولین برخوردهای بودند که به شناخت خلق کرد از هیئت حاکمه کمک کردند.

۴ - مسائل درخواستی مطرح شده توسط دهقانان در عرض این مدت که در قلمن ماها، میتینگ ها، راهپیمائی ها و غیره بارها و بارها بیان شده می - تواند به هیئت اساسی حل دموکراتیک مسئله راغی را نشان دهد:

۱ - همانطور که از سرور این مبارزات بر می - آید در ماه های اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸ بطور کلی ابتدای تشکیل حکومت موقت و استقرار جمهوری اسلامی حرکت های طبقاتی دهقانی در حال شکل گیری است. هنوز شکل عمده مبارزه دهقانی (غیرا زترکمن صحرا که در مرحله پیشرفت حاکمیت شورا های واقعی است و نیز کردستان) نامنویسی، راهپیمائی، صدور قطعنامه، مطرح کردن خواستها و غیره می - باشد. در این مرحله دهقانان در نهم نسبت به هیئت حاکمه بسوی برنده و هنوز دشمن خود را نشناخته اند.

دی ۵۸

۱ - فارس - پایامنیر
در پی یورش وحشیانه خوانین مرتجع از طرف عنا یر منطقه بویرا احمد نظا هراتی بنفع دهقانان و محکوم کردن توطئه های خوانین برقرار شد.
۲ - آمل - کچله

دهقانان ۱۵ هکتار زمین حسین اسکندر ی ارباب به را تصرف کردند.
۳ - میاند آب - اربط سفلی
۲۰۰ هکتار زمین احمدخان ارباب به تصرف دهقانان در می آید.

۴ - محمودآباد - پیشه کلا
دهقانان ۲۴۰ هکتار زمین را تصرف کردند. در پی توطئه اربابان متخمن در فرما تئاری آمل انجام گرفت. روز جمعه ۱۴/۱۰/۱۰ علیه زمینداران و مالکین مرتجع نظا هراتی صورت گرفت که منجر به زده خورد با عمال اربابان شده و چند دهقان زخمی شدند.

دهقانان به خشم آمده خانه ارباب را به آتش کشیدند.
۵ - آذربایجان - ملکان
سند زمین های تقسیم شده اصلاحات رازی در دست مالکان باقی مانده و کشاورزان برای دریافت سند به تخمین دربار تک کشاورزی و عمران روستا می ملکان دست می زنند.

۶ - آمل - جلیکان
۴۰ هکتار زمین های ارباب توسط دهقانان صادره می شود.
۷ - آمل - قرق
۱۲ دهقان بی زمین طی یک جلسه تصمیم به صادره ۵ هکتار زمین نژادخوا رده می گیرند.

تحلیل اخبار فوق نشان میدهد که:

۱ - همانطور که از سرور این مبارزات بر می - آید در ماه های اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸ بطور کلی ابتدای تشکیل حکومت موقت و استقرار جمهوری اسلامی حرکت های طبقاتی دهقانی در حال شکل گیری است. هنوز شکل عمده مبارزه دهقانی (غیرا زترکمن صحرا که در مرحله پیشرفت حاکمیت شورا های واقعی است و نیز کردستان) نامنویسی، راهپیمائی، صدور قطعنامه، مطرح کردن خواستها و غیره می - باشد. در این مرحله دهقانان در نهم نسبت به هیئت حاکمه بسوی برنده و هنوز دشمن خود را نشناخته اند.

با همه اینها مبارزه زمین در برخی نقاط بچشم می - خورد. شورا های دهقانی در حال وجود آمدن است. بویژه در کردستان هنوز مبارزه طبقاتی حاد و عمومی نشده است. (۲)

۲ - حمله سراسری ارتجاع به کردستان سبب ایجاد نا موزونی شدید در سیر مبارزه طبقاتی گردید. در حالیکه در کردستان جنبش دهقانی به مرحله عالی دفاع و مقاومت مسلحانه در برابر نیروی ارتجاع برای

(۲) - درگیری نظامی در سنج که در آن اکیس - روستا های اطراف سنج شرکت داشتند و پس از آن وقایع بنده اولین برخوردهای بودند که به شناخت خلق کرد از هیئت حاکمه کمک کردند.

۳ - درگیری نظامی در سنج که در آن اکیس - روستا های اطراف سنج شرکت داشتند و پس از آن وقایع بنده اولین برخوردهای بودند که به شناخت خلق کرد از هیئت حاکمه کمک کردند.

۴ - مسائل درخواستی مطرح شده توسط دهقانان در عرض این مدت که در قلمن ماها، میتینگ ها، راهپیمائی ها و غیره بارها و بارها بیان شده می - تواند به هیئت اساسی حل دموکراتیک مسئله راغی را نشان دهد:

۱ - مازندران - بهنجانی
دهقانان از دادن نصف محصول به زمیندار بزرگ "بزرگ" خودداری میکنند. با نگاه یکمک مالک نتافته و مردان مسلح با دهقانان درگیری می شوند.
۲ - مازندران - جمال کلا

روستایان از پرداخت نصف محصول به مالک دهقانی خودداری میکنند. اوپویش علیه دهقانان توطئه جینی میکنند. دهقانان به خانه بیرون ریخته و اورا تک می زنند. در این رابطه ۹ تن از روستایان مبارز توسط دادگاه قتل دستگیر و زندانی می شوند.

آبان ۵۸

۱ - آمل - کلیکان و کلا محله
دهقانان کذا زرا های قانونی به نتیجه نرسیدند زمینها را به تصرف درآورده و کشت میکنند. احمدی زمیندار ده ۷۰ نفر جماعت را مسلح به روستایان حمله برده و عده ای را زخمی و تراکتور آنها را آتش می زند.

آذر ۵۸

۱ - شوشتر - محله
کشاورزان این ده دست به تصرف زمینهای امیر حسین خان زده و بطور مشترک دست به شخم میزنند.
۲ - آراک - مست
دهقانان ۱۵۰ هکتار زمین های سلیمان خان خانبلوکی مالک ده را تصرف میکنند.

۳ - مازندران - علی آباد
دهقانان ۱۰۰ هکتار زمین های کشت و صنعت "سویا" را تصرف کردند.
۴ - مازندران - انبارده
دهقانان ۱۰ هکتار زمین "هدایتی" را ضبط کردند.

۵ - مازندران - جنگاز
دهقانان ۱۰۰ هکتار زمین فرخ نادرخانی را تصرف کرده و شورا ای ۵ نفره تشکیل دادند.
۶ - فارس - داراب
اهالی چندین از روستا های اطراف نظیر جمسی و کوه سفید و ... اقدام به تصرف زمین فئودال کرده اند.

۷ - فارس - مرودشت
شورا انقلابی برای تصرف زمین های فئودالها روستایان را فرا گرفته.
۸ - فارس - ممسنی
زدخورد دهقانان با فئودالها که منجر به کشته شدن یکی از خوانین (ایازخان) شد

۹ - فارس - فیروزآباد
محمد حسین خان برادر خسروخان ۸۰ هکتار از زمین های دهقانان را در "جای دشت" تصرف کرده است.

۱۰ - فارس - گیوم
نظا هرات وسیع دهقانان. علت نظا هرات اعتراض به آزادی فتحعلی خان گیوم، مالک سر - سیرده این ده است.

قیام بطور عمده با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما
نیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آنرا

روزنامه قیام (۲)

خاطرات يك رفيق ديگر از قيام شيراز :

روز ۲۹ بهمن ماه

ساعت ۹ شب مردم قهرمان شیراز به حکومت نظامی اهمیت داده و سنجایی با آمده و بیاداد ن شعار برطرف تا هراغ حرکت نمودند .

روز ۲۲ بهمن ماه

در این روز تاریخی از اولیسن ساعت صبح مبارزان شیراز طرف کلانتری ها حمله را آغاز نمودند . پس از قطع سلاح و سقوط چند کلانتری بدستور شهروانی کلانتری ها تخلیه و به شیراز منتقلی مرکزی نقل مکان می کنند ، برای محافظت از شهر - بانی مرکزی از مرکزباده ، مرکز زرهی و هواپرد - نفاهای کمک می نمود .

مرکزباده بدستور تیمسار رهبرانی و تیمسار رفلاهی یک گروهان (گروهان سوم) ارگردان رزمی را روانه شیرازی می کند . (برنامه کردها در سرهنگ دوم مالک سود)

مرکز زرهی که دارای یک تیب رزمی است با مقاومت شدید برسنل (و حتی راهیمانی روبرو شده بطوری که همگی از رفتن سربازی زندولدا کجکی ارسال می شود ، تیب هوا بردی از فرستادن تعدادی "تیر خردا" روسی "و برسنل مسلح بنیه گانهای خود را آماده نموده بود (البته تعدادی از واحدهای

این تیب (شیراز یک یا دو گردان) در ما موریت قهرمان بوسیر چیزی ۰۰۰ بصری بردند) که اگر تیر و کانی نبود آنها را اعزام دارد ، ولی تعداد زیادی از برسنل این تیب فرار نموده و به صف برسنل انقلابی مرکز زرهی که از صبح داخل یادگان دست به راه هیما می زده و برطرف شهر حرکت بودند ، پیوستند . اطراف شیرازی نبرد سختی بود (حدود ۴ تا ۵ نفر کشته و بیش از ۱۴۰ نفر زخمی شدند) مردم قهرمان دمیزندند "رهبران ، رهبران ما را مطلع کنید" ، اسلحه ها می را که از کلانتری ها صادر شده بود اکثر آنها به مسازال آیت الله مصلحی و دستغیب برده بودند . ولی مردم جبار شیراز با دست خالی با کاکوتل مولوتف ، سوراخی ، ... تیر به مبارزه ادامه داده و عقب نشینتند ، عده زیادی از مردم که در دورم - بلدورم های ناصروخسرو قشایی این فتودالهای سرسپرده میر - یا لیسرا قبل از قیام شکوهمند خود زیاده دینده بودند خوش خیالانه و بیبوهه در انتظار رکمت ایسان که افراد مسلح زیادی داشتند لحظه شماری میکردند . حوالی ظهرها قهرمان رزمنده نیروی هوایی ابتدا با دست خالی با راهیمانی وارد شهر شده و تا حدود شیرازی می آیند و پس از مشاهده وضع و با عیبیا یکه برگشته و اینبار مسلح وارد قیام شدند . برسنل قهرمان مرکز زرهی نیز که با دست خالی برطرف مرکز شیراز هیما می نمودند ، با مشاهده وضع و با عیبیا یادگان برای آوردن تانکها هجوم می آورند . هوا پر شده با دمه و در حال حرکت برای کمک به شهروانی بود با مشاهده تانکها و شنیدن صدای رگبار تیربارانهای برسنل زرهی که از جلوی این تیب می گذشتند عقب نشینی نموده و عده زیادی از سربازان و درجه داران تیب به زرهی می پیوندند ولی زرهی وقتی رسید که شهروانی با دست توانای مردم شیراز و تعدادی از زحمتکشان عتبار که گردنه متشکل ولی بصورت برانگشده و

انفرادی (مثلا دونفر مسلحانه مبارزه میکردند و تلتانسان جنگی بود) در مبارزه شرکت داشتند و به کمک عدهای از آنها فرمان شجاع نیروی هوایی سقوط نموده بود . قبل از سقوط شهروانی تیمسار رفلاهی معاون مرکزباده مستقیماً با بسیج به سرهنگ مالک (فرمانده گردان رزمی) پشت سر هم وبا تهدید به

مرکزباده و سرهنگ ندین فرمانده تیب کاسارون می باشند) .

پس از سقوط شهروانی مردم که برسنل مبارزانش را در صف خود دیده بودند علیه برغم میل باطنی خود منتهی برنا بودی ارتش ضد خلقی بدستور رهبران شعار "ملت فدای ارتش" را سر داده بودند و به این ترتیب نفاوت میان برسنل مبارزانش و ارتش ضد خلقی (با آن ساخت ، تجهیزات ، وابستگی و...) از پیش چشمان بدور ما ندولدا ما هیت این ارتش را که پس از یک یا زسازی آنرا مجدداً به نفاوت خواهد

- در حالیکه برسنل انقلابی و افسران مبارز ارتش بجرم عقاید جیبی از ارتش اخراج میشدند ، سرهنگها و تیمساران شاهنشاهی که تا آخرین لحظات قیام روی مردم بودند همچنان بر سر کارند .
- قبل از سقوط شهروانی ، تیمسار رفلاهی معاون مرکزباده مستقیماً با بسیج به سرهنگ مالک (فرمانده گردان رزمی) پشت سر هم وبا تهدید به مردم قهرمان از اطراف شهروانی را می داد و میگفت مقاومت کنید! الان هلیکوپتر یکمکتان میفرستم .
- عده زیادی از مردم که الدورم - بلدورم های ناصروخسرو قشایی این فتودالهای سرسپرده امیرالایسم را قبل از قیام شکوهمند خود زیاد شنیده بودند خوش خیالانه و بیبوهه در انتظار رکمت ایشان که افراد مسلح زیادی داشتند لحظه شماری می کردند .

گذاشت (همانطور که در سرکوبی خلقهای کرد ، ترکمن عرب و زحمتکشان دیدیم) از نظر دوردا شدند . شهروانی دیگر در کامسطه های آتش میسوخت و اسلحهها بیش همه صادر شده بود . همزمان با سقوط شهروانی دستور "اعلام همبستگی ارتش با مردم" رسید و یادگانها اعلام همبستگی نمودند . حدود ساعت ۴ بعد از ظهر قهرمانها از نفاوت فارس نیز همبستگی خود را اعلام داشت و یکی از قایمان دستغیبها با عدهای به آنجا رفته "بیا همبستگی" را در قیام نمودند .

برسنل این مرکز دستور مقاومت و عقب راندن مردم قهرمان از اطراف شهروانی را میدهد . میگفت مقاومت کنید! الان هلیکوپتر یکمکتان میفرستم . سرهنگ مالک تا مدتی دستورهای فلاحی را اجرا می نما بدولی پس از مدتی مقاومت همراه سرهنگ ندین افسرا عوامی با ستون مرکزباده وقتی دیدند در مقابل قدرت مردم دیگر قادر به مقاومت نیستند (خموما اینکه همبسته بودند مرکز زرهی به آنها کمک نخواهد کرد و به صف انقلابیون پیوسته) از یکطرف و از طرف دیگر برسنل و مقاومت عدهای از برسنل خود زعمداً وظیفهها) که حاضر نبودند در مقابل مردم ایستاده و به گستاخیا ن دست بزنند ، بدون توجه بدستورهای مکرر تیمسار رفلاهی که ارتباطان نیز قطع شده بودند مجبور به عقب نشینی گردیده ، شهروانی را ترک نموده و به اتفاق تیمسار لاری برطرف مرکز بیاده روانه گردیدند .

(که هم اکنون تیمسار رفلاهی مزدور فرمانده نیروی زمینی ، سرهنگ مالک "گویا" رئیس ستاد

روز ۲۳ بهمن ماه در این روز که مردم نادمان از نیروی قیام به خیابانها ریخته بودند ، برسنل مبارز مرکز زرهی نیز مجدداً به خیابانها آمده با هم برطرف همافران قهرمان حرکت می نمایند . در آنجا پس از تحکیم همبستگی مجدد بین این برسنل قهرمان و مردم برطرف شهری آیند ، پس از متفرق شدن تانک های مرکز زرهی برطرف یادگان میروند ، یکی از این بقیه در صفحه ۷

والتجارة ... و او ان احترهما معبر بمسبب تضحيم الوهم من ان العقل اليهودي والمقتبل الاسرائيلي والقوة البشيرية المصرية يتقاسمون العمل ، ويتنافس عن ذلك سوق مشتركة . لا يمكن ان يكون الامر كذلك ... فمصر دولة مستقلة ذات سيادة ، لها اقتصاد خاص بها كما هو الحال بالنسبة اليها .

التعاون الاسرائيلي - المصري في المجال السياحي والتبادل الاقتصادي

فالوزير الاسرائيلي ، والحكومة الاسرائيلية ، يرون ان المساهمة الفورية لا تكون فقط في العلاقات بين كلتا الدولتين ، بل اساسا تجاه العالم كله . الى « اسرائيل » اصبح لديهم اعتماد اخر للقيام بچولة مشتركة لكل من مصر واسرائيل ، والمستثمرون الذين ترددوا في الماضي بسبب الحرب

« بعد سمس من بعد ، سبب وسرور سبب الذي سيدت في المجال الاقتصادي في اعقاب اتفاقيات السلام ، في خلال حديثنا سلف الامر في المكان الصحيح ، افترض انه بعد بضعة اشهر ستبدأ علاقات سليمة من الناحية السياسية بين كلتا الدولتين . ويترج هنا سؤال : اي علاقات اقتصادية ستكون في غضون ذلك ؟ »

ويبدو ان الوزير الصهيوني ليس على عجلة في هذا الموضوع . . . لفظ الممار ، فهو وزملاؤه الصهاينة ، يدركون ، ويعرفون جيدا ، اين يقفون ... وما يحيط بهم ، فهم يدركون ان الشعب العربي ، ليس بسهولة او بالاحرى ليس معقولا ان يقبل بهم هكذا وبسحر ساحر ، بمسدم الممارسات الصهيونية والاعتداءات المتكررة على هذا الشعب من قبل دولتها « اسرائيل » ، من هنا كان جواب الوزير ، واضعا امامه صورة المستقبل ... مدركا حقيقة ما جرى ، وما سوف يجرى . وفي معرض اجابته عن السؤال الذي طرحه على نفسه يقول الوزير الصهيوني « ان الامر يحتاج بسبب روايب الماضي التي استمرت ثلاثين عاما

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال

دیروز ما هم تمام (۲)

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق (۲)

در شرایطی که رژیم سرما به داری وابسته موجود و سیستم مغفوری سلطنتی بر فراز است و در هنگامی که مبارزات قهرآ میروا انقلابی ستم‌دیکان میبین ما به پیش می رود، "حزب توده" خواستار آنست که "روح واقعی" قوانین موجود چون "قانون اساسی و متمم آن" که توجیه گروپا سدا ر نظام سلطنتی و سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است مراعات کرده باشد این سیاست "حزب توده" در شرایطی که انقلاب به پیش می رود، و نتایجی قوانین فدا انقلابی طبقه حاکم را نفی میکند، علیه انقلاب نیست؟ طبقه مرجع حاکم برای توجیه حاکمیت خدا انقلابی خود به وضع قوانینی می برد از ده گارت و جیا ول توده ها را موجه و مستدل ساخته و مبارزه آنان را علیه نظم کپین "امپریالیسم" شمار آورد. هر قانونی منافع طبقه معینی را نگهبانی می کند، درست است که ما هدیکتا توجیحی برخی ار همان قوانین رسمی موجود را رعایت نمی کرد و "قانون اساسی متمم آن" اما در خدمت رژیم سلطنتی سرما به داری وابسته و امپریالیسم بود و نه حاکمان یا سدا رومجری جوهر اساسی این قوانین بود. حال حزب توده "بمان به مبارزین سوز و زاری خواهان اجرای "روح واقعی" همین قوانین می باشد.

همانطور که بیان کردیم "حزب توده" خواهان انقلاب از طریق درهم شکستن دستگاه دولتی حاکم یعنی سرکوب بورژوازی وابسته و امپریالیسم نیست، "حزب توده" در شرایط بیرونی انقلاب توده ها با اعمال فخر مستقیم و بیورش بلاوا سط به دستگرهای قدرت رژیم "مخالفت و رزیده و منتقدیه" متزلزل ساختن استبداد دیا تعدیل آن و "تصرف" مواضعی از رژیم (و نه سرکوبی قهرآ میزکل نظام حاکم) می باشد. لنین در رد نظرات رومیونیستها و پورونیستها مینویسد: "اندیشه مارکس عبارت از این است که طبقه کارگر را بد" مائین دولتی حاضر آ ماده " را خور دکنند و در هم شکنند" بلکه به صرف ساد آن اکتفا ورزد.

"دولت و انقلاب" تاکید از ماست ()
"حزب توده" بر اساسی می رومیونیستی ان خواهان تصرف مواضعی از رژیم و سنا بر این دریغی حفظ مائین سرکوب سرما به داری وابسته و سنا ی بورژوازی کمپرا دوراست، بر رومیونیستها از قیام پیرو و مند بر لوتا ریا توده ها که سنفودنا پذیر در مقابل توسعه و نفوذ همه امپریالیستها و راجله سوسیا ل امپریالیسم شوروی است می هراستند.

"حزب توده" که در می سازش طبقانی خود غوطه می خورد در دست ترین "راه سجات کشور" را نه قیام و مبارزه مسلحانه توده ها و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر، بلکه "انتخابات عمومی آزاد" جهت "تشکیل یک حکومت انقلابی ملی بر پایه جمهوری" می داند.
کمونیستهای راستین هیچگاه انتخابات در نظام بورژوازی را راه کسب قدرت سیاسی نمی دانند اجرا

که هیچگاه طبقه ارتجاعی به دلخواه خود قدرت را به توده ها نمی دهد و در لحظه ای که حاکمیت سرما به سطر اقتدا نوسل به ابرار سادات و حاکمیت طبقاتی خود یعنی ارتش و... به سرکوب خویش توده ها می بردارد. کمونیستها استخا بات برای "نجات" را توجیه می و فریب توده ها می دانند و معتقدند که راه واقعی، مبارزه و قیام مسلحانه و خورد کردن دولت ارتجاعی می گذرد، لنین می گوید:

● سال ۱۳۵۶ - رومیونیستهای توده ای، قهر انقلابی مردم مبارز تبریز را (در بهمن ۵۶)، "خرابکاری یک عده چاقوکش و اوپاش ساواک..." معرفی می کنند!

● سال ۱۳۵۷ - در حالیکه خلق بپا خاسته از "جمعه سیاه" بعد از جزیه سرنگونی قهرآمیز رژیم نمی اندیشید، حزب توده از انتخابات عمومی برای تشکیل حکومت ائتلاف ملی، بر پایه جمهوری سخن می گوید.

● سال ۱۳۵۷ - و تنها ۲ ماه قبل از قیام حزب توده از مراعات قانون اساسی سخن میگوید...

"دولت مبارز است از مائین سرکوب طبقه ای دست طبقه دیگر، مائینی برای اینکه طبقه زیر دست را در اطاعت نگاه دارد... هر دولتی که در آجا مالکیت خصوصی بر زمین و انفساز تولید وجود دارد، در آنجا سرما به حکومت می کند. هر چه هم دموکراسیک باشد، دولت سرما به داری است، مائینی است در دست سرما به داری و نا طبقه کارگر و دهقانان نه بدست را در اقتدار نگهدارند در حق انتخابات عمومی، مائین موانع، بارلمان فقط صوری است، سعی جواله" سرخرمین است که در واقع بهیح وجه تعبیری در ساهت نمی دهد.

(دیواره دولت)

و با لنین در جای دیگر اضافه می کند:

"این سرحدات انقلاب را واداره "مرکز" سرروهای حزب" علیه قدرت دولتی مینماید و محرومی کند و طبقه خود را خرب و با سودی مائین دولتی هرا ردهد، نه اینکه بهودا مائین مائین

"دولت و انقلاب" - تاکیدات از ماست ()

حال رومیونیستهای "کمینه مرکزی حزب توده" این عاملین سوز و زاری و خائنین خلق و به بر لوتا ریا در هنگامی که رژیم شاه مزدور با انکا" به امپریالیسم آمریکا سون حاکمیت اش بر پایه قتل عام و کشتار خلق استوار است، عوامفریبانه مبلغ راه با رلمانا ریمو" انتخابات عمومی آزاد" هستند. بعلاوه رومیونیستها خائنان درین تخیلی "جمهوری" بر پایه "انقلاب ملی" یعنی انقلابی که بخش دور اندیش هیئت حاکمه و بورژوازی لیبرال را نیز در بر می گیرد بوده و و فجا نه رهبری طبقه کارگر را بر انقلاب بدست فراموشی می سبارد.

انقلاب مردمی اعتبار بهانه های نوم رومیونیستهای مرد و لیبرالهای خائن با درهم شکستن مواضع ارتجاع در راه قیام به پیش می رود. انقلاب بدون رسیاست نا بیکسر خرد بورژوازی به تکلیفهای مسلحانه ارتقاء یافته و ما لاخره به تمرکز قوای خود بردا خنده و به نطفه اوج خود یعنی قیام کوه مند پیمان می رسد.

رومیونیستهای "کمینه مرکزی" که بیوسنه در مدد بهره گیری فرصت طلبانه از جنبش مردم بوده اند، به ناگهان در نقطه وقوع قیام در شرایطی که بخشی از توده ها به تسلیح خود برداخته، به طرح ضرورانه شعار "مبارزه مسلحانه" می بردارد، آنان که تا بحال خواستار رعایت قوانین موجود بودند، آنان که

مخالفت "اعمال فخر مستقیم" بودند، آنان که خواهان برکزاری "انتخابات عمومی" بودند بنا کچان با شعار "مبارزه مسلحانه" روی موافقت نشان می دهند. طرح این شعار - آنچه محدود و برای چند روز - جزیک تاکتیک فرصت طلبانه و فریب کارانه جیس دیگری نبود. رومیونیستها با بنا کزیر می - بایست پشتیبانی ظاهری با قیام نشان دهند و سپس آتراه سرما به داری برای عوامفریبی و بهره گیری سیاسی خود تبدیل نمایند و یا اینکه این پشتیبانی ظاهری را نیز از خود نشان نداده و سنا بر این و مایل افشای بیضت خود را نیز تزد توده ها فراهم سازد. رومیونیستها که سنادان سیاسی می باشند، راه اول را انتخاب کردند.

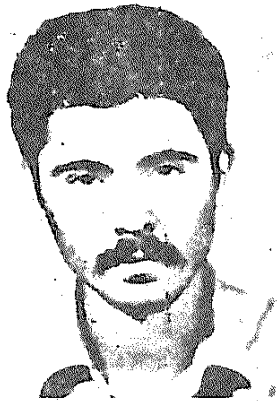
انقلاب توسط توده های آگاه، متشکل و مسلح و هدایت شده صورت می گیرد و بیروزی نهائی آن در کرور رهبری طبقه کارگر است، کمونیستها به منظور تحقق انقلاب یعنی درهم شکستن کامل دشمن از آن زمانی که فعالیت خود را شروع می کنند به تبلیغ و ترویج ایده قیام مسلحانه و سنا گیری جنگ انقلابی بین انقلاب و سنا انقلاب می بردا ز ندو بدین ترتیب در طول یک کار طولانی توده ها را بیورش می دهند و مشکل می نمایند تا اینکه آنان در لحظه معین قیام برای کسب قدرت سیاسی به تخریب بلند شوند. کسب قدرت سیاسی جز از طریق تخریب و بیورش مسلحانه توده و جنگ خویش آنان مینمونه اهدید و بیروزی انقلاب جز با شرکا رمداوم، طولانی و جنگی ناپذیر انقلابیون جهت تربیت توده ها برای قیام مسلح و جنگ انقلابی امکان نخواهد داشت. ولی رومیونیستها همه این آموزنهای مارکسیسم لنینیسم را آگاهانه و در دیلان بدست فراموشی می سبارد و سنا

بقیه در صفحه ۸

ماسک آزادی خواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

شبه از صفحه ۵ خاطرات ...

با کنج‌های عبور از مقابل بیمارستان سدی بسا ندای از مردم که سخت ناراحت بودند وحشی کریم می کردند مواج می شود، مردم به اطلاع افراد این تاک می رسانند که در جرم هتوریتا وقت سخنسی ادا مداد و دو چند نفر از مردم تیرکسه و وحشی شده اند، و از ایشان می خواهند یکمک مردم شهرمان چه سترم بشناسند، از این رو آنها خود را به پادگان رسانده تا هر چه زود تیره جیرم بیرون، این عده (حدود ۱۲ نفر سرباز، در جدها روانس) پس از نلانی زیاد با باز کردن در سلحه خانه، اسلحه و مهمات برداشته و آماده حرکت می شوند که سرهنگ بغما می معاون شب کد در زمان حکومت نظامی دارای پست حسابی در فرمانداری نظامی شیراز بود (عضودا دکاه حکومت نظامی کدرا از افراد کوشن فرمان و موردا طمینان انتخاب می شوند)، سومی رسدوا زمین این افراد به جیرم جلگه می کنند و در مقابل اجرا را بستانا مقاومت می کنند وحشی اظهار می دارد که اینجا ارتش است بی نظمی و خودسری معنی ندارد، ما تا بسع دستوریم، باید از بالا (برعم ایشان تیمسار اویسی-ها و ربیعی ها و...) بما دستور بدهند، در حقیقت این جناب سرهنگ منتظر بود فرماندهان مسزوری چون اویسی جلد با... که هنوز از نظرسر او در اوج مسزوری قیام نکوهند مردم فرمانده بودند دستور کنگ به انقلابیون را بدهند، اینجا درگیری شدید لفظی بین دوتن از افسران و جناب سرهنگ درمی - کید که با علامرا دیومینی سرشوط جیرم بدست انقلابیون متا جره با بیان می پذیرد، اما بعد از پیروزی قیام و سقوط رژیم جناب سرهنگ که خود بخود وحشی در رژیم قبلی پس از رفتن فرمانده تیب فرمانده میند، به فرماندهی تیب رسید (البته بر اثر مبارزات برسنل مبارز تیب مجبور شدند در را منتقل نموده و کس دیگری را بجایش بگذارند)، و نیز یکی از آن افسران مبارها کتون بجرم ضد انقلاب و دستن عفا بدجیبی همراه چند نفر دیگر که همگی مبارزان در زمان قیام و پیش از آن جنگی بودند با زحید گردیده اند.



خاطره رفیق شهید

داریوش (یوسف) صابری گرامی باد

رفیق داریوش روز ۵۸/۱۱/۲۲ روز قیام نکوهند بهمن ما در جریان سخنریا دکان عسرت آباد، در حالیکه سعی در نفوذ به پادگان را داشت، کلوله های دزخیمان آریا میوی بر روی سینه اش اسبوهی از لاله های کلکون کاشند.

رفیق در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده کارگری در آبادان متولد شد، پس از چند کده درش از کار اخراج شد، به تهران رفته و در آنجا متیم شد، داریوش پس از پایان دوران اول دبیرستان وارد هنرستان صنعتی تهران شد، در دوران تحصیل فعالانه در فعالیت های چنی سیاسی شرکت می کرد، و ازها نجا بوده که بسا مسائل سیاسی آشنا شد، پس از پایان تحصیل بسه سربازی رفت و پس از اربا زکشت از سربازی و در شرایطی که جستن انقلابی خلقیای سراسر ایران را فرا گرفته بودند، آبادان آمد و تا چند روز قبل از شهادت در آنجا ماند، رفیق در آبادان در مبارزات مسزرم

برای شهادت سینما رکن و نیز تخمین های کارگران بالاینکا و آبادان شرکت فعال داشت، شام کمانی که در تخمین کارگران بالاینکا و آبادان در بیمارستان شماره ۲ شرکت نفت حضور داشتند، رفیق را با ظر می آورد.

رفیق داریوش با بر در جریان فعالیت های سیاسی در مهرماه ۵۷ در جریان مبارزات کارگران بالاینکا در گروه "مبارزین راه آرمان کارگر" (م) ارتباط برقرار کرد، از آنجا که دیدگاه های رفیق داریوش با این گروه یکی بود، وی ارتباط مستحکم تر شده و پس از چندی در یک هسته کارگری-روشنفکری سازمان داده شد، رفیق در هفته دوم بهمن ماه برای انجام کاری به تهران رفت، از طرف گروه قرار بر این بود که رفیق برای خرید دستگا بهلی کیسی در تهران تحقیق کرده و سپس ترتیب خرید آنرا بدهد، پس از همین سفر رفیق گروه در روز ۲۱ بهمن ماه از راه تهران ملاقات کرده، روز ۲۲ بهمن در آبادان عسرت آباد، به شهادت رسید.

از آنجا که گروه "مبارزین..." در آن موقع بسا نام گروهی فعالیت نمی کردند، پس از شهادت رفیق داریوش اعلامیه ای صادر شد که با آن امضای "رفقای سکولانی" شهادت داده بودند در پشت زهرا نیز امضای از طرف خانواده رفیق سربا کرده که یکی از رفقای گروه، اوومبارزات فیما نشان را کرامی داشت، رفیق داریوش ما بر به کار سیاسی - سکولانی اعتقاد داشت و نزدیکین را وقف رها می زمینکسان و آرمان و الای طبقه کارگر و با لخره برضاری جمهوری دموکراتیک خلق ساخت، با داد و آرا کرامی بداریم و با وه کویا بی راکه می کوشند کمونیستیا بنفسی در انقلاب ایران ندا شده اند افسا کنیم.

گرامی بادا شهیدان بخون خفتند خلقی

(م) - این گروه در آبادان ۵۸ مبارزان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر سوس.



دروود بر تمامی شهدایی که در راه واژگونی سلطنت و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند

شبه از صفحه ۴ مروری بر...

معا دره زمین های زمینداران، بزرگ و سرامید داران تیری، کنت و هسنت ها و بیجا می زراعتی، مرائح، جاها های آب و... صنعت دهقانان، سنگیل سوراغای و اتحادیه های دهقانی و سپردن زمینها بدست این سوراها، سنگیل شرکتیای بنا و سی مصسرم و تولید سپردن آنها بدست این سوراها، سنگیل شرکتی های تعاونی مصرف و تولید و سپردن آنها بدست سوراها، لغو دیون و قروض دهقانان به بانکها، دولت، سربا، به داران و زمینداران، حرید محصولات کشاورزی به قیمت عادله از دهقانان و قطع واردات کالاهای کشاورزی از خارج گداختن کوب، بفرآصلاح شده، مانسین آلات کشاورزی برای دهقانان، نامین مسکن، آموزش و مسزورش خدمات درمانی، آب و برق، اسنالت و غیره برای روسا ثیان و... دهقانان روز بروز مسزور می با سندها از حکومت کنونی کاری برای حل مسئله رعی بر نمی آید، حکومت فعلی در همه جا با تسلیم زمینداران مرتجع مسلحانه در برابر دهقانان ایستاده است، دهقانان سنج خود را برولتاریای ایران می دانند و راه حل مسئله رعی را در زکونای بودی حاکمیت کنونی و بر - سزای جمهوری دموکراتیک خلق رهبری طبقه کارگر خواهد داشت.

پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بمناسبت نهمین سالگرد نبود قهرمانانه سپاهکل و تولد سازمان

چریکهای فدایی خلق

رفقا!

در آستانه اولین سالگرد قیام نگوئیم مسلحانه خلقها بمان ، دروهای گرم ما را بمناست بهیمن سالروز نبرد قهرمانانه سپاهکل و تولد سازمان رزمنده ویرا افتخارتان ، بیدیرید .

رفقای دلآوری که چه در این روز و چه بی از آن تا آغاز جنبش سراسری خلق ، علیه رژیم وابسته امپریالیسم شاه شاهن رزمیدند ، صفحنویسی در تاریخ حیات مبارزاتی خلق ما کاشوده اند . این صفحه با قراردادن قهرمانانقلابی در مقابل قهرمانانقلابی در سیاست ویرانه ، مبارزاتی علیه رژیم مزدورانه میسر می کردد . همچنین این صفحه با کشیدن خط فاصل بین خود و کلیه راه حل های یوسیده ، رفرمیستی و پارلمانتاریستی و سایر کارانه متعلق به لیبرالها و حزب توده ، سرش انقلابی خود را در این مقطع از تاریخ مبارزاتی میهن ما با کلیه راه های منحنف فوق نشان می دهد .

رفقا ! کاربرد قهرمانانقلابی در برابر قهرمانانقلابی و اعتقاد به اینکه جزا طریق نبرد مسلحانه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی نمی توان به پیروزی رسید ، دستاورد بزرگی در تاریخ مبارزاتی میهن ما محسوب می شود . سازمانیائی ، نظیر سازمان سما و ما که در ستریکا خونین بر علیه رژیم وابسته محمد رضا شاه با گرفته اند بخوبی براهمت و ارزش این دستاورد و دیگر سنتهای انقلابی که در این راه بدست آمده است ، واقفند . بهیمن لحاظ بر ماست که در راه پاسداری از این سنتهای انقلابی که با خون مدها شهید هم رزم قهرمان بدست آمده بگوئیم و آنها را ارتقاء دهیم .

رفقا ! ما می توانیم و باید که با تکیه بر سنتهای انقلابی گذشته و با درسیای بزرگی که تمام نگوئیم خلقهای ایران بمانند داده است امروز در راه آرمان والای طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای ایفا کنیم . بخصوص در شرایط کنونی میهنمان که با معده بدلیل عدم ، پاسخگویی به مسائل اساسی و زیر بنائی آن از جانب هیئت حاکمه دستخوش بحران عمیقی است ، این نقش اهمیت ویژه ای پیدا میکند . برای تحقق آرمان های طبقه کارگر ، برای متحد کردن زحمتکشان در راه رهایی خود ، برای درهم کوبیدن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و لیبرال بمانند با نگاه اصلی امپریالیسم در ایران ، بگوئیم که این نقش و وظیفه سترگ را بهترین وجهی انجام دهیم ، نقشی که امروز در وجود آوردن یک صف فشرده از نیروهای انقلابی در مقابل ضد انقلاب معنای حقیقی خود را بازمی یابد .

درد بر تهدای قهرمان سپاهکل
درد بر همه تهدای راه آزادی و استقلال میهن
سرک بر امپریالیسم و ارتجاع
بر قرار بباد همبستگی نیروهای راستین خلق

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۱/۱۸

صنعی ، کم کاری و متوقف ساختن کارادامه یابد . (همانجا)
بدین ترتیب " کمیته مرکزی حزب توده " یکبار دیگر بر علیه جنبش مردم و طبقه کارگر بکشد می شود .
توده های خلق و در رأس آن پرولتاریای ایران که اهداف انقلابی خود ، چون قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی سرمایه داری وابسته را تحقق یافته نمی بینند ، به مبارزه خود ادامه می دهند . ولی " کمیته مرکزی " خاشن همصدا با بورژوازی مبارزه کارگران رانتیجه " خرابکاری و کار شکنی ضد انقلاب " می داند . توده ها در پی آنند تا به انقلاب خود ادامه دهند ، ولی رویزونیستهای مرتد " حزب توده " (درگنا رویزونیستهای خاشن سه جہانی) در پی آنند تا بفتح بورژوازی ، انقلاب را خفه کرده و نابود نمایند . ولی منطق انقلاب همه ، این مرجعین و نگهبانان " نظم کهن " رانا بودخواهد ساخت .
۵۸/۱۱/۱۴

راستین انقلاب در همسویی با هیئت حاکمه می تازند ، آنان می گویند :
" اگر در دوران قبل از انقلاب کارگران با کم کاری ، با اعتماد های موضعی و وسوسه های اعتصاب سراسری ، بویزه در مراکز حساس اقتصاد کشور ، بمانند پیمان هنگ عمل نمودند و انقلاب را به نمرسا نندند ، در دوران پس از انقلاب نقش انقلابی طبقه کارگر در کمک به پیش بردن انقلاب (در واقع در کمک به بورژوازی) در حفظ انقلاب از گزند دشمنان رنگارنگ و در عقیم گذاردن نقشه ضد انقلاب است " .
(مردم ، شماره ۲۵ ، خرداد ۵۸)
وسیس با تاسف و همدردی برای بورژوازی کمیته مرکزی می گوید :
" مناسبه نباید گفت که خرابکاری و کار شکنی ضد انقلاب راست و شعارهای فریاد و تحاللی جب نماها موجب شده است که در برخی از تاسیسات

بقیه از صفحه ۶ حزب توده ...

سیاست تسلیم طلبانه خود در پی آنند تا از توده ها " قربانیان آرا موسا کتی " برای ماشین جنگسی و کشتار بورژوازی بسازند .
لنین می نویسد :

" ضرورت تربیت سببما نیک توده ها بقسمی که با این نظریه و همانا با این نظریه ، انقلاب قهری مطابقت داشته باشد ، همان نکته است که تا لوده ، تمام آموزش مارکس وانگلس را تشکیل میدهد . با رزترین نشانه خیا نت جریا نات فعلا حکمفرمای سوسیال - شونیسم و کائونکسیسم آموزش مارکس وانگلس ایسن است که خواه این جریان و خواه آن دیگری این ترویج و این تبلیغ را فراموش کرده اند " .
(دولت و انقلاب)

رویزونیستهای خاشن " حزب توده " بنسرای اینکه مخالفت خود را با انقلاب قهرآزمیز بیوشانند ، در باره تسلیم توده ها مغلطه میکنند و می گویند : همیشه در هر لحظه توده ها را نمی توان به قیام مسلحانه دعوت کرد ، این کار آنا ریشیتی است .

اگر حرف کمونیستهای این بود که در هر لحظه توده ها را با پیدا طریق قیام مسلحانه به کسب قدرت سیاسی دعوت کرد ، این کار جز آنا ریشیم و آرا ده گراشی چیز دیگری نخواهد بود ، زیرا نمی توان با قیام بازی کرد ، از یک طرف با بد توده ها کسب آکا می کرده و سبه ضرورت و لزوم آن بی برده یا شد و از طرف دیگر لحظه قیام و تعرض برای کسب قدرت سیاسی فقط در اوج موقعیت و وضعیت انقلابی میسر است . ولی بحث این است که برای اینکه به این نقطه برسیم باید طی یک فعالیت مداوم ، طولانی و همه جانبه توده ها را از لحاظ آکا می ، تشکیلاتی و تسلیحاتی برای انقلاب آماده ساخت تا در لحظه جنگ ، جنگ نمود و در لحظه قیام برای کسب قدرت تعرض و یورش مسلحانه کرد .

بله ، رویزونیستهای مرتد " تالوده تمام آموزش " ما رگسیم - لنینیسم یعنی پرورش و تربیت انقلابی توده ها را برای برانجام رساندن انقلاب مسلح فرا موش میکنند و بدین ترتیب به قیام توده ها پشت کرده و به آنان خیا نت می نمایند . آنان علیه قیام توده ها سنگرمی گیرند و به بورژوازی خدمت میکنند ، قیام توده های خلق ما بدلیل عدم رهبری طبقه کارگر ، بدلیل ناپیگیری و تزلزل خرده بورژوازی و خیا نت بورژوازی لیبرال ، ناقص و ناتمام ماند و به پیروزی قطعی و نهائی نرسید و بهیمن خاطر توده ها به مبارزه خود ادامه می دهند .

ولی " کمیته مرکزی حزب توده " بدلیل تسلیم طلبی و کرنش خود در مقابل قدرت حاکم برای بدست آوردن دل صاحبان قدرت و جهت نفوذ در هیئت حاکمه ضد انقلابی و کسب امتیازاتی چند برای اربابان توسعه طلب روسی اش تحلیل دیگری دارد ، و روزنامه " مردم " می نویسد :

" آن وحدت هدف و عمل و آن سردبی امان و پیگیری لازمه ، اجرا و طبقه ، دنوا را این مرحله بود ، خوشحنا به تحقق یافت و یک انقلاب تاریخی و دارای برد عظیم جهانی عملی گردید .
(۹ خرداد ۵۸)

بسی از قیام اپورتونیستهای خاشن بر پایه این نتیجه گیری رویزونیستی به طبقه کارگر و نیروهای

۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!